

آثار مکتوب، به عنوان با ثبات ترین وسیله ی انتقال فرهنگ در میان جوامع، و نیز یکی از مهمترین ابزارهای هدایت و تکامل فرهنگی و انسانی، دارای اهمیت فراوان بوده و با جذب مخاطبان بسیار، بخصوص قشر جوان، در حفظ ارزش های یک ملت و یا در نهادینه کردن فرهنگ بیگانه، می تواند نقش بسیار مهمی ایفا کند.

در این راستا، «انتشارات حدیث راه عشق»، با این هدف، در سال ۱۳۸۲، به عرصه ی فرهنگی کشور وارد شد. این مجموعه ی فرهنگی که ادامه دهنده ی مسیر «مؤسسه ی حدیث راه عشق» است، با تدوین و چاپ کتاب در حوزه های گوناگون؛ ازدواج و خانواده، تاریخی، اجتماعی، فرهنگ هویت اسلامی، مطالب ارزشمندی را در اختیار خوانندگان قرار می دهد.

در سال های اخیر انتشارات حدیث راه عشق، با داشتن گروه های پژوهشی با تجربه، به عنوان ناشر تخصصی ازدواج و خانواده شناخته شده و هم اکنون نیز با همکاری پژوهشگران «مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه» و «شبکه شفا» (شبکه ی فعالین ازدواج)، در صدد رسیدن به اهداف والاتری در زمینه های مختلف می باشد.

این مجموعه با هدف طراحی های مشترک فرهنگی، ایجاد سیستم های مدرن توزیع سراسری، ایجاد زیر ساخت های ترویجی و تبلیغی کتاب، ایجاد پاتوق های همفکری نویسندگان همسو برای طراحی و بهینه سازی وضعیت نشر، تسهیل دسترسی به کتاب های این انتشارات، شیوه های مطالعاتی کارآمد، ایجاد بستر تعاملات گسترده میان عوامل تولید کتاب و ناشران و همچنین حمایت از طرح های پژوهشی کاربردی و مرتبط و حضور پررنگ تر در حوزه نشر کتاب، بستر سازی برای تولید یا ترجمه آثار ارزشمند به فعالیت خود ادامه می دهد.

در پایان، انتشارات حدیث راه عشق، در راستای تحقق اهداف خود که همانا تحکیم مبانی دینی و حفظ هویت فرهنگی جامعه است، دست همه ی محققان و پژوهشگران در این حوزه را، به گرمی می فشارد و مسلماً اظهار نظرهای مشفقانه و رهنمودهای اهل قلم می تواند در پیشرفت این مجموعه، موثر واقع شود.

۱. اهمیت تعلیم و تربیت

حفظ سلامت و طهارت کودک
اهمیت شش سال اول زندگی در تکوین شخصیت
نقش سرنوشت ساز دوران کودکی
تأثیرپذیری شدید کودک
سن بلوغ، اساس ساختن و ساخته شدن
ارزشگذاری مضاعف اسلام برای دوران نوجوانی
نوجوانی، اساس درخشندگی در آینده
ارزش جوان و نوجوان در سازندگی همه جانبه
ساختن آینده در گرو شناخت جایگاه تربیت کودک و نوجوان
رشد علمی و اخلاقی کودکان و نوجوانان
تأثیر کمی فرزندان هر خانواده در پیشرفت و آینده‌ی کشور

۲. ابعاد تربیتی کودک و نوجوان

۱.۲. رشد جسمی و سلامت کودک

تأمین بهداشت و سلامت کودکان وظیفه‌ی دینی
شیر مادر بهترین تغذیه و دارو برای کودک
تأمین سلامت و تربیت کودک مقدس ترین کار در خانواده
اولویت بهداشت محیط، ایمن سازی و تغذیه کودک
لزوم توجه به بهداشت و واکسیناسیون کودکان
توجه به جهات دنیایی شرط تربیت صحیح نوجوان

۲.۲. رشد فکری کودک و نوجوان

عادت به تفکر در کودکان از طریق تدریس فلسفه
آماده سازی کودکان برای ذهن های مولد و مبتکر
تفہیم مفاهیم دینی به صورت ساده و درست به کودکان

۳.۲. رشد روحی کودک و نوجوان

پرورش لوح سفید و آماده‌ی ذهن کودک
اهمیت شکل دهی هویت انسانی در آغاز کودکی
اهمیت مضاعف پرورش اخلاقی کودکان در جامعه‌ی اسلامی
اهمیت اعتماد به نفس و باور به هویت خود
تقویت روح اعتماد به نفس و حل مسائل با تحلیل و انگیزه های داخلی
سلامت و تربیت دو عامل حفظ کودکان به عنوان سرمایه های آینده
توجه به تفاوت های فردی در تعلیم و تربیت

۴.۲. ادبیات کودک و نوجوان

پیشبرد زبان فارسی در آینده با آموزش درست به کودکان
نهادینه کردن ایمان در کودکان با قصه‌گویی
قصه های خوب سازنده‌ی شخصیت کودکان
شعر کودک متضمن حکمت اسلامی و حکمت سیاسی
آموزش مفاهیم حکمت‌آمیز از طریق شعر

۳. تربیت دینی

۱.۳. ایمان و عقاید

آبادی آینده‌ی کشور در گرو متدین بار آوردن بچه‌ها
تأثیر عنصر ایمان در شکل گیری شخصیت عظیم و مفید
ایمان الهی عامل امنیت درونی و بیرونی و ثبات شخصیت
تقویت ایمان در نوجوانان از طریق بشارت و انذار
ارائه‌ی عقاید به صورت ساده به دور از استدلال فلسفی

۲.۳. تقوا

تقوا شرط راهیابی به مقصود
تقوای نوجوان؛ پرهیز از اشتباه و بازیگوشی مخّل درس
تمرین کسب تقوا با روزه در نوجوانی و آغاز بلوغ

۳.۳. تربیت معنوی

توجه به فطرت پاک و کمال جوی کودکان در تربیت
توجه خاص به معنویت در تربیت اطفال
ضرورت آموزش مسائل معنوی به کودکان
تربیت معنوی فراخور روح کودک
لزوم حضور جبهه‌ی دین در مراکز آموزشی

۴.۳. انس با قرآن

تلاش کودکان و نوجوانان در راه آموزش قرآن
فراگیری قرآن در نوجوانی و جوانی يك ذخیره‌ی مادام‌العمر
نعمت بسیار بزرگ انس با قرآن در کودکی، نوجوانی و جوانی
محیط قرآنی، زمینه ساز پیشرفت قاریان نوجوان

چشانندن شربت حیاتبخش قرآن
حفظ قرآن از دوران نوجوانی
استحکام مبانی فکری همزمان با حفظ قرآن
تشویق دانش آموزان برای حفظ قرآن
فهم قرآن در کودکی راه رشد جامعه‌ی اسلامی
تحقق جامعه‌ی اسلامی با رواج تدبیر در قرآن
تنظیم برنامه‌ی حفظ قرآن در مدارس

۴. متولیان تربیت کودک و نوجوان

۱.۴. والدین

نقش خانواده و جامعه در تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک
وظیفه‌ی حفظ ایمان خانواده و فرزندان
فرزندان مؤمن؛ روشنی چشم و دل والدین
تجلی حضور پدر و مادر منشأ الهام در ذهن کودک
اثرگذاری عمیق والدین در تربیت دوران نوجوانی
تأمین سلامت عاطفی و روحی کودکان
تربیت کودک از بزرگترین کارهای آفرینش
بهترین روش تربیت، آغوش پر مهر و محبت مادر
وظیفه‌ی مهم زن؛ تربیت صحیح همراه با عواطف و رعایت دقت
گذشت از مشاغل بیرون منزل به خاطر تربیت فرزند

۲.۴. معلمان و مربیان

بی فایده بودن آموزش در مکتب و مدرسه در سنین چهار پنج سالگی
پرورش کودکان و نوجوانان؛ اشتغال با افتخار و قداست
مربیگری کودک کار اساسی و موجب رضای خدا
حسنت مستمّر برای شغل عبادی معلمان
تزکیه و تربیت بالاتر از تعلیم
اهمیت درست اندیشیدن معلم در اصلاح جامعه
غلبه نقش تربیتی معلم بر تمام عوامل تأثیرگذار در تربیت
تأثیر حالات و رفتار معلم بر دانش آموز
انتقال ویژگی‌های مثبت به دانش آموز با سخن، منش و رفتار معلم
معلم منشأ عمیق‌ترین احساسات، عواطف و حالات در افراد
نقش موثر معلم در دوران بلوغ و شکل‌یابی شخصیت
معلم تبدیل‌کننده‌ی کودک خام به انسان آگاه
معلم؛ جریان بخش چشمه‌های استعداد در وجود انسانها
نقش معلم پررنگتر از والدین در هویت نسل جدید
متدین بار آوردن بچه‌ها؛ موجب رضای خداوند
اثر صحبت معنوی معلمان در شخصیت مطلوب کودکان
جایگزینی عقاید دینی در عمق ذهن دانش‌آموزان
معلم، صف مقدم جهاد برای تربیت کودک
معلم، پایه‌گذار توسعه فرهنگی و سیاسی کودک
معلمان؛ عامل قدرتمندی گردانندگان تاریخ
تربیت مسلحان اجتماعی و دانشمندان برجسته به دست معلمان
حفظ سرمایه کشور در گرو شگوفایی استعداد نوجوانان به دست معلمان
مبارزه با ظلم و بی عدالتی نیازمند تجهیز علم و ایمان توسط معلمان
تقویت ایمان و ایستادگی نوجوانان در برابر دشمنان
مقام معلم و ارزش کارگر در چشم کودک

۳.۴. مسئولین و متولیان فرهنگی

حفظ و مراقبت عمومی از گنجینه‌ی ارزشمند کودکان
کودکان تأثیرپذیرترین افراد از عوارض طبیعی و معنوی
رفع موانع رشد و اجرای صحیح اصول تربیت کودک
توجه به مسایل خاص مقاطع سنی کودکان در مقررات
بررسی میزان تحقق اهداف اسلامی در امور تربیتی
ارزیابی عملکرد از لحاظ همت و صداقت باعث تقویت اقدامات آتی
نقادی محصولات رسانه‌ای کودک جهت تولید آثار بهتر
اصلاح نکته‌های بدآموز محصولات فرهنگی کودکان
لزوم آموزش شیوه‌های اسلامی پرورش کودک در خانواده‌ها
پرکردن خلأ تربیت خانوادگی با ایجاد صبر و حلم در کودک
آموزش مستمر تحکیم خانواده و فرزند پروری
توجه به تأثیر بلند مدت رسانه‌ها بر ذهن و احساس کودکان
لزوم کارشبان‌روزی مسئولان فرهنگی کشور برای کودکان و نوجوان
مسئولیت آموزش و پرورش؛ پرورش ثروت اصلی یک ملت
آموزش و پرورش کلید اصلاح فرهنگ عمومی
جدی گرفتن امور تربیتی در آموزش و پرورش

تعلیم حقیقی یعنی ساختن ذهن، فعال کردن مغز و ایجاد شوق احیای اعتقاد، عمل و اخلاق اسلامی در دانش آموزان سرلوحه و محور برنامه‌ها؛ انسان سازی و انتقال تفکر اسلامی خصلت‌های عظمت بخش و نیازهای فرهنگی نوجوان نوجوانان بعد از انقلاب حساسترین نسل تاریخ لزوم برنامه‌ریزی اخلاقی برای نوجوانان توسط متخصصان برنامه‌ریزی برای نوجوان متناسب با زمان ولی فراتر از فضای مقطعی تدوین سیر مطالعاتی متنوع و متناسب نوجوانان ایجاد هیجان با سپردن تئینات دهه‌ی فجر به نوجوانان مقابله با برنامه‌های بلند مدت فرهنگی دشمنان حفظ سلامت مدارس از بدآموزی‌های اخلاقی و تربیتی تقسیم علوم گرایش دادن دانش آموزان به اولویت‌های آموزشی جذب و جهت‌دهی استعداد‌های هنری توسط وزارت ارشاد تقوای هنرمند زمینه‌تعالی آموزه‌های هنری تکثیر محصولات رسانه‌ای عامل؛ غرق شدن کودک و نوجوان در تهاجم فرهنگی نگهداری از کودکان معلول؛ وظیفه همگانی

۵. آسیب شناسی کودک و نوجوان

۱.۵. آسیب‌های فرهنگی
بیکاری عامل فساد و ضعف جوشش و شور و شوق فقدان پدر به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها از دست دادن ایمان با افتادن در دام شهوترانی و اعتیاد رواج اعتیاد و فساد اخلاقی کودکان در جوامع مدعی امنیت اجتماعی کودک و نوجوان امروز در دسترس مراکز فرهنگی بیگانه تاثیر نگران کننده‌ی کالاهای فرهنگی بیگانه بر ذهن کودکان ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی هدفگیری فکری

۲.۵. وضعیت کودکان در جنگ‌ها

طاغوتها عامل آوارگی بیست میلیون کودک سکوت مدعیان حقوق بشر در برابر کشتار کودکان منظره‌ی پراحساس کشته‌ی کودک فلسطینی کودک‌کشی فلسطین جلو چشم همگان کشتار روزمره‌ی کودکان، واقعه‌ی عجیب تاریخی حمایت از سیاست کودک‌کشی در غزه کشتار کودکان لبنانی توسط صهیونیست‌های بچه‌کش حمله‌گرگ آدم خوار صهیونیست به "فانا" میلوونها کودک بی سرپناه برزیلی

۶. توصیه به نوجوانان

۱.۶. الگوی های نوجوانان

انتخاب الگو در چهار چوب معارف اسلامی خصلت‌های بالا در دوران پر مشقت کودکی و نوجوانی علی (علیه السلام) الگوی نوجوانان جویای حقیقت قاسم بن الحسن نوجوان نمونه‌ی تربیت شده‌ی اهل بیت (ع) دوران کودکی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در شرایط سختی و بایکوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نوازش و زدودن غبار غم از پدر کمال یافتگی فاطمه (سلام الله علیها) در غمگساری و تحمل مشکلات ام ابیها و تکیه‌گاه پدر در فقدان مادر شهدا مدرسان شجاعت، صفا و طهارت به نوجوانان

۲.۶. نوجوان ایرانی

نقش تعیین کننده نوجوانان در پیروزی انقلاب و بعد از آن شهادت طلبی نوجوانان ایرانی شهادت نوجوان برانگیزاننده‌ی طوفان در دل ملت‌های دنیا اسطوره‌ی شهادت زیبای نوجوان سیزده ساله محیط ایمانی برای پرورش ذهن پاک نوجوان

۳.۶. وظایف نوجوان

نقش فوق العاد همت و اراده‌ی نوجوان تربیت خود خودسازی فکری، اخلاقی و نظامی دانش آموزان در مدارس خودسازی روحی ایمانی والگوی نوجوانان عالم اسوه‌ی جهانی شدن با کسب علم کمال و ایمان تصمیم برای قرارگرفتن در زمره‌ی انسانهای بزرگ خواستن آرزوهای بزرگ و کوچک از خدا انس با نهج البلاغه و صحیفه سجادیه حضور آگاهانه در همه‌ی صحنه‌ها اسلامی کردن محیط مدارس با اخلاق و تدبیر انجمن‌های اسلامی انقلابی و اسلامی کردن محیط دبیرستانها

تلاش برای خود کفایی و ساختن ایران آزاد، متفق و قدرتمند
قانع نبودن به پیشرفتهای علمی و معنوی
احساس مسئولیت دانش آموزان تیزهوش در قبال رشد دانش کشور
ساختن آینده با درس خواندن و کسب اندیشه‌ی اسلامی عمیق
تعلیم و تربیت دانش آموزان مشخص کننده‌ی آینده‌ی کشور

۷. جان کلام
۸. چهل حدیث

مقدمه

جمهوری اسلامی میراث امام خمینی علیه السلام است که یکی از اهداف آن ساختن تمدن نوین اسلامی است و بی شک یکی از مقدمات ساختن این تمدن توجه به تربیت کودکان و نوجوانان برای نقش آفرینی در این عرصه می باشد. نظرات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای علیه السلام به عنوان پرچمدار این حرکت می تواند به عنوان نقشه راه، مسیر تربیت کودکان و نوجوانان امروز را همسو با تمدن نوین اسلامی نشان دهد. کتاب کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در ابتدای دهه ۸۰ به چاپ رسید و امروز با توجه به اهدافی که در بالا به آن اشاره شد، بخش کودک و نوجوان آن مورد بازنگری قرار گرفت و بیانات سیزده سال اخیر مقام معظم رهبری نیز به آن اضافه شد.

در این کتاب مجموعه ای بیانات ایشان در طول دوره ی رهبری و ریاست جمهوری، آن مواردی که منتشر شده و در اختیار عموم قرار گرفته است؛ مورد بررسی قرار گرفت و در هشت فصل

۱. اهمیت تعلیم و تربیت کودک و نوجوان،

۲. ابعاد تربیتی کودک و نوجوان،

۳. تربیت دینی،

۴. متولیان تربیت کودکان و نوجوانان،

۵. آسیب شناسی کودک و نوجوان،

۶. توصیه به نوجوانان،

۷. جان کلام،

۸. چهل حدیث تربیت کودک و نوجوان؛

تدوین شده در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

در پایان از تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این پژوهش مرا یاری کردند، به خصوص خانم مرضیه شاه سنایی که در باز خوانی مطالب و آقای سید مسعود ذکاوت مند که در فیش برداری زحمات وافر کشیدند و همچنین از بذل عنایت دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری نسبت به نظارت و موافقت چاپ و انتشارات حدیث راه عشق خاصه آقای محمد هادی عسکری جهت تولید و چاپ این اثر صمیمانه تشکر می نمایم.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

امیر حسین بانکی پور فرد

حفظ سلامت و طهارت کودک

به اعتقاد من، ما باید کودک انسانی را یک موجود مستعد پاک بالفطره بدانیم و تمامی همت مان این باشد که سلامت و طهارت او را حفظ کنیم. این بیشترین کاری است که می شود برای بچه ها انجام بدهیم.^۱

اهمیت شش سال اول زندگی در تکوین شخصیت

شش سال اول زندگی کودک برای تکوین شخصیت وی اعم از رشد استعدادهای منطقی و زبانی، تعادل عاطفی و توانایی برقراری روابط اجتماعی از اهمیت ممتازی برخوردار است. چنانکه گفته اند بیش از نیمی از مکتسبات یک جوان در پایان دوره دبیرستان از آن سال های قبل از ورود به دبستان می باشد.^۲

نقش سرنوشت ساز دوران کودکی

دوران کودکی از جهت دیگری حساس است. و من این را قبول می کنم که اگر مخاطبین ما کودکان باشند مسأله حادی نداریم. لکن خیلی چیزها در کودکان هست، یعنی تعیین کننده سرنوشت جوان در دوران بلوغ، همان دوران کودکی است.^۳

تأثیرپذیری شدید کودک

تأثیرپذیری کودک با آن شدت و حساسیتی که دارد یک تأثیرپذیری بسیار پرفرجام و پرعاقبتی است، یعنی تأثیراتش درعاقبت و در فرجام این بچه خیلی زیاد است، و لذا باید روی این خیلی حساب کرد.^۴

سن بلوغ، اساسی ساختن و ساخته شدن

سن بلوغ برخلاف تصور رایج، نه سن ازدواج که سن بلوغ فردی و دارا شدن شخصیت حقوقی و پذیرفتن مسؤلیت اجتماعی است. در این سن که پایه ای ترین و اساسی ترین دوران «ساختن» و «ساخته شدن» است، هم به استقلال و هم بعنوان مقدمه آینده و مرحله ای از مراحل آمادگی برای فردا، جوان و نوجوان دارای احکام، مسایل و حالات ویژه ای است که از نظر جامعه شناسی و روانشناسی باید بطور دقیق مورد تأمل و مطالعه قرار گیرد.^۵

ارزشگذاری مضاعف اسلام برای دوران نوجوانی

در شرع انور اسلام حتی فراتر از عرف حقوقی جهان معاصر به جوان و نوجوان اهمیت داده و نسبت به آن ارزش گذاری شده است.^۶

نوجوانی، اساس درخشندگی در آینده

نوجوانی، دوره ای است که برای رقم زدن آینده هر فرد نقش حساس و تعیین کننده ای دارد. کسانی که در این مرحله به رشد معنوی، علمی، فکری و کارآیی و قدرت جسمی برسند، آینده ای درخشان را برای خود تضمین خواهند کرد. بنابراین پرداختن به کار تعلیم و تربیت این قشر از جامعه و به ویژه مسئله بسیج که یک امر همه جانبه مادی و معنوی محسوب می شود حائز اهمیت بسیار است.^۷

شخصیت های عظیم تاریخ، غالباً از دوران جوانی، بلکه از دوران نوجوانی، برخی از خصوصیات را با خود همراه داشته اند و یا در خود به وجود آورده اند.^۸

ارزش جوان و نوجوان در سازندگی همه جانبه

تعداد زیاد جوان و نوجوان در این استان، یک نقطه ی قوت است. این ها کسانی هستند که می توانند نیروهای کار را برای آینده، هم برای این

۱. مصاحبه با مجله آینده سازان (۱۳۶۵/۷/۲۱)

۲. پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۳/۱۲)

۳. دیدار با گروه کودک و نوجوان رادیو (۱۳۷۱/۲/۱)

۴. دیدار با گروه کودک و نوجوان رادیو (۱۳۷۱/۲/۱)

۵. پیام به مجمع بررسی مسائل جوان و نوجوان در انقلاب اسلامی (۱۳۶۶/۳/۱۹)
۲. همان

۱. دیدار اعضای ستاد یادواره شهید فهمیده (۱۳۷۵/۸/۷)

۲. دیدار جمعی از نوجوانان نمونه استان تهران (۱۳۷۵/۸/۱۲)

استان، هم برای سطح کشور، برای کارهای فرهنگی، اقتصادی، سازندگی، معنوی و مادی، تأمین کنند. نیروی جوان، نیروی باارزشی است.^۹

ساختن آینده در گرو شناخت جایگاه و تربیت کودک و نوجوان

اگر حقیقتاً به آرمان‌های اسلامی و ملی و عظمت ایران و ایرانی و جبران راهی که دستهای استبداد سیاه در این صد و پنجاه سال، دویست سال اخیر ما را در آن کشانده است، فکر می‌کنیم؛ اگر این‌ها برایمان مهم است و به آینده به معنای حقیقی کلمه اهمیت می‌دهیم، پس بایستی به تربیت کودک و نوجوان خیلی بپردازیم، در باره‌ی آن خیلی فکر کنیم و اهمیت آن را خیلی بشناسیم؛ که احساس می‌کنم برای برخی از مسئولان امور فرهنگی دست‌اندر کاران مسئله به این شکل مطرح نیست!^{۱۰}

رشد علمی و اخلاقی کودکان و نوجوانان

گنجینه‌های ملت-یعنی کودکان و نوجوانان و جوانان- در دست شماسست؛ هیچ گنجی از این بالاتر نیست. اگر از استعداد این‌ها در راه پرورش فکری و رشد علمی استفاده نشود؛ یا رشد علمی پیدا کنند، اما از لحاظ انسانی و اخلاقی و تربیتی انسانهای منحرف و معوجی بار بیایند؛ انسانی بی‌اعتقاد و بی‌اعتنای به همه‌ی موازین اخلاقی باشند؛ نه به ملت، نه به کشور، نه به مردم، نه به اسلام و انقلاب، نه به خدمتگزاران و مسئولان کشور و نه به سرنوشت و تاریخشان هیچ اعتنایی نداشته باشند؛ این‌ها هر چه هم عالم باشند، این علم ارزش منفی دارد؛ یعنی میزان علم هر چه بیشتر شد، ضربه و ضررش هم بیشتر خواهد بود؛ مصداق همان شعر معروف خواهند بود:

چودزدی با چراغ آید گزیدن تربردکالا

بنابراین باید برای تربیت دانش‌آموزان هم خیلی اهمیت قائل شد.^{۱۱}

تأثیر کمی فرزندان هر خانواده در پیشرفت و آینده‌ی کشور

این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب‌وهوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه‌ی علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پرجمعیتی باشد و ان‌شاءالله خودش هم این جمعیت را اداره کند؛ یعنی همچنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روی دوش یک خانواده وضع زندگیشان چگونه خواهد شد، فکر این را هم بکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور بکنند؛ یعنی این را هم باید فکر کرد.^{۱۲}

۱،۲: رشد جسمی و سلامت کودک و نوجوان

تأمین بهداشت و سلامت کودکان وظیفه‌ی دینی

از دید ما، تأمین سلامت جسمی و روحی کودک یک وظیفه است و مادران هنگامی که به کودک خود شیر می‌دهند، باید احساس کنند که به یک وظیفه دینی و شرعی عمل می‌کنند. در این ارتباط پزشکان و کسانی هم که در کار تأمین بهداشت و سلامت کودکان در سراسر کشور مشغول کار هستند، باید احساس کنند که به وظیفه دینی خود عمل می‌کنند.^{۱۳}

شیرمادر بهترین تغذیه و دارو برای کودک

شیرندان به کودکان که در اروپا و در ایران رایج شده مورد پذیرش و پسند اسلام نیست و علم نیز این امر را تأیید نمی‌کند.^{۱۴}

امروزه پزشکان و اندیشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین دارو برای کودک شیر مادر است درحالی که قبل از انقلاب کودکان ما را به تغذیه با شیر خشک دعوت می‌کردند و شیرندان مادران به فرزندان خود را یکی از اصول تمدن و فرهنگ به حساب می‌آوردند.^{۱۵}

۳. در جمع مردم ارومیه در استادبوم تختی (۲۷/۰۶/۱۳۷۵)

۱۰. دیدار با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۳/۰۲/۱۳۷۷)

۱۱. دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۲۶/۰۴/۱۳۸۱)

۱۲. دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» (۰۸/۰۸/۱۳۹۲)

۱۳. سخنرانی در سمینار بسیج سلامت کودکان در بیمارستان فیروزگر (۴/۴/۱۳۶۷)

۱۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران (۲۲/۱/۱۳۶۶)

۳. سخنرانی در سمینار بسیج سلامت کودکان در بیمارستان فیروزگر (۴/۴/۱۳۶۷)

شیرمادر تأمین سلامت و تربیت کودک مقدس ترین کار در خانواده

مسئله تغذیه با شیر مادر و اهمیت دادن به زندگی، سلامت و تربیت کودک، یک مسئله اساسی است که ما همیشه بر آن اصرار ورزیده ایم و معتقدیم که این بزرگترین و مقدس ترین کاری است که باید در یک خانواده انجام گیرد، لذا ضروری است که خانم های تحصیلکرده عملاً به زنان کشور اهمیت رسیدگی به فرزندان خود را بیاموزند.^{۱۶}

اولویت بهداشت محیط، ایمن سازی و تغذیه کودک

بهداشت محیط و ایمن سازی و واکسیناسیون اطفال علیه بیماری ها، تغذیه مناسب و بهداشتی کودکان، تلاش برای کاهش مرگ و میر اطفال و افزایش امید زندگی در هنگام تولد در جمهوری اسلامی ایران از اولویت خاصی برخوردار است و ارزیابی مسئولانه نتایج عملکرد گذشته موجب خواهد شد در رفع کمبودها و نواقص تسریع به عمل آید.^{۱۷}

لزوم توجه به بهداشت و واکسیناسیون کودکان

امر واکسیناسیون پدیده ای اسلامی است. زیرا واکسیناسیون رفع خطر بیماری، مرگ و معلولیت از کودک است و جلوگیری از خطر از دید اسلام واجب است.^{۱۸}

من به آحاد جامعه به خصوص مادران توصیه می کنم که به بهداشت کودکان و واکسیناسیون اهمیت بدهند. همانگونه که اگر کودکی مریض شود، او را تحت معالجه قرار می دهند می بایست به بهداشت و طب پیشگیری به خصوص در مورد اطفال توجه شود.^{۱۹}

توجه به جهات دنیایی شرط تربیت صحیح نوجوان

فرض بفرمایید نوجوان با استعدادی را به یک مجموعه ای عاقل مدبّر دلسوزی سپرده اند که او را برای تبدیل به یک انسان ممتاز و برجسته، تربیت کنند و پیش ببرند. شکی نیست که تأمین غذا برای او لازم است؛ چون اگر غذا نداشته باشد، زنده نخواهد ماند تا ممتاز شود. شکی نیست که ورزش برای او لازم است؛ چون اگر ورزش نکند، توانایی ادامه ی کار پیدا نخواهد کرد. شکی نیست که تعلیم و تربیت برای او لازم است و باید درس بخواند؛ چون اگر درس نخواند و عالم نشود، امکان کارهای بزرگ برای او وجود نخواهد داشت. شکی نیست که سیاحت و مزاحمت و حضور در مراکز تفریحی، برای او لازم است. یعنی اگر ما بخواهیم یک تربیت صحیح بکنیم، امکان ندارد که از جهات دنیایی غافل شویم.^{۲۰}

۲.۱. رشد فکری کودک و نوجوان

عادت به تفکر در کودکان از طریق تدریس فلسفه

امروز در کشورهای پیشرفته ی مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته ی مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی ها در جامعه ی ما اصلاً تصور نمی کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می کنند فلسفه به معنای یک چیز قلمبه سلمبه ای است که یک عده ای در سنین بالا به آن توجه می کنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. اگر چه محتوا هم در همین فلسفه ی کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است.^{۲۱}

آماده سازی کودکان برای ذهن های مولد و مبتکر

ما کودک خودمان را باید از آغاز برای ذهن مولد، ذهن سازنده و ذهن مبتکر آماده کنیم؛ نه مثل آنچه که ما را بار آورده اند، که بنشینیم تا یک چیزی از بیرون بیاید و به دست ما بدهد و ما هم در حد همت خودمان از آن استفاده بکنیم. این به میزان زیادی به تربیتهای علمی و ذهنی اولیه ارتباط دارد که به دبیرستان و دبستان و مراکز این چنینی مربوط می شود. برنامه های علمی و درسی آن ها بسیار مهم است.^{۲۲}

۱. همان

۲. پیام به مناسبت روز جهانی کودک (۱۳۶۷/۳/۱۱)

۱. سخنرانی در سمینار بسیج سلامت کودکان در بیمارستان فیروزگر (۱۳۶۷/۴/۴)

۲. خطبه های نماز جمعه تهران (۱۳۶۶/۱/۲۲)

۱. دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران، به مناسبت هفته ی دولت (۱۳۷۵/۰۶/۰۸)

۲۱. دیدار معلمان و اساتید دانشگاه های خراسان شمالی (۱۳۹۱/۰۷/۲۰)

۲۲. دیدار رؤسای دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی (۱۳۸۵/۰۵/۲۳)

تفهیم مفاهیم دینی به صورت ساده و درست به کودکان

شما در کلاس اول به بچه یاد می‌دهید دو بعلاوه‌ی دو، می‌شود چهار؛ وقتی هم که بچه به منتها الیه قلّه‌ی ریاضیات و دانش ریاضی می‌رسد، باز هم دو بعلاوه‌ی دو، می‌شود چهار؛ تغییر پیدا نمی‌کند. بنابراین آنچه در زمینه‌ی دین به کودک یا به انسان عامی تفهیم می‌کنیم، مطلقاً نباید غلط باشد تا بعد در ارتقاء معرفت دینی ببیند آن حرف، نادرست بوده است؛ نه، باید درست گفت؛ منتها ساده. بنابراین، حرف دینی در همه‌ی سطوح باید صحیح باشد.^{۲۳}

۳.۱. رشد روحی کودک و نوجوان

پرورش لوح سفید و آماده‌ی ذهن کودک

پرورش اگر از آموزش مهم‌تر نباشد، کمتر نیست. آن لوح سفید و آماده‌ای که ذهن کودک ما و دانش‌آموز ماست، فقط با خط خط کردن و عدد و رقم روی او نوشتن، درست نمی‌شود؛ ساختن لازم دارد. این ساختن، پرورش است.^{۲۴}

اهمیت شکل دهی هویت انسانی در آغاز کودکی

ما در درجه‌ی اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل بدهیم و خلقیاتی را در آن به وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد. عوارضی وجود دارد، معمولاً این عوارض اخلاقیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما اگر چنانچه شخصیت کودک از آغاز ساخته شد و شکل گرفت، تأثیرات عوارض کمتر خواهد بود و عوامل کمک‌کننده هم در بین راه کمک خواهد کرد.^{۲۵}

اهمیت مضاعف پرورش اخلاقی کودکان در جامعه‌ی اسلامی

قضیه پرورش اخلاقی نونهالان و نوجوانان و کودکان برای همه کشورها و جوامع واقعاً مهم است ولی برای ما اهمیت مضاعفی دارد. اهمیت مضاعف از این جهت است که جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که بر مبنای تفکر و احکام اسلامی می‌خواهد بنا شود مبارزه‌ای فراتر از مبارزه معمولی جوامع را بر خودش هموار کرده و قهرماً آن را تحمل نموده است.^{۲۶}

اهمیت اعتماد به نفس و باور به هویت خود

ما باید کودک را از آغاز دارای اعتماد به نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست.^{۲۷}

تقویت روح اعتماد به نفس و حل مسائل با تحلیل و انگیزه‌های داخلی

باید سعی بکنیم که دانش‌آموزان ما از دوران مدرسه، و دانشجویان ما و کسانی که تازه وارد کار شده‌اند، روح اعتماد به نفس را و این که می‌توان با تحلیل‌ها و انگیزه‌ها و فهم خودی از مسایل کشور، مسایل را حل کرد، حفظ و تقویت کنند. نباید به آنچه که فلان روزنامه‌نویس نوشته است و فلان تحلیلگر خارجی می‌گوید که ایران باید این راه را طی بکند، تا بتواند مثلاً به سازندگی و رفع مشکل اقتصادی برسد، اعتنا کرد. البته مسایل علمی در هر جای دنیا، از هر زبانی که صادر بشود، قابل اعتناست؛ منتها نه به صورت پذیرش بی قید و شرط.^{۲۸}

سلامت و تربیت دو عامل حفظ کودکان به عنوان سرمایه‌های آینده

مسأله کودکان، مسأله مهمی است و تربیت، آموزش و اخلاق کودک، همه، چیزهایی است که ارزشمندترین سرمایه‌های آینده جامعه را تضمین می‌کند و سلامت کودکان موجب می‌شود که این سرمایه‌ها برای آینده ملت باقی بماند.^{۲۹}

۲۳. دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما (۱۳۸۳/۰۹/۱۱)

۱. دیدار جمعی از معلّمان، پرستاران و کارگران (۱۳۸۸/۰۲/۰۹)

۲. دیدار معلّمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی (۱۳۹۱/۰۷/۲۰)

۲۶. دیدار معاونین پرورشی ادارات کل آموزش و پرورش استانها (۱۳۷۴/۲/۱۲)

۲۷. دیدار معلّمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی (۱۳۹۱/۰۷/۲۰)

۱. دیدار هیات دولت (۱۳۷۵/۶/۸)

۲. سخنرانی در سمینار هفته بهداشت کودکان (۱۳۶۳/۰۱/۱۸)

توجه به تفاوت‌های فردی در تعلیم و تربیت

یکی از مسایل تعلیم و تربیت، توجه به تفاوت‌های فردی بین بچه هاست. بچه ها از لحاظ زمینه ارثی و وضع خانوادگی، موقعیت شغلی والدین، وضع اجتماعی، امکانات، هوش، استعداد و سایر جنبه های مختلف رشد با هم فرق می کنند.^{۳۰}

۴.۱. ادبیات کودک و نوجوان

پیشبرد زبان فارسی در آینده با آموزش درست به کودکان

یکی از مراکزی که باید در آن، روی زبان و ادبیات- و بخصوص با شیوه های هنری- تلاش بشود، مرکز شماسست؛^{۳۱} چون شما با نسلی کار می کنید که آن نسل، هرچه را که از شما فراگرفت، برای او ماندگار خواهد بود. اگر امروز کودک ما فارسی را درست یاد بگیرد و بتواند لغت فارسی را در جایی که لازم دارد، استفاده و مصرف بکند، اگر شاعر شد، اگر هنرمند، گوینده، برنامه ساز، یا کتاب نویس شد، شما دیگر خاطرتان جمع است. مثل کتاب نویس، فیلمنامه نویس، گوینده‌ی تلویزیون و افرادی نظیر آن‌ها که در محیط قبلی پرورش پیدا کرده‌اند، نخواهد بود. یعنی شما در حرکت خودتان در کانون، می‌توانید آن دو مقصود و دو وظیفه‌ای را که در باب ادبیات هست، هر دو را باهم تأمین کنید؛ هم ادبیات را پیش ببرید، هم آن را در قشرهای گوناگون که قشر مخاطب شما کودک است درست کنید. بنابراین به زبان و ادبیات، باید خیلی اهمیت داده شود.^{۳۲}

نهادینه کردن ایمان در کودکان با قصه‌گویی

سعی کنید در این قصه‌گویی و در این کار هنری، اولین چیزی را که در کودک ایجاد می‌کنید، ایمان باشد. هیچ‌چیز، معادل ایمان نیست. شما از این بچه، هرچه بخواهید بسازید، باید در او ایمان به وجود آورید. بدترین ضربه‌ای که امپراتوری خبری و هنری زد، این بود که شبکه‌ی عظیم فساد در دنیا را در این سال‌های متمادی راه انداخت که متأسفانه در دوره‌ی پهلوی، پُرش ما را هم گرفت هُرهری مذهبی و بی‌ایمانی را رواج داد که انسان در دل و جان خودش، به هیچ ستونی متکی نباشد.^{۳۳}

قصه‌های خوب سازنده‌ی شخصیت کودکان

قصه‌گویی، هنر بسیار خوبی است. قصه‌های خوب، سازنده‌ی شخصیت کودک است. همان قصه‌های قدیمی را که ما از مادر خودمان، از مادر بزرگ و یا از پیرزن دیگری در کودکی شنیده‌ایم، امروز که مرور می‌کنیم، می‌بینیم در آن‌ها چقدر حکمت وجود دارد! انسان، بعضی از خصال و تفکرات خودش را که ریشه‌یابی می‌کند، به این قصه‌ها می‌رسد. قصه مقوله‌ی خیلی مهمی است؛ منتها قصه‌های خوب.^{۳۴}

شعر کودک متضمن حکمت اسلامی و حکمت سیاسی

توجه به شعر کودک که متضمن مفاهیم حکمت اسلامی و حکمت سیاسی باشد، به نظر ما یکی از کارهای لازم است و امروز یک مقداری جایش خالی است. شعر کودک و کتاب کودک و نوجوان از جمله‌ی بخشهای مهمی است که امروز مورد توجه است.^{۳۵}

آموزش مفاهیم حکمت‌آمیز از طریق شعر

شعرائی که توانائی دارند، زبان رسائی دارند، باید مفاهیم حکمت‌آمیز را، یعنی حکمت اسلامی و ایرانی را در شعرهای فارسی بگنجانند. استعدادهای جوان باید پرورش پیدا کند. ما در بین جوانها استعداد زیاد داریم و جوانها هم راحت‌تر می‌توانند حقایق را بپذیرند و این حقایق را در بیان خودشان و در شعر خودشان منعکس کنند.^{۳۶}

۳۰. ۱۳۷۳/۳/۷

۳۱. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۳۲. دیدار با مسئولان، هنرمندان و نویسندگان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۳/۲/۷۷)

۳۳. ۱ دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۳/۲/۱۳۷۷)

۳۴. همان

۳۵. دیدار شاعران در شب میلاد امام حسن مجتبی (ع) (۱/۱/۱۳۹۲)

۳۶. همان

آبادی آینده‌ی کشور در گرو متدین بار آوردن بچه‌ها

بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده‌ی این کشور را آباد کند. اگر ما می‌خواهیم این کشور پیشرفت صنعتی کند، پیشرفت مادی کند، پیشرفت فرهنگی کند، رتبه‌ی اول منطقه را- همان طور که در سند چشم‌انداز آمده- حائز شود، این در سایه‌ی انگیزش دینی و ایمان امکان‌پذیر است. وقتی ایمان بود، انسان دنبال ایمان حرکت می‌کند و با همه‌ی سختی‌ها هم می‌سازد.^{۳۷} تاثیر عنصر ایمان در شکل‌گیری شخصیت عظیم و مفید کودک و نوجوانان را باید با ایمان عمیق بار آورد.^{۳۸}

سعی کنید بچه‌ها را با ایمان کنید- ایمان به خدا، ایمان به حقیقت مطلق، ایمان به اسلام- اگر این بچه، با ایمان پرورش پیدا کرد و شما توانستید بذر ایمان را در دل او بکارید، درآینده می‌شود از او هر شخصیت عظیمی ساخت؛ برای هر کاری مناسب است. اگر این عنصر را در آن‌ها نداشته باشیم، برای هیچ کاری مناسب نیستند؛ هر چه بشوند، نامطمئنند. سیاستمدار شوند، نامطمئنند، تاجر شوند، کارگر شوند، نویسند، یا هنرمند شوند، نامطمئنند. سعی کنید ایمان را در بچه‌ها تقویت کنید. این اولین نقطه است.^{۳۹}

ایمان الهی عامل امنیت درونی و بیرونی و ثبات شخصیت

درست است که تعلیم و تربیت صحیح نیازمند فراهم بودن امکانات مادی و مساعد بودن شرایط اجتماعی و آموزشی یا به تعبیر اعلامیه جهانی حقوق کودک «امنیت اجتماعی» است، اما باید توجه داشت که این امنیت تنها از طریق اعلامیه و شعار بدست نمی‌آید بلکه ایمان متکی به عقیده و مکتب الهی است که می‌تواند امنیت درونی و بیرونی انسانها و از جمله نونهالان را برقرار سازد و عامل آرامش و ثبات شخصیت آنان گردد و گرنه همه روز شاهد فجایع و مفاسد فردی و اجتماعی جدید در میان جوامعی هستیم که در آنها سخن از امنیت اجتماعی کودکان به وفور رانده می‌شود.^{۴۰}

تقویت ایمان در نوجوانان از طریق بشارت و انذار

برغم لزوم توجه به این مسأله^{۴۱} تقویت و ماندگار کردن ایمان در نوجوانان و جوانان اساس همه امور است و در درجه اول اهمیت قرار دارد. برای این کار نیز باید از روشهای معمول ادیان آسمانی استفاده کرد و مخاطبان را به ثواب الهی بشارت داد و از عقاب الهی انذار کرد.^{۴۲}

ارائه‌ی عقاید به صورت ساده به دور از استدلالات فلسفی

در کنار این برنامه‌ها^{۴۳}، نوجوانان قدری هم باید به عقاید مجهز شوند. چون خودم یک دانش آموز در دستگاه شما دارم، مقداری از کیفیت امور را می‌دانم. یعنی با همین وقت کمی که هست، نسبت به وضع فرزندانم در درون منزل بی نظارت نیستم و مقداری به امورشان می‌رسم و نگاه می‌کنم چه مطالبی را مطالعه می‌کنند و چه کار می‌کنند. گاهی روی مسأله‌ی اعتقادی مطالعه می‌کنند، گاهی کنفرانس می‌دهند؛ اما بیش از این امور، آن چیزی که لازم است، یک دوره عقاید متین و کاملاً ساده و دور از آن استدلالات فلسفی و عرفانی می‌باشد؛ آن هم به اندازه‌ی بی که ذهن این جوان آن را بپذیرد. الان باید این دوره عقاید را حاضر داشته باشیم تا قسمتهایی از آن را در طول این چهارسال که این جا هستند، به آنها ارائه داد.^{۴۴}

تقوا شرط راهیابی به مقصود

از یک کودک و نوجوان که مشغول تحصیل و درس خواندن است، تا یک خانم کدبانوی خانه، تا هر انسانی که در محیطی به شغل و به کاری

۱. دیدار فرهنگیان و مصلحان کرمان (۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

۳۸. دیدار با معاونین پرورشی و هسته‌های مشاوره استانی (۱۳۶۴/۱۰/۱۰)

۳۹. دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

۲. پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۳/۱۲)

۳. فعالیت سیاسی و تعمیق فهم و تحلیل سیاسی جوانان

۱. دیدار اعضای شورای مرکزی اتحاد انجمن‌های اسلامی (۱۳۷۵/۶/۱۲)

۴۳. برنامه‌های تشویقی برای ترغیب دانش‌آموزان به حفظ قرآن

۳. دیدار با مدرسان و مسئولان دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری (۶۸/۱۲/۲۷)

اشتغال دارد، هر کدام از این‌ها باید تقوا داشته باشند، تا بتوانند راه را درست بروند و به مقصود برسند.^{۴۵}

تقوای نوجوان؛ پرهیز از اشتباه و بازیگوشی محل درس

یک نوجوان بدون تقوای خاص محیط و وضعیت شغلی و کاری خود، نمی‌تواند به هدف درس خواندن برسد. باید از اشتباه و هوس و بازیگوشی و سرگرمی به کارهایی که او را از فعالیت خودش باز می‌دارد، اجتناب بکند. این تقوای اوست.^{۴۶}

تمرین کسب تقوا با روزه نوجوانی و آغاز بلوغ

جوانهای ما، ریاضت شرعی روزه را در دوران جوانی تجربه می‌کنند؛ این گرسنگی کشیدن، چشم بستن از لذات و کم‌رغبتی به محرّمات در فرصت یک‌ماهه خیلی چیز ارزشمندی برای مردم، بخصوص برای جوانهاست؛ و این تمرین کسب تقواست از دوران نوجوانی، که از آغاز بلوغ در دختر یا پسر به وجود می‌آید.^{۴۷}

۳.۲. تربیت معنوی

توجه به فطرت پاک و کمال جوی کودکان در تربیت

کودکان جهان همچون جوانه‌های امید بخشی هستند که دستمایه حیاتشان بذر پاکیزه فطرت است و بستر رشدشان زمین مستعد خانواده و سپس جامعه؛ مسأله تعلیم و تربیت مفید و سالم در فضای مساعد رشد می‌تواند نقشی مطلوب بر لوح فطرت کودک بنگارد و زمینه کمال وی را فراهم سازد و از این راه آینده‌ای روشن را برای ملت‌ها تضمین کند. در نظر داشته باشیم که همه کودکان بر فطرتی پاک و کمال جو متولد می‌شوند و این تربیت خانواده و اجتماع است که از آنان انسان‌هایی برومند و شایسته یا پژمرده و فاسد می‌سازند.^{۴۸}

توجه خاص به معنویت در تربیت اطفال

دنیای مادی گرا، به حق، از ضعف نفوذ معنویت در رنج و اضطراب به سر می‌برد، حال آنکه باید به همین عامل معنوی در امور تربیتی توجه خاص معطوف شود که مهمترین وظیفه در تربیت اطفال و انتقال مفاهیم ارزش‌ها است.^{۴۹}

ضرورت آموزش مسائل معنوی به کودکان

باور داشته باشیم که کودکان ما بسیاری از مسایل معنوی را درک می‌کنند و آموزش آنان در این سنین با روشهای مناسب نه تنها مقدور بلکه واجب و اساسی است.^{۵۰}

تربیت معنوی فراخور روح کودک

در دوران کودکی نه جسم و نه روح هیچ کدام ظرفیت و گنجایش لازم را ندارند. اگر در همان دوران کودکی هم غذای فراخور جسم کودک به او داده شود، معنویات فراخور روح او در همان زمان می‌تواند به او داده بشود. امروز ثابت شده و علمای تربیت نشان داده‌اند که کودک را از اولین دوران ولادتش (از دوران چندماهگی) بایستی طرف و معمول عمل تربیت دانسته، زیرا همه چیز روی او اثر می‌گذارد و او فراگیری دارد.^{۵۱}

لزوم حضور جبهه‌ی دین در مراکز آموزشی

شکل‌گیری و قالب‌گیری شخصیت هر فرد غالباً در ایام نوجوانی و سالهای بلوغ انجام می‌گیرد و به همین دلیل حضور جبهه‌ی دین و انقلاب در مرکز آموزشی از جمله دبیرستانها بسیار لازم است؛ چرا که در غیر اینصورت دشمن در محیط جوانها و نوجوانها حضور می‌یابد و با استفاده از ویژگی این سنین از جمله آمادگی برای پذیرش افکار جدید، نظریات منفی خود را به آنها القا خواهد کرد.^{۵۲}

۴۵. همان

۴۶. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

۴۷. خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۴۲۹ (۱۳۸۷/۰۶/۳۰)

۴۸. پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۳/۱۲)

۴۹. همان

۵۰. همان

۵۱. مصاحبه با مجله ورزش (۶۶/۵/۲۱)

۵۲. دیدار اعضای شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی (۱۳۷۵/۶/۱۲)

تلاش کودکان و نوجوانان در راه آموزش قرآن

حفظ قرآن، کار خداست و تدبیر الهی، قرآن را رایج خواهد کرد. البته شرط دارد. مثل همه نعمتهای الهی شرطش این است که مردم، با تلاش و همه وجود و توانایشان به دنبال کسب این نعمت الهی باشند. مردم ما با همه وجود و با همه تلاش، به دنبال اسلام و قرآن راه افتادند؛ خدای متعال هم این نعمت را به آنها ارزانی داشت. امروز بحمدالله امواج آموزش و تعلیم و تعلم قرآن، بسیاری از نقاط جامعه ما را فراگرفته است و من خوشحالم از این که می بینم جوانان، نوجوانان و کودکان، در راه آموزش قرآن تلاش می کنند.^{۵۳}

فراگیری قرآن در نوجوانی و جوانی يك ذخیره‌ی مادام‌العمر

شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می گیرید، این را بدانید که یک ذخیره مادام‌العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می کنید. این چیز بسیار باارزشی است. ممکن است در سنین جوانی، معانی و معارف عمیقی را از آیات قرآن استنباط نکنید و نتوانید درست بفهمید - فقط چیزهای سطحی و اندکی از معارف را بفهمید - اما به موازات بالا رفتن سطح معلومات و پیشرفت علمی، از آیات قرآن که در حافظه و ذهن شما قرار دارد، بیشتر استفاده می کنید.^{۵۴}

نعمت بسیار بزرگ انس با قرآن در کودکی، نوجوانی و جوانی

حضور قرآن در ذهن انسان، نعمت بسیار بزرگی است. فرق است بین کسی که برای مطلبی، بارها آیات قرآن و فهرستهای قرآنی را جستجو می کند تا ببیند در این باره آیه‌ای وجود دارد یا نه، با آن کسی که آیات قرآن در ذهن و دل و جلو چشم اوست و نگاه می کند، آنچه را که در هر بخشی از معارف اسلامی به آن نیاز دارد، از قرآن استنباط و استخراج می کند و روی آن فکر و تأمل می کند و از آن استفاده می برد. انس با قرآن در دوران کودکی و نوجوانی، تا دوران جوانی، یک نعمت بسیار بزرگ است.^{۵۵}

محیط قرآنی، زمینه ساز پیشرفت قاریان نوجوان

انسان می بیند که این نوجوان این طور بخوبی تلاوت می کند و صدای صاد و ضاد و طاء و ظاء را مثل خود عرب زبانها ادا می کند؛ گویا اصلاً او عرب متولد شده است! این قراء عربی که به اینجا می آیند، مکرر به من می گویند که ما تعجب می کنیم که قاریان شما چطور این کلمات و حروف را که صدایش با زبانشان بیگانه است ادا می کنند! این برای چیست؟ برای آن است که محیط، محیط تلاوت قرآن شده است.^{۵۶}

چشاندن شربت حیاتبخش قرآن

همه به قرآن عشق می ورزند و احترام می کنند؛ اما عده‌ی کمی همواره آن را تلاوت و عده‌ی کمتری در آن تدبیری کنند. برای رفع این نقیصه که کاری ممکن و روان است، در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه‌ی قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیاتبخش قرآن، به ذایقه آنان چیزی چشاند.^{۵۷}

حفظ قرآن از دوران نوجوانی

من عقیده‌ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع بشود؛ یعنی حدوداً از دوازده سالگی، سیزده سالگی؛ «التَّعَلُّمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»^{۵۸، ۵۹}.

استحکام مبانی فکری همزمان با حفظ قرآن

باید همزمان با آموزش و حفظ قرآن، مبانی فکری و استدلالی قرآن آموزان از طریق آثار شهید مطهری و دیگر بزرگان، استحکام یابد تا این نونهالان و نوجوانان در آینده در خدمت اسلام، قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرار گیرند.^{۶۰}

۲. دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور (۱۳۸۰/۰۶/۲۸)

۵۴. همان

۵۵. همان

۵۶. سخنرانی در پایان مراسم قرائت قاریان قرآن، در ماه مبارک رمضان (۱۳۷۰/۱۲/۲۷)

۵۷. پیام به گردهمایی دبیران درس قرآن سال اول دبیرستانها (۶۸/۷/۲۰)

۵۸. علم آموزی در کودکی همچون

۵۹. دیدار با قاریان مصری: شحات محمد انور و سید متولی عبد العال (۱۳۷۰/۱۱/۰۳)

۶۰. دیدار جمعی از نونهالان و نوجوانان حافظ و قاری قرآن (۱۳۸۰/۴/۴)

تشویق دانش آموزان برای به حفظ قرآن

اگر ممکن باشد، در این سنین قدری بیشتر بر قرآن در مدرسه تأکید شود، شاید دستاورد بزرگی را فراهم بکند. مثلاً حفظ قرآن اگر به شکل امتیاز مطرح شود و فرضاً کسی که بخشی از قرآن را حفظ کرد، امتیازی را در قالب نمره و یا موارد مشابه آن بگیرد، با چنین روشی شاید بتوانیم در این گونه مدارس، این گروه از جوان های تازه سالمان را رشد بدهیم.

البته حفظ قرآن نه به صورت برنامه‌ی مدون، چون شما در حقیقت بیش از برنامه درس دارید و چه بسا در حال حاضر حفظ قرآن به شکل یک برنامه، مشکلاتی را ایجاد کند.^{۶۱}

فهم قرآن در کودکی راه رشد جامعه‌ی اسلامی

آن چیزهایی که لازم است، آن مطالبی که مفید است و ما را به فهم قرآن نزدیکتر می کند، آنها را به این کودکان یاد بدهید تا مثل نقشی که در سنگ می ماند، تا آخر عمر در ذهنشان باقی بماند و مایه برکت شود. جامعه اسلامی ما از این طریق رشد می کند و استحکام می یابد و با این روش استقلال خود را تضمین و توجه مسلمانان دنیا را جلب می کند تا راه هدایت خود را در اسلام پیدا کند.^{۶۲}

تحقق جامعه‌ی اسلامی با رواج تدبّر در قرآن

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاه های معنویت و تزکیه و هدایت، روز به روز گرم‌تر و پُرونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبّر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسئولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.^{۶۳}

تنظیم برنامه‌ی حفظ قرآن در مدارس

تلاوت قرآن با حفظ قرآن اگر همراه بشود، بهترین نوع تلاوت است و لذا نوجوانان و کودکان و همچنین اولیاء و مربیان آنها، سعی کنند که قرآن را در ذهنهای مستعد و آماده ارجاع بدهند و من احساس می کنم اگر کسی قرآن را حفظ داشته باشد و مأنوس با قرآن باشد، به فهم معارف اسلامی به مراتب نزدیکتر خواهد بود از آن کسی که این انس را ندارد.

انسان وقتی در مسایل قرآنی وارد می شود و کار می کند آن وقت احساس می کند که چقدر نقش تسلط به حفظ قرآن و تسلط بر قرآن زیاد است چنانکه بنده خودم در سنین بزرگی که دیگر حفظ قرآن برایم آسان نبود، بارها افسوس می خوردم که چرا در کودکی قرآن را حفظ نکردم.

چقدر خوب است در مدارس ابتدایی و راهنمایی که فرصت و آمادگی کامل برای حفظ قرآن هست، برنامه های مرتبی تنظیم شود تا کودکان و نوجوانان بتوانند قرآن را حفظ کنند و کسانی که بخشی از قرآن، یا همه قرآن را حفظ دارند این را قدر بدانند که نعمت بسیار بزرگی است و هیچ نعمتی جای این را نمی گیرد، چون نعمت حفظ قرآن وسیله ای برای تقرب به خدا و فهم کلام خداست، بنابراین نگذارند قرآن از یادشان برود.^{۶۴}

۶۲. دیدار با مدرسان و مسؤولان دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری (۱۳۶۸/۱۲/۲۷)

۶۳. دیدار با شرکت کنندگان مسابقات بین المللی قرآن (۱۳۷۴/۳/۴)

۶۴. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۶۹/۳/۱۰)

پیام به مناسبت افتتاح رادیو قرآن (۶۲/۱۱/۲۴)

نقش خانواده و جامعه در تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک

خانواده و جامعه باید به عنوان یک واحد تربیتی هماهنگ و مؤثر نقش خویش را قبل از حضور کودک در دبستان در زمینه های اجتماعی کردن کودک، پذیرش آداب و رسوم مفید و سازنده و نیز استقرار اخلاق نیکو در وی ایفا کنند و این وظایف مهم را تنها به مربیان و معلمان حرفه‌ای نسپارند^{۶۵}

وظیفه‌ی حفظ ایمان خانواده و فرزندان

«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^{۶۶}؛ از آتشی که آتش گیره‌ی آن انسانها و سنگها هستند، خودتان و زن و بچه‌ی‌تان را حفظ کنید؛ معلوم می‌شود که وظیفه‌ی حفظ زن و بچه هم به عهده‌ی ماهاست.^{۶۷}

• حق نداریم فرزندان را رها کنیم. سعی‌تان این باشد که ایمانشان را حفظ کنید. کاری نکنید که ایمان جوانتان، دختر و پسران- اگر دانشجوست، اگر کاسب است، اگر مشغول کار دیگر است- به مبانی شما متزلزل شود.^{۶۸}

فرزندان مؤمن؛ روشنی چشم و دل والدین

این آیه‌ی شریفه برای من همیشه جالب بوده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ»؛ کسانی که توانسته‌اند ایمان ذریه‌ی خود را حفظ کنند- و لو عمل ذریه، آن چنان برجسته نیست- ما در درجات عالی معنوی، ذریه را به آنها ملحق می‌کنیم. در روایت دارد: «لِتَقَرَّ عُيُونُهُمْ»؛ تا چشمهایشان روشن شود. مؤمن که شما باشید، اگر توانستید بچه‌ی خود را مؤمن بار بیاورید، خدای متعال کمبودهای این بچه را در قیامت، در بهشت و در عرصات دشواری که در برابر شماست، جبران می‌کند؛ او را به شما می‌رساند تا چشم و دل شما روشن شود. خدا برای یک مؤمن خیلی ارزش قائل است.^{۶۹}

تجلی حضور پدر و مادر منشأ الهام در ذهن کودک

باید نخست احساس حضور اولیاء در محیط زندگی را در فرزند بوجود آورد. اگر کودک این احساس را داشته باشد، رشد و تربیت او شکلی کاملاً متفاوت از آن چیزی پیدا خواهد کرد که چنین احساسی نداشته باشد. آنچه برای کودک مهم است تجلی حضور پدر و مادر در ذهن او به صورت منشأ الهام است.^{۷۰}

اثرگذاری عمیق والدین در تربیت دوران نوجوانی

دوران کودکی و نوجوانی و جوانی، اثر تربیت عمیق تر و ماندگارتر خواهد بود. اسلام برای دوران کودکی و نوجوانی چند عامل تربیتی تعیین کرده که یکی از آنها آموزشهای والدین و تأثیرات محیط خانواده است که یک بحث مفصلی دارد. برای اینکه کودک در آغاز دوران تربیت بتواند از یک پایه‌ی محکم و قاعده‌ی مبتنی بر شخصیت خودش برخوردار بشود یک دستورالعملی برای پدر و مادر داده شده و برای محیط خانواده هم شرایطی پیش بینی کرده که اگر ما آنها را فراهم نکنیم یک پایه اصلی تربیت کودک لنگ خواهد بود.^{۷۱}

تأمین سلامت عاطفی و روحی کودکان

امروز ما بسیج بزرگ و مستمری را برای تأمین سلامت جسمانی کودکان آغاز می‌کنیم که این امر بسیار مهمی است ولی باید بسیجی هم برای سلامت عاطفی و روحی کودکان انجام دهیم که این کار در درجه اول بر عهده پدران و مادران است.^{۷۲}

۱. پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۳/۱۲)

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۶

۳. دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات (۱۳۸۳/۰۷/۱۳)

۱. دیدار مسئولان نظام (۱۳۸۳/۰۸/۰۶)

۲. همان

۱. دیدار با اعضای شورای عالی انجمن اولیاء و مربیان (۱۳۶۲/۰۷/۲۱)

۷۱. مصاحبه با مجله آینده سازان (۱۳۶۵/۷/۲۱)

۷۲. سخنرانی در سمینار بسیج سلامت کودکان در بیمارستان فیروزگر (۱۳۶۷/۰۴/۰۴)

تربیت کودک از بزرگترین کارهای آفرینش

زنان، بزرگترین کارهای آفرینش را به طور طبیعی بر عهده دارند. کارهای اساسی آفرینش، مانند تولید مثل و تربیت کودک، در دست زنان است.^{۷۳}

بهترین روش تربیت، آغوش پر مهر و محبت مادر

کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آن‌ها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند.^{۷۴}

وظیفه‌ی مهم زن؛ تربیت صحیح همراه با عواطف و رعایت دقت

یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسلهای جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.^{۷۵}

گذشت از مشاغل بیرون منزل به خاطر تربیت فرزند

حتماً بایستی بر روی کار زنهای خانه‌دار ارزشگذاری ویژه بشود. بعضی می‌توانستند بروند کار بگیرند، بعضی می‌توانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من دیدم زانی را از این قبیل - گفتند ما می‌خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتیم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. باید از اینجور زنی قدردانی شود.^{۷۶}

۱،۳. معلمان و مربیان

بی فایده بودن آموزش در مکتب و مدرسه در سنین چهار پنج سالگی

اولین مرکز درسی که من رفتم، مدرسه نبود، مکتب بود - در سنین قبل از مدرسه - شاید چهار سال، یا پنج سالم بود که من و برادر بزرگتر از مرا - که از من، سه سال و نیم بزرگتر بود - با هم در مکتب دخترانه گذاشتند؛ یعنی مکتبی که معلمش زن بود و به جز چند نفر پسر، بقیه شاگردان، دختر بودند. البته من خیلی کوچک بودم. تجربه‌ای که از آن زمان می‌توانم به یاد بیاورم این است که بچه را در سنین چهار، پنج سالگی اصلاً نباید به مدرسه و مکتب و غیر آن گذاشت؛ برای اینکه هیچ فایده‌ای ندارد. من به نظرم می‌رسد که از آن دوره مکتب قبل از مدرسه، هیچ استفاده علمی و درسی نکردم.^{۷۷}

پرورش کودکان و نوجوانان؛ اشتغال با افتخار و قداست

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم حساس‌ترین و مهم‌ترین بخش اداره‌ی کشور، آموزش و پرورش است. این هم نعمتی است که خدای متعال بر شما ارزانی داشته است که اشتغال معمول زندگیتان در خدمت علم و معرفت و تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان امروز - که اداره‌کنندگان فردای کشورند - باشد. خیلی جاها انسان می‌تواند مشغول کار شود و نانی هم به دست آورد؛ شاید نانی خیلی چرب‌تر از نانی که انسان در آموزش و پرورش به دست می‌آورد؛ اما این افتخار و قداست در همه جا نیست. از این جهت آموزش و پرورش یک نقطه‌ی ممتاز است. خدای متعال را شکر کنید که این مسئولیت را به شما داده است و از او بخواهید که توفیق دهد این شاء الله این کار را که حقه انجام دهید.^{۷۸}

مربّیگری کودک کار اساسی و موجب رضای خدا

شما مربّی عزیز، شما که در کتابخانه با کودک مواجه می‌شوید، شما که قصّه می‌گویید، شما که کتاب می‌فرستید، شما که کتاب می‌خوانید و

۲. دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) (۱۳۷۳/۰۷/۲۰)

۳. اجتماع زنان خوزستان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

۱. همان

۲. سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۱۳۹۰/۱۰/۱۴)

۱. گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب با گروهی از جوانان و نوجوانان (۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

۲. دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱/۰۴/۲۶)

شما که در کار هنری و آفرینش هنری خودتان، آن کودک را مخاطب قرار می‌دهید، بدانید که الآن درست روی نقطه‌ی اصلی و اساسی حرکت می‌کنید. شما درست آن کاری را که باید انجام گیرد انجام می‌دهید. آن کسی می‌تواند از کار خود، شاد و خشنود و از رضای الهی خاطر جمع باشد که خلأ لحظه را پر کند. خلأ لحظه این است و شما این خلأ را پر می‌کنید.^{۷۹}

حسنت مستمر برای شغل عبادی معلّمان

شما در اتاق درس و در محیط آموزش که قرار می‌گیرید و با این نوجوان و با این کودک مواجه می‌شوید، بدانید که کاتبان عمل، کرام‌الکاتبین الهی، لحظه به لحظه‌ی کار شما را حسنه می‌نویسند. چقدر این مقرون به صرفه است که انسان کارش، زندگی‌اش، شغلش چیزی باشد که هر لحظه‌ی آن می‌تواند عبادت باشد.^{۸۰}

ترکیه و تربیت بالاتر از تعلیم

حدّ اقل نیمی از کار آموزش و پرورش، پرورش و تربیت است. لذا شما می‌بینید در قرآن وظیفه انبیا، ترکیه و تعلیم است. بعضیها از جلو قرار گرفتن «بزرگهم» در دو آیه قرآن بر «یعلّمهم»، استفاده کرده‌اند که ترکیه از تعلیم هم بالاتر است. می‌تواند این طور باشد. حدّ اقل این است که ترکیه در کنار تعلیم است؛ «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^{۸۱}؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت، نه تعلیم چیزهای پیش پا افتاده. این در کنار ترکیه است؛ بنابراین ترکیه خیلی والا است. ترکیه، یعنی تربیت.^{۸۲}

اهمیت و درست اندیشیدن معلّم در اصلاح جامعه

همین کودک اگر درست تربیت نشد، ممکن است یک هیتلر از آب در بیاید، یک چنگیز از آب در بیاید؛ قضیه این است. اهمیت کار معلّم، ارزش والای حرکت او و تلاش او و دلسوزی او و درست اندیشیدن او و درست کار کردن او اینجوری معلوم می‌شود.^{۸۳}

غلبه نقش تربیتی معلّم بر تمام عوامل تاثیرگذار در تربیت

معلّم می‌تواند این ماده‌ی خام را حتّی از اسارت عوامل وراثتی هم نجات دهد؛ این را علم ثابت کرده است. همچنان که عوامل وراثتی بیماری‌های جسمانی و عوارض جسمانی می‌تواند با تدابیر گوناگون، با پیشگیری‌ها و فعالیت‌های گوناگون خنثی شود، عوامل وراثتی اخلاقی و روحی و معنوی هم همین جور است. معلّم می‌تواند این نوجوان را یا این کودک را به یک انسان عالم، فکور، دارای روح تحقیق، علاقه‌مند به تحقیق و پژوهش تربیت کند، یا یک انسان سطحی و بی‌علاقه‌ی به تعمق و بی‌علاقه‌ی به معلومات؛ می‌تواند او را یک انسان شریف، نجیب، خیرخواه، خوش‌دل و پاک‌نفس تربیت کند و به عرصه بیاورد، می‌تواند در نقطه‌ی مقابل، او را تبدیل کند به یک انسان شریر، بددل و بدخواه؛ می‌تواند او را یک انسان خوش‌بین، دارای اعتماد به نفس، امیدوار و علاقه‌مند به کار و فعالیت به بار بیاورد، می‌تواند در نقطه‌ی مقابل، او را یک انسان ناامید، مأیوس و منزوی به جامعه تحویل دهد؛ می‌تواند از او یک انسان متدین، پارسا و پاک‌دامن بسازد، یا نقطه‌ی مقابل، یک انسان لابلایی، بی‌اعتنای به ارزشهای اخلاقی، بی‌اعتنای به تعالیم دینی تربیت کند؛ می‌تواند حتّی بر عوامل خارجی تربیت - مثل این رسانه‌ها و امثال این‌ها - غلبه کند؛ حتّی با تعلیم مستمری که در طول سالهای متمادی با این ماده‌ی خام، با این نوجوان، با این دل آماده‌ی پذیرش ایفاء می‌کند، می‌تواند بر نقش تربیتی والدین غلبه کند؛ این نقش معلّم است.^{۸۴}

تاثیر حالات و رفتار معلّم بر دانش آموز

عزیزان من؛ معلّمان و معلّمات عزیز! در سر کلاس، نه فقط درسی که شما می‌دهید، بلکه نگاهی که می‌افکنید، اشاره‌ای که می‌کنید، لبخندی که می‌زنید، اخمی که به رو می‌آورید، حرکتی که انجام می‌دهید و لباسی که می‌پوشید، بر روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد.^{۸۵}

انتقال ویژگی‌های مثبت به دانش آموز با سخن، منش و رفتار معلّم

این نوجوان یا کودکی که در مقابل شما در کلاس درس نشسته است، در اختیار شماست. شما با سخن خود، با منش خود، با رفتار خود،

۷۹. دیدار با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

۸۰. دیدار جمعی از معلّمان سراسر کشور (۱۳۹۱/۰۲/۱۳)

۸۱. سوره ی آل عمران آیه‌ی ۱۶۴ و سوره ی جمعه آیه‌ی ۲

۸۲. دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱/۰۴/۲۶)

۳. دیدار جمعی از معلّمان سراسر کشور (۱۳۹۱/۰۲/۱۳)

۱. دیدار گروه کثیری از معلّمان سراسر کشور (۱۳۸۹/۰۲/۱۵)

۲. دیدار جمع کثیری از کارگران و معلّمان، به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلّم (۱۳۷۸/۰۲/۱۵)

می‌توانید به او اعتماد به نفس بدهید؛ می‌توانید به او امید بدهید؛ می‌توانید او را روانه‌ی میدانهای عمل کنید؛ می‌توانید به او روح دیانت را آن‌چنان که شایسته‌ی اوست، تزریق کنید؛ می‌توانید از او انسانی زیرک، پرتلاش، اجتماعی، علاقه‌مند به مصالح جمع و جامعه بسازید و به وجود بیاورید؛ می‌توانید روح ابتکار را در او زنده کنید^{۸۶}

معلم منشاء عمیق‌ترین احساسات، عواطف و حالات در افراد

ما در مراجعه‌ی به خود اگر، عمیق‌ترین احساسات و عواطف و حالاتمان را ریشه‌یابی کنیم، در انتهای خط، یک معلم را مشاهده می‌کنیم. معلم است که ما را می‌تواند شجاع یا جبان، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ، یا منجمد و بسته و پایبند به تفکرات جامد بار بیاورد. معلم است که می‌تواند ما را متدین، باتقوا، پاک‌دامن، یا خدای ناکرده بی‌بندوبار بار بیاورد. معلم چنین نقشی دارد. این ارزش معلم است؛ این تأثیر معلم است.^{۸۷}

نقش موثر معلم در دوران بلوغ و شکل‌یابی شخصیت

دوران بلوغ یک انسان، دوران تحول و شکل‌یابی شخصیت ماندگار و طولانی اوست؛ جوان در این دوران در اختیار معلم است. معلم نه فقط با درس خود، بلکه با شخصیت خود روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد. یک معلم عاقل، عالم، خویشتن‌دار، نافذ، خوش‌بین، با امید به آینده و اهل کار جمعی، دانش‌آموز خود را هم این‌گونه بار می‌آورد؛ اما معلم خشن و بی‌حوصله، جور دیگری دانش‌آموز را بار می‌آورد.^{۸۸}

معلم تبدیل‌کننده‌ی کودک خام به انسان آگاه

منابع طبیعی و منابع انسانی دو سرمایه‌ی اصلی انسان هستند. کارگر منابع طبیعی را مورد بهره‌وری قرار می‌دهد و قابل استفاده می‌کند؛ معلم هم منابع انسانی را استخراج می‌کند، رشد می‌دهد و مورد بهره‌برداری جامعه قرار می‌دهد. این دو، رکن اساسی جامعه‌اند. مهم هم این است که هم دو قشر معلم و کارگر، هم بخصوص مسئولان دولتی و هم آحاد مردم این ارزش والا را بشناسند و به آن به چشم تکریم نگاه کنند. معلم را بشناسند و بدانند کسی که کودک ساده‌ی هیچ‌نندان را به یک انسان آگاه و یک چشمه‌ی جوشان ابتکار، استعداد، نقشه و طرح در همه‌ی مسائل زندگی تبدیل می‌کند و این ماده‌ی خام را به اینجا رسانده است، اجر و قریب کجاست؛ این را همه بفهمند.^{۸۹}

معلم؛ جریان بخش چشمه‌های استعداد در وجود انسانها

کاری که بر دوش معلم است، یکی از بزرگترین کارهایی است که بشر می‌تواند انجام دهد. تولید او مهم‌ترین تولید است؛ تولید انسان فرزانه و آگاه و کارآمد. او کسی است که چشمه‌های استعداد را در وجود انسانها جاری می‌کند و این ماده‌ی خام انسانی را- که کودک و نوجوان ماست- به یک شخصیت انسانی کارآمد، با فکر و مفید برای جامعه و کشور و تاریخ تبدیل می‌کند.^{۹۰}

نقش معلم پررنگ‌تر از والدین در هویت نسل جدید

تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است؛ یعنی حتی نقشی پررنگ‌تر از نقش خانواده و پدر و مادر. خود شما هم فرزندان مدرسه‌یی دارید و می‌بینید که گاهی اوقات فرمایش آقا معلم یا خانم معلم برای بچه وحی منزل است؛ به خانه می‌آید، کاری را انجام می‌دهد یا کاری را انجام نمی‌دهد، یا ساعتی می‌خواهد یا ساعتی ورزش می‌کند، یا کار دیگری می‌کند؛ چون این‌ها را معلم گفته. پدر و مادر که بارها این حرفها را می‌گویند، تأثیر ندارد؛ اما حرف معلم تأثیر دارد.^{۹۱}

متدین بار آوردن بچه‌ها؛ موجب رضای خداوند

اگر می‌خواهید کار معلمی شما مورد رضای خدا و نسل‌های آینده قرار گیرد و در انجام وظیفه‌تان از شما به نیکی یاد شود، بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه فقط کار معلم تعلیمات دینی نیست. یک معلم ریاضی، یک معلم فیزیک، یک معلم فارسی و ادبیات هم با یک نکته‌گویی بجا و با یک تک‌مضرب می‌تواند تفکر دینی را در اعماق دل شاگرد و مخاطب خود جا دهد تا یادش نرود. گاهی حتی بیش از

۳. دیدار گروه کثیری از معلمان سراسر کشور (۱۳۸۹/۰۲/۱۵)

۸۷. دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم (۱۳۷۸/۰۲/۱۵)

۸۸. دیدار با معلمان (۱۳۸۶/۰۲/۱۲)

۸۹. دیدار معلمان و کارگران (۱۳۸۲/۰۲/۱۰)

۱. دیدار معلمان و کارگران (۱۳۸۳/۰۲/۱۲)

۲. دیدار فرهنگیان و معلمان کرمان (۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

معلم دینی می‌تواند اثر بگذارند. وقتی معلم دینی سر کلاس می‌آید، یک تکلیف است و بچه‌ها و همه‌ی انسان‌ها نسبت به تکلیف، حالت امتناع دارند. این آقا می‌خواهد بیاید تکلیف بدهد؛ اگر خیلی خوش‌بین و خوش‌برخورد و خوش‌اخلاق و خوش‌تدریس باشد، یک مقدار حرفش قابل قبول است؛ اگر این‌ها هم نباشد، که دیگر هیچ. اما یک معلم فیزیک، یک معلم ریاضی، یک معلم شیمی، یک معلم ادبیات فارسی، یک معلم تاریخ، گاهی در خلال صحبت، با یک کلمه‌ی بجا- حقیقتاً یک کلمه- می‌تواند تأثیری در روح کودک و نوجوان و جوان بگذارد که او را به معنای واقعی کلمه متدین و پایند کند. شما می‌توانید این کار را بکنید؛ هم در دبستان، هم در راهنمایی، هم در دبیرستان.^{۹۲}

اثر صحبت معنوی معلمان در شخصیت مطلوب کودکان

یک کلمه از خدا، یک کلمه از پیغمبر، یک جمله از قیامت، یک کلمه از معنویت و سلوک **إلی الله** و محبت به خدا، گاهی ممکن است از شما به عنوان دبیر ریاضی یا دبیر ادبیات یا معلم کلاس اول دبستان یا دوم دبستان صادر شود که شخصیت این کودک یا این نوجوان، این انسانی را که مخاطب شماست، شکل مطلوب بدهد که از صد ساعت حرف زدن در شکل‌های دیگر اثرش بیشتر باشد.^{۹۳}

جایگزینی عقاید دینی در عمق ذهن دانش‌آموزان

در آموزش و پرورش، یک معلم، یک مدیر آموزشی یا پرورشی به بهترین وجهی می‌تواند از این فرصت طلایی عمر نوجوان ما که در اختیار اوست، استفاده کند. عقاید دینی را نه فقط در زنگ تعلیمات دینی، بلکه می‌شود آن را در همه‌ی فرصت‌های تعلیم با هوشیاری، با دقت، با سنجیدگی، در عمق ذهن و جان متعلم جایگزین کرد، تا او فرصت پیدا کند آن را در دل و مغز خود رشد بدهد.^{۹۴}

معلم، صف مقدم جهاد برای تربیت کودک

همه‌ی طراحی‌ها و مدل‌سازی‌ها برای این است که معلم بتواند کارش را خوب انجام بدهد. وسط میدان، معلم است؛ صف مقدم، معلم است؛ بقیه کمک‌کننده و پشتیبانی‌کننده و تدارک‌کننده‌ی به او هستند تا او بتواند این عنصر و این ماده‌ی طبیعی را که در اختیار او قرار داده‌اند- یعنی کودک و نوجوان- با هنرمندی خود، با جهاد خود، با دلسوزی و کاردانی خود به یک ماده‌ی باارزش تبدیل کند و ارزش افزوده‌ی او را بالا ببرد.^{۹۵}

معلم، پایه‌گذار توسعه فرهنگی و سیاسی کودک

توسعه‌ی فرهنگی و سیاسی این است که انسانها در جامعه احساس کنند که می‌توانند درست بیندیشند، درست بفهمند و درست فراگیرند. اگر کشوری بتواند خود را به اینجا برساند، توطئه‌ها و گمراه‌گریها در آن اثر نمی‌کند. این چیز خوبی است، اما این با جنجال و غوغا و های‌وهوی و روزنامه‌بازی و امثال این‌ها درست نمی‌شود؛ به‌دست معلم درست می‌شود. توسعه‌ی سیاسی و توسعه‌ی فرهنگی را معلم پایه‌گذاری می‌کند. شما هستید که در داخل مدارس خودتان، این کودک را از هفت‌سالگی تحویل می‌گیرید و در هجده، نوزده‌سالگی تحویل دانشگاه می‌دهید. اساسی‌ترین و مهم‌ترین دوران عمر این کودک، با شما معلم است. باید کشور و جامعه روی این مسئله حساب کنند. معلم، یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد؛ معلومات خوب را به کودک بیاموزد؛ فکر کردن را به کودک بیاموزد؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد؛ ایستادگی در مقابل باطل و مجاهدت در راه حق را به کودک تعلیم دهد.^{۹۶}

معلمان؛ عامل قدرتمندی گردانندگان تاریخ

همه‌ی دست‌های قدرتمندی که تاریخ را به حرکت درآورده‌اند، به دست معلمان قدرت پیدا کرده‌اند؛ معلمان بوده‌اند که آن‌ها را کارآمد کرده‌اند؛ و آلا اگر مراقبت و مهربانی و زحمت و تلاش معلم پشت سر بسیاری از استعدادها نباشد، در وجود انسانها دفن خواهد شد و از بین خواهد رفت؛ بنابراین معلم را باید قدر دانست.^{۹۷}

تربیت مصلحان اجتماعی و دانشمندان برجسته به دست معلمان

یک وقت انسان یک ماده‌ی جامد را با تلاش خود، ابتکار خود، عرق ریختن و ساعتها صرف کردن، تبدیل می‌کند به یک محصول مطلوب؛ که

۱. دیدار فرهنگیان و معلمان کرمان (۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

۲. دیدار معلمان استان فارس (۱۳۸۷/۰۲/۱۲)

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان (۱۳۸۷/۰۵/۲۷)

۴. دیدار با معلمان (۱۳۸۶/۰۲/۱۲)

۵. دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم (۱۳۷۸/۰۲/۱۵)

۶. دیدار معلمان و کارگران (۱۳۸۳/۰۲/۱۲)

به جای خود ارزشمند است. یک وقت این ماده‌ای که دست ماست، یک موجود انسانی است، با استعدادهایش، با عواطفش، با احساساتش، با ظرفیتهای فراوانی که در یک انسان وجود دارد. این نوجوان ممکن است فردا کسی مثل امام بزرگوار ما بشود، ممکن است یک مصلح اجتماعی بشود، ممکن است یک دانشمند برجسته بشود، ممکن است یک انسان صالح و والا بشود.^{۹۸}

حفظ سرمایه های کشور با شکوفایی استعداد نوجوانان به دست معلمان

اگر ملت ایران - اعم از کارگر ایرانی، جوان ایرانی، تولیدکننده ایرانی و معلم ایرانی - با همه‌ی تلاش و غیرت خود وارد عمل شود و این کشور را به گونه‌ای بسازد که به خاطر صادرات و واردات و نیازهای مصرفی، محتاج فروش نفت خود، آن هم با این قیمت پایین نباشد، ببینید چه خدمت بزرگی به امروز و آینده‌ی این کشور خواهد بود! این کار چگونه امکان‌پذیر خواهد شد؟ به این گونه که کارگر ایرانی کار را یک عبادت واقعی بداند، نه عبادت تعارفی. واقعاً برای انجام کار خود «قصد قربت» کند. همچنین، معلم ایرانی مسلمان، این تفکر اسلامی را به نوجوان و جوان دانش‌آموز یاد دهد تا آنکه ده سال دیگر در کارگاهها و مراکز تعلیم و تعلم و تحقیقاتمان، چنان کار شود که دیگر همه‌ی استعداد این ملت، تجسم و تبلور پیدا کند. آن وقت، زندگی راحت، رفاه برای همه‌کس در همه جا، تسلط اقتصادی دشمن صفر، سرمایه‌های کشور محفوظ و آبرو و عظمت این کشور تأمین خواهد شد. ارزش و اهمیت کار دو قشر کارگر و معلم این گونه معلوم می‌شود.^{۹۹}

مبارزه با ظلم و بی عدالتی نیازمند تجهیز علم و ایمان معلمین

کار ملت ما مبارزه با ظلم و جور و بی عدالتی و حق‌کشی و مردم‌کشی است. چگونه می‌شود این مبارزه را انجام داد؟ این مبارزه را با دست خالی از سلاح، شاید بشود انجام داد؛ اما با دست خالی از علم و معرفت و ایمان، نمی‌شود. با بیکاری و بیهودگی و هرزگی خدای ناکرده نسلهای رو به رشد، نمی‌شود انجام داد. این مبارزه را با هشیاری کامل، با ایمان کامل، با تلاش همه‌جانبه از سوی قشرها مخصوصاً قشرهای جوان و نوجوان باید انجام داد و این، وظیفه‌ی معلمین است.^{۱۰۰}

تقویت ایمان و ایستادگی نوجوانان در برابر دشمنان

عزیزان من! در جبهه‌ی نبرد، وقتی سربازی پشت به دشمن می‌کند، علت شکست او، یک شکست درونی است. تا کسی در قلب و در روح خود شکست نخورد، جسم او در میدان شکست نمی‌خورد. روح و قلب و دل چگونه شکست می‌خورد؟ آن وقتی که نسبت به ایمان خود متزلزل شود. این ملت بزرگ ما که تا امروز در همه‌ی میدانها ایستاده است، به خاطر آن بوده که ایمان مستحکمی داشته است. جوانان ایمان داشتند، نوجوانان ایمان داشتند - همین حالا هم بحمدالله والتمنه دارند - پدران و مادران و قشرهای مختلف ایمان داشتند. بلکه بعضی از تفاله‌های بازمانده‌ی دوران لجنزار پهلوی که آن روز هم با دین و ایمان سر و کاری نداشتند و غرق در فساد بودند، خودشان و بعضی از بازماندگانشان ایمانی ندارند. غالباً هم هرچه شما مطلبی در مخالفت دیدید و شنیدید، از طرف این‌طور افراد بوده است؛ ولی در دل مردم کشور ما ایمان مستحکم است. آماج این تبلیغات و این محاصره‌ی تبلیغاتی^{۱۰۱}، همین ایمان است. می‌خواهند این ایمان را متزلزل و مخدوش کنند. چگونه؟ با تبلیغات دروغ، با حرفهای غلط، با تعلیمات ناقص و مغرضانه و خبیثانه از دین و از انقلاب و از شخصیتها، حقایق را دگرگون کردن و تحلیلهای نادرست به خورد مردم بخصوص به خورد جوانان دادن. امروز برنامه این است. این، حدس نیست؛ این، علم و یقین است.

وظیفه‌ی شما معلمان در این جا خیلی سنگین می‌شود. شما با عزیزترین، آسیب‌پذیرترین و مؤثرترین اقشار مواجهید. شما با خیل عظیم جوانان و نوجوانان این کشور مواجهید. آموزش و پرورش در این بخش، یک مسؤولیت مضاعف دارد. باید کاری کنیم که این نوجوان و جوان که امروز در این دوران حساس و مهم و تعیین‌کننده‌ی انقلاب و نظام زندگی می‌کند، امام را ندیده است، جنگ را ندیده است، انقلاب را ندیده است، با آن ایمانی بار بیاید که بتواند در مقابل مطامع دشمنان، در مقابل تجاوز بیگانگان، در مقابل سلطه‌گری امریکا، در مقابل نفوذطلبی دستگاه‌های استعمارگری که یک‌عمر این کشور و این ملت را چاپیدند و دستخوش و ملعبه‌ی خودشان کردند، مثل کوه محکم بایستد. این، وظیفه‌ی مهم این روزگار است.^{۱۰۲}

۲. دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور (۱۳/۰۲/۱۳۹۱)

۱. دیدار کارگران و معلمان، در «روز کارگر» و «هفته‌ی معلم» (۱۳/۰۲/۱۳۷۳)

۱. دیدار جمع زیادی از معلمان و کارگران (۰۹/۰۲/۱۳۷۱)

۱۰۱. امروز تنها یک راه برای دشمن باقی مانده است ... آن راه، عبارت است از محاصره‌ی تبلیغاتی.

۱۰۲. دیدار کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم (۰۹/۰۲/۱۳۷۷)

مقام معلم و ارزش کارگر در چشم کودک

باید مقام معلم در جامعه به گونه‌ای باشد که اگر از یک جوان بپرسند شما می‌خواهید در آینده چه کاره شوید، بگوید معلم. کارگر باید مقام و وضع و شرافتش طوری شود که اگر به جوانی یا کودکی گفتند شما ارزش و منت کدام قشر را بیشتر می‌پذیرید، بگوید کارگر.^{۱۰۳}

۱.۳. مسئولین و متولیان فرهنگی

حفظ و مراقبت عمومی از گنجینه‌ی ارزشمند کودکان

کودک ذخیره ارزشمندی برای هر جامعه است و عاقلانه نیست که مردم آن جامعه این ذخیره را دست کم بگیرند، زیرا همانطور که در یک خانواده از پدر و مادر انتظار رسیدگی بیشتری به کودکان می‌رود، سطح جامعه نیز با مسؤولین و مدیران و آحاد مردم موظفند که این گنجینه ارزشمند را حفظ کرده و آن را سالم نگاهدارند.^{۱۰۴}

کودکان تأثیرپذیرترین افراد از عوارض طبیعی و معنوی

از آنجا که کودک، هم نهال بارآوری‌های آینده و هم تأثیرپذیرترین عنصر انسانی از عوارض طبیعی و عوارض معنوی از مثبت و منفی است، و از آن روی که این موجود با ارزش و نفیس، امانت ضعیف و بی‌دفاعی در دست والدین و در نهایت در صحنه پرتلاطم جامعه است، رسیدگی به امور تربیتی، روانی و بهداشتی کودکان، مخصوصاً در سال‌های آغاز زندگی باید در صدر مسأله انسانی، مورد التفات و اهتمام مسؤولان و کارگزاران نظام قرار گیرد.^{۱۰۵}

رفع موانع رشد و اجرای صحیح اصول تربیت کودک

در اصل ضرورت تربیت و پرورش کودکان و لزوم فراهم آوردن شرایط مادی، روانی و فرهنگی مناسب برای رشد فکری-عاطفی و اجتماعی آنان در خانواده و جامعه، اجماع و اتفاق نظر وجود دارد اما آنچه بحث انگیز و نیازمند دقت فراوان است چگونگی اجرای این اصول مسلم و شکل بخشیدن به سرشت کمال جوی کودک و از میان بردن موانع رشد اوست، تا شادابی، استواری و تعادل روانی و معنوی شخصیت وی را قوام بخشد و این امر نه فقط از اساسی‌ترین وظایف مربیان و کارشناسان تعلیم و تربیت در هر جامعه، بلکه از مهمترین مسؤولیت‌های کارگزاران هر نظام است.^{۱۰۶}

توجه به مسایل خاص مقاطع سنی کودکان در مقررات

دستگاه‌های قانونگذاری و تنظیم کنندگان مقررات اجتماعی و فرهنگی باید در تدوین قوانین و مقررات، مسایل خاص عاطفی، روانی و آموزشی کودکان را در مقاطع سنی مختلف مورد توجه قرار دهند تا ضمن بازماندن راه‌های شکوفایی استعدادها، انگیزه سودجویان از دست یازیدن به این میدان فراخ و پاک بریده شود.^{۱۰۷}

بررسی میزان تحقق اهداف اسلامی در امور تربیتی

مسئولان امور پرورشی و بهداشتی کودکان، در کشور یک بازنگری همه جانبه از کارهای انجام شده در طول این چند سال انجام دهند تا معلوم شود بعد از انقلاب تا چه حد در جهت هدف‌های اسلامی در تربیت و رشد کودک پیش رفته ایم.^{۱۰۸}

ارزیابی عملکرد از لحاظ همت و صداقت باعث تقویت اقدامات آتی

تنها با شعار و حرف مسائل و مشکلات کودکان اصلاح و حل نمی‌شود. در این زمینه عمل و کوشش لازم است. کارنامه‌ی عمومی عملکرد در این زمینه با تکیه بر همت و صداقت و دلسوزی مجریان تهیه گردد و پس از ارزیابی از آن بعنوان وسیله‌ای برای تقویت اقدامات آتی آن

۱۰۳. دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان، به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم (۱۳۷۸/۰۲/۱۵)

۱۰۴. سخنرانی در سمینار بسیج سلامت کودکان (۱۳۶۷/۴/۴)

۱. پیام به مناسبت روز جهانی کودک (۱۳۶۷/۰۳/۱۱)

۱. پیام به سمینار علمی آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۰۳/۱۲)

۲. همان

۳. پیام به مناسبت روز جهانی کودک (۱۳۶۷/۰۳/۱۱)

نقادی محصولات رسانه‌ای کودک جهت تولید آثار بهتر

با توجه به اینکه برنامه‌های ویژه نونهالان در رسانه‌های گروهی و نشریات و کتابهای کودکان دارای حساسیت زیادی است، از هیچ دقتی در نقادی آن برنامه‌ها نباید فروگذاری کرد، تا موجبات تشویق و تولید برنامه‌ها و آثار مفید و سازنده انقلابی بیش از پیش فراهم آید.^{۱۱۰}

اصلاح نکته‌های بدآموز محصولات فرهنگی کودکان

کتاب و نشریات مربوط به کودکان و نیز برنامه‌های ویژه نونهالان در رسانه‌های گروهی از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است در این مورد لازم است کارشناسان مسایل تربیتی، عالمانه و با دقت و حوصله کافی همه آنها را بررسی و نکات قوت و ضعف آنان را ارزشیابی و در مورد کشف و اصلاح نکته‌های بدآموز اقدام کنند.^{۱۱۱}

لزوم آموزش شیوه‌های اسلامی پرورش کودک در خانواده‌ها

دست اندرکاران مسایل تربیتی باید در مورد شیوه پرورش کودکان به خانواده‌ها مستمراً آموزش دهند تا انتقال مفاهیمی چون محبت و احترام به کودک و آگاهی از زبان فرزند و هم‌زبانی با وی و ایجاد زمینه نشاط و سلامت جسمی و روانی از طریق ورزش و سرگرمیهای مناسب و بالاخره شناخت مواهب خدادادی و مفاهیم ارزشی وابسته به آنها قبل از ورود به دبستان و آموزشگاه مقدس خانواده بتواند با ظرافت لازم انجام گیرد. توصیه می‌کنم که در این باره علاوه بر مطالعه و تحقیق در زمینه‌های علمی و سودمند جدید، به فرهنگ غنی اسلام، روشنایی‌های قرآن و سیره اولیاء بزرگوار این فرهنگ توجه بیشتری بشود. تا مشاهده گردد که مثلاً پیامبر گرانقدر اسلام و پیروان وی چگونه کوچکترین نکات تربیتی را از نظر دور نمی‌داشتند و با داشتن مسئولیت اجتماعی در تاریخ، از گفتگوهای صمیمانه با کودکان غافل نمی‌شده‌اند.^{۱۱۲}

پرکردن خلأ تربیت خانوادگی با ایجاد صبر و حلم کودک

شما خلأ خانواده‌ها را پر کنید. خانواده‌هایی هستند عامی که از لحاظ تأثیرگذاری شخصیتی و روانی روی کودک بسیار قاصرند. پدر و مادرهای بی شخصیت هستند که بچه‌های بی شخصیت بار می‌آورند. شما باید این خلأها را پر کنید و در کودک زمینه‌ی صبر، حلم، ظرفیت برخورد با حوادث و تدین عمیق ایجاد کنید.^{۱۱۳}

آموزش مستمر تحکیم خانواده و فرزند پروری

با توجه به اساسی بودن پشتیبانی‌های سالم کانون خانوادگی در رشد کودک باید برای استحکام بیشتر خانواده و جلوگیری از شیوع و افزایش طلاق که به بی‌پناهی کودکان منجر می‌شود، همه‌گونه هماهنگی در زمینه‌های اجتماعی و قضایی فراهم آید و خصوصاً دست اندرکاران مسایل تربیتی در مورد شیوه پرورش کودکان و اهمیت و اصالت آن از آموزش مستمر به خانواده‌ها غافل نشوند.^{۱۱۴}

توجه به تاثیر بلند مدت رسانه‌ها بر ذهن و احساس کودکان

رادیو و تلویزیون، رسانه‌های گروهی و غیره بایستی بدانند و بفهمند که چه کاری با مغز، دل و احساس کودک انجام می‌گیرد. وقتی کودک برنامه‌های تلویزیونی را می‌بیند اثر آن امروز و فردا مشخص نخواهد شد بلکه اثرش در جذب‌ها، دفع‌ها، احساسات، خداجوئی‌ها، خداجوئی‌ها و یا خدانخواهی‌ها نشان داده خواهد شد.^{۱۱۵}

لزوم کارشبان‌روزی مسئولان فرهنگی کشور برای کودکان و نوجوان

حقیقتاً باید بگویم که اگر مسئولان امور فرهنگی کشور بخواهند مسأله‌ی کودک و نوجوان را آن‌چنان که هست، مورد اهتمام قرار دهند، من خیال می‌کنم خیلی از آن‌هایی که مسئولند، از ساعات خوابشان هم خواهند زد تا به این مسئله بپردازند. امروز قضیه‌ی تربیت کودک و

۱. همان

۲. همان

۳. پیام به سمینار علمی، آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۰۳/۱۲)

۱. پیام به سمینار علمی و آموزشی کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۰۳/۱۲)

۱. دیدار با گروه کودک و نوجوان رادیو (۱۳۷۱/۰۲/۰۱)

۲. پیام به مناسبت روز جهانی کودک (۱۳۶۷/۰۳/۱۱)

۱. دیدار با وزیر و گروهی از مسئولین آموزش و پرورش (۱۳۶۲/۰۶/۳۱)

نوجوان، با گذشته‌های دور حتی با گذشته‌های نه‌چندان دور، مثلاً با بیست سال پیش خیلی تفاوت کرده است.^{۱۱۶}

مسئولیت آموزش و پرورش؛ پرورش ثروت اصلی یک ملت

دو قشر با شما^{۱۱۷} سر و کار دارند که هر دو هم از قشرهای بسیار حساس کشور و جامعه ما و هر جامعه‌ای هستند: یکی قشر کودکان و نوجوانان و جوانان - دانش‌آموزان - یکی قشر معلمان. وقتی شما قشر جوان را پرورش می‌دهید، در واقع نیروی انسانی کشور را تربیت می‌کنید. هیچ کشوری بدون برخورداري از نیروی انسانی کارآمد، عالم، عاقل و متعهد، قادر نیست به پیشرفت نائل شود؛ ولو منابع زیرزمینی و ثروت‌های گوناگون داشته باشد. ثروت اصلی برای هر ملتی، نیروی انسانی است. شما این ثروت را از حالت بالقوه به بالفعل در می‌آورید؛ ببینید چقدر این کار حائز اهمیت است. قشر دیگری که شما مدیران و مسئولان آموزش و پرورش با آن‌ها سروکار دارید، معلمانند، که ادامه‌ی سلسله‌ی پیامبرانند. معلمی را نباید دست‌کم گرفت. شما با قشر وسیع و بزرگ معلمان که مستقیماً با دلها و مغزها و روحهای جوانان ما مواجهند و این عناصر بسیار گرانبها در دست‌ان آنها قرار دارند، سروکار دارید. مسئولیت عمده‌ی آموزش و پرورش این است که بتواند با این دو قشر، آن‌چنان که شایسته‌ی آن‌هاست، تعامل کند.^{۱۱۸}

آموزش و پرورش کلید اصلاح فرهنگ عمومی

اگر می‌خواهیم نسلی به وجود بیاید که اعتماد به نفس و انضباط اجتماعی داشته باشد؛ یک نسل مسئولیت‌پذیر و باعرضه و باکفایت برای کارهای بزرگ، یک نسل دارای ابتکار، یک نسل مهربان و بدون احساس انتقام‌گیری در درون خانواده‌ی بزرگ جامعه، یک نسل فداکار، یک نسل پُرکار، یک نسل کم اسراف و دور از اسراف؛ اگر می‌خواهیم فرهنگ عمومی جامعه به این سمت حرکت کند، راه و کلیدش آموزش و پرورش است. برای تربیت چنین نسلی، آموزش و پرورش باید مهیا و مناسب باشد.^{۱۱۹}

جدی گرفتن امور تربیتی در آموزش و پرورش

امور تربیتی‌ها که از اول انقلاب مطرح بود و بنده هم به وزیر محترم سفارش کردم و حالا هم عرض می‌کنم، باید جدی گرفته شود. خدا رحمت کند شهید «رجایی» و شهید «باهنر» را که عالمانه این بخش را فعال کردند. نمی‌شود در همه‌ی سطوح این بخش را از آموزش و پرورش حذف کرد؛ باید به آن توجه نمود.^{۱۲۰}

تعلیم حقیقی یعنی ساختن ذهن، فعال کردن مغز و ایجاد شوق

تعلیم کاری بسیار ظریف و دقیق است. تعلیم فقط این نیست که ما مجموعه‌ای از معلومات را در کاغذ بگذاریم و به دانش‌آموز بدهیم و بگوییم بخوان؛ بعد هم برهه‌ای از سال را معین کنیم تا بیايند امتحان دهند؛ این، تعلیم حقیقی نیست. تعلیم باید طوری باشد که ذهن را بسازد، مغز را فعال کند و در درجه‌ی اول، شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد نماید. کسانی که بدون شوق، رشته‌ای را می‌خوانند، هرچه در آن رشته معلوماتشان زیاد شود، کارایی آن کسی را پیدا نخواهند کرد که با شوق و ذوق به سمت آن رشته رفته است. در همه‌ی رشته‌های علمی همین‌طور است؛ باید این شوق و ذوق، چه در اساس معلومات، چه در رشته‌های خاص معلومات - که بناست شما پایه‌ی آن را از دوره‌ی راهنمایی بریزید و آماده کنید - در دل متعلم ایجاد شود تا در درون او، این فعالیت فکری و مغزی و این شوق قلبی و نیز تلاشی که معلم شما پیش دست دانش‌آموز می‌گذارد، او را به یک عالم واقعی تبدیل کند. فقط «علم» نیست؛ «تربیت» کنار علم حتماً هست، لذا شما آموزش و پرورشید.^{۱۲۱}

احیای اعتقاد، عمل و اخلاق اسلامی در دانش‌آموزان

به اعتقاد بنده آنچه که امروز بیش از همه چیز باید در آموزش و پرورش ما به آن توجه بشود، احیای اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی در دانش‌آموزان است. یعنی باید این گونه باشد که اگر کودکی از یک خانواده بی اعتقاد و بی مبالا نسبت به عمل و اعتقاد اسلامی به مدرسه می‌رود، و یا کودکی از خانواده‌ای که اعتقاد و مبالا نشان هم نسبت به افکار و عمل اسلامی بد نیست ولی به خاطر بی سواد و کمبودهای فکری

۱۱۶. دیدار با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۲۳/۰۲/۱۳۷۷)

۳. مدیران و مسئولان آموزش و پرورش

۱. دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۲۶/۰۴/۱۳۸۱)

۱۱۹. دیدار فرهنگیان و معلمان کرمان (۱۲/۰۲/۱۳۸۴)

۱۲۰. دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۲۶/۰۴/۱۳۸۱)

۱۲۱. دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش (۲۶/۰۴/۱۳۸۱)

و روانی والدین توانایی اثرگذاری روی طفل را ندارند، اگر از چنین خانواده هایی هم کودکی وارد محیط تحت تسلط آموزش و پرورش می شود، باید اینجا آن خلأها جبران بشود. یعنی این کودک هم علماً، هم عملاً، هم اعتقاداً و هم در رفتار و کردار تبدیل به یک آدم متدینی بشود. البته همه ی ما توجه داریم که یک انسان اسلامی فقط آن انسانی نیست که اعتقاد اسلامی داشته باشد و عمل اسلامی بکند، بلکه اخلاق اسلامی هم یک رکن اساسی است. والا اگر یک انسانی را دارای عقاید محکم اسلامی و عمل به معنای نماز و روزه و امثال ذلک فرض کنیم، لکن حسود و بخیل یا بدخواه و بی روحیه و بی اراده باشد، این انسان مسلمان نیست. انسان مسلمان بایستی در هر سه بعد، هم بعد تربیت، هم بعد دانش و هم بعد عمل کار کند؛ که البته به یک اعتبار این هر سه عمل است، یعنی اعتقاد هم نوعی عمل است. پس باید در مدارس بر این همت گماشت که فرزندان ما از لحاظ دینی، هم در قلمرو اعتقاد، هم در قلمرو تربیت و اخلاق و هم در قلمرو تعبد عملی انسانهای مسلمان بار بیابند. البته روحیه ی دانش دوستی هم جزء تربیت های اسلامی است. یعنی ما اگر بخواهیم اخلاق اسلامی را گسترش بدهیم دانش دوستی هم در آن مستتر است.^{۱۲۲}

سرلوحه و محور برنامه ها؛ انسان سازی و انتقال تفکر اسلامی

همه جا باید خودمان را تجهیز کنیم، و این تجهیز، یکی از مهمترین تدابیرش همین است که ما جوانان و نوجوانان و کودکان این مرز و بوم را اسلامی بار بیاوریم. من خیال می کنم سرلوحه و محور برنامه های آموزش و پرورش در تنظیم کتاب، در تربیت معلم، در نظارت بر کار بخشهای مختلف آموزش و پرورش، در نظارت بر کار آموزش دهندگان و داخل مدارس باید بر این باشد که ببیند آیا تفکر اسلامی منتقل می شود، یا نه؛ انسان سازی بر مبنای اسلام و مسلمان سازی کودکان در این مدارس انجام می گیرد، یا انجام نمی گیرد. هر چه ما در این جهت کمبود داریم، بایستی همت کنیم و آن کمبود را برطرف نماییم.^{۱۲۳}

خصلت های عظمت بخش و نیازهای فرهنگی نوجوان

نیازهای فرهنگی نسل جوان و نوجوان که امید فردای کشور ما است عمدتاً عبارت است از: استحکام بنیانهای اعتقادی و دینی، آشنایی با مبانی معرفتی اسلام و قرآن، شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت خود به ویژه در دوره های نزدیک به امروز، شناخت درست امام خمینی قله ی بلند تاریخ معاصر و اندیشه های سیاسی تابناک و پایه های حرکت عظیم انقلابی او، احساس عزت و سربلندی به خاطر درسی که ایرانیان در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به جهان دادند، فراگرفتن خصلتهایی که می تواند نسل کنونی را به اعتلاء و عظمت برساند مانند: دین داری و دانش پژوهی، وجدان کار و انضباط، شجاعت و پاکدامنی و جوانمردی، آگاهی سیاسی و خلوص انقلابی، امانت و محبت و برادری، و استقلال و آزادمندی.^{۱۲۴}

۱. همان

۱. دیدار با وزیر و معاونین وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۰/۱۰/۲۵)

۱. حکم انتصاب مجدد آقای دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما (۱۳۷۸/۰۳/۰۵)

نوجوانان بعد از انقلاب حساس ترین نسل تاریخ

نسل دانش آموزان کشور ما، حساس ترین نسل نوجوان در طول تاریخی است که در کشور خود در گذشته و یا احتمالاً در آینده خواهیم داشت؛ چرا که در مقطع و برهه حساسی مسئولیت را عهده دار خواهد شد.

نسل نوجوان ما قبل از پیروزی انقلاب و وظائفش این قدر حساس نبود. اما نوجوان ما به هنگامی مسؤول اداره کشور خواهد بود که انقلاب از آغاز خود فاصله گرفته و نسلی که انقلاب را بوجود آورده تعدادشان کم است و در چنین دوران دشواری که یقیناً توطئه ها و سوءنیتها از سوی عوامل داخلی و خارجی بیشتر و یا فعال تر از امروز خواهد بود، لازم است که برای دانش آموزان سرمایه گذاری شود.^{۱۲۵}

لزوم برنامه ریزی اخلاقی برای نوجوانان توسط متخصصان

من در همین جا، بعد از تشکر از زحمات مدیران و معلمان محترم این مدارس و مسئولان فرهنگی، به آنان عرض می کنم که هر چه می توانند، به این نوجوانان و نوباوگان و عزیزان توجه کنند. قبلها هم عرض کردیم که برای برنامه ریزی، متخصصان مسائل روان شناسی و کودک و متخصصان تعلیم و تربیت را مورد استفاده قرار بدهند؛ بخصوص تا آنجا که می شود، باید روی برنامه های اخلاقی این عزیزان تلاش بشود؛ چون دشمن مطمئناً برنامه های شومی برای این سرمایه ی بزرگ ملی ما خواهد داشت؛ باید مراقب بود.^{۱۲۶}

برنامه ریزی برای نوجوان متناسب با زمان ولی فراتر از فضای مقطعی

باید در نظر داشت که توجه به مسائل جوانان جدای از روند کلی جریانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی صحیح و ناصحیح جامعه، نادرست و بی بنیاد است و برنامه ریزان این امور از جمله خود جوانان و نوجوانان، باید فراتر از تأثیر جو و فضای حاکم که معمولاً سطحی، مقطعی و زودگذر است به کار خطیر و ارزشمند خود بپردازند.^{۱۲۷}

تدوین سیر مطالعاتی متنوع و متناسب نوجوانان

بارها اتفاق می افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه ی متصدیان امر کتاب- چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه ی کتابخانه ها- روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.^{۱۲۸}

ایجاد هیجان با سپردن تزئینات دهه ی فجر به نوجوانان

من دو، سه سال پیش در نماز جمعه گفتم که جوانان، نوجوانان، بچه مدرسه های ما و امثال اینها، در هر خانه ای که هستند، متعهد بشوند که کوجهای خودشان را با این کاغذهای رنگی تزئین کنند و خودشان را مشغول نمایند. این کار، چه اشکالی دارد؟ به مدرسه ها سفارش کنید، آن ها هم به بچه ها توصیه کنند. ما یک کلمه گفتیم، ولی در آن روز کسی دنبالش را نگرفت؛ حالا شماها این کار را از طرق خودش دنبال بکنید. مثلاً فرض کنید در سطح تهران، ده هزار پسر بچه ی جوان را چند روز مشغول این کار بکنید. با شوق و ذوق بیرون بیایند، نردبان بگذارند، بالا بروند، کاغذ رنگی قیچی کنند و به این نخها بچسبانند. اینجا بچسبانند، آنجا بچسبانند، این بچه پایین بیاید، آن بچه بالا برود، آن بچه تصحیح کند. این خودش یک هیجان است و احساس می کند که برای دهه ی فجر کاری می کند.^{۱۲۹}

مقابله با برنامه های بلند مدت فرهنگی دشمنان

با توجه به این که دستگاههای فرهنگی و تبلیغی استکبار جهانی با دید بلندمدت برای جذب نسل نواخته ما و عمدتاً جلب نوجوانان سرمایه گذاری ویژه ای مبذول داشته و می دارند، دستگاههای مسئول تنظیم برنامه های ویژه کودکان و نوجوانان در جمهوری اسلامی مشخص کنند، چه تدابیری برای مقابله و بی اثر کردن آن برنامه ها و سرمایه گذاریها اتخاذ کرده اند و چه نتایجی بدست آورده اند.^{۱۳۰}

۲. دیدار با فرهنگیان (۶۶/۲/۱۳)

۱. دیدار با فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه ی مدارس شاهد (۱۳۷۰/۰۶/۱۳)

۲. پیام به مجمع بررسی مسائل جوان و نوجوان (۱۳۶۶/۳/۱۹)

۱. دیدار مسئولان کتابخانه ها و کتابداران (۱۳۹۰/۰۴/۲۹)

۱. دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه ی فجر (۱۳۶۹/۱۰/۱۱)

۲. پیام به مناسبت روز جهانی کودک (۱۳۶۷/۰۳/۱۱)

حفظ سلامت مدارس از بدآموزی های اخلاقی و تربیتی

اگر ما در محیط مدارس فقط بتوانیم سلامت محیط را به گونه ای حفظ کنیم که کودک آلوده به بدآموزی های اخلاقی و تربیتی نشود، خود محیط انقلاب این کودک را رشد می دهد و پیش می برد.^{۱۳۱}

تقسیم علوم گرایش دادن دانش آموزان به اولویت های آموزشی

پیشرفت مراتب علم از اجزای اساسی کار شماسست که حتماً بایستی به آن توجه شود. لذا تقسیم علوم و پیدا کردن اولویت ها و اینکه امروز در این فصل و در این ده سال، پنج سال خیل دانش آموزان بایستی به چه علمی بیشتر گرایش داده بشوند، مسائل کاری و فنی شماسست که به آن واقف تر هستید.^{۱۳۲}

جذب نیم و جهت دهی استعداد های هنری توسط وزارت ارشاد

از ابتدا که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد، بایستی دفتر گزینش دایر می کرد و به سراغ کسانی که اهل نویسندگی، شعر، فیلم سازی، موسیقی حلال و دیگر رشته های هنری بودند، می رفت. حتی به سراغ کسانی می رفت که صدای خوبی برای خوانندگی داشتند. بنده گاهی اوقات که می بینم نوجوانی را به تلویزیون می آورند که از صدای خوبی برخوردار است، دلم می لرزد که آیا بناست این نوجوان، فردا، پس فردا خواننده ی خوب جبهه ی مستضعفین و جبهه ی حق شود، یا قرار است به خود و مادر و پدرش پولی بدهند، بعد هم ببرندش و یک استودیوی مجانی پر زرق و برق در اختیارش بگذارند و یکی دیگر بر خیل آدمهای ناباب اضافه کنند؟ دایر کردن چنان دفتر گزینشی در وزارت ارشاد لازم بود تا مراجعه کنندگان دارای استعداد هنری را جذب می کردند، یا حتی به سراغشان می رفتند.^{۱۳۳}

تقوای هنرمند زمینه تعالی آموزه های هنری

عزیزان من! شما هنرمندان خیلی می توانید به مردم خدمت کنید. مردم از شما می توانند یاد بگیرند. اگر هنرمند حقیقتاً آن تقوایی را که من گفتم، داشته باشد؛ یعنی وقتی شما این حرکت را انجام می دهید، این بخش را اجرا می کنید، یادتان باشد که یک عده جوان، یک عده کودک، یک عده زن و مرد به شما نگاه می کنند و نگاه خواهند کرد و از این چیزی خواهند آموخت و در صدد باشید که کارتان خوب و متعالی باشد، من خیال می کنم شما خیلی می توانید خدمت کنید.^{۱۳۴}

تکثیر محصولات رسانه ای عامل؛ غرق شدن کودک و نوجوان در تهاجم فرهنگی

من به بعضی از مسئولان تبلیغاتی کشور بارها گفته ام، آن روزی که شما توان و استعداد مقابله با تهاجم تبلیغاتی دشمن را داشته باشید، آن کسی که بیش از دیگران میدان دار تکثیر مطبوعات و روزنامه ها و کتاب و فیلم و غیره باشد، بنده هستیم؛ اما شما بگویید بینم در مقابل آن فیلمی که پایه های فرهنگ مردم، اعتقاد مردم، دین مردم، روحیه ی انقلابی و ایثار و شهادت را در مردم متزلزل می کند که نه یکی، نه دوتا، نه ده تاست شما چند فیلم ساخته اید؟! اینجاست که من احساس خطر می کنم.

البته کار اساسی و بلندمدت این است که برای تولید آنچه که خوب است، فکر کنیم؛ اما تا آنچه خوب است به میدان بیاید، من نمی توانم قبول کنم و بپذیرم که این سیل لجن بیاید و جوان و کودک و قشرهای مختلف را در خودش غرق کند. از تمام شیوه های دشمن شادکن و دشمن آموز برای مقابله ی با تفکر انقلاب استفاده شود.^{۱۳۵}

نگهداری از کودکان معلول؛ وظیفه ای همگانی

نگهداری از معلولین و عقب افتادگان و کودکان و بزرگانی که از سلامت جسمی برخوردار نیستند، یکی از بزرگترین صدقات و حسنات است. البته بهزیستی کشور، میدان دار این کار مهم است؛ اما من به همه ی ملت عزیزمان عرض می کنم: برای اینکه این کار سامان بگیرد، همه باید احساس مسئولیت کنند. خودتان را جای آن خانواده های بگذارید که یک کودک معلول و عقب افتاده ی ذهنی در میان خود دارند، تا ببینید چه حسنه ی بزرگی است که انسان بتواند به این سازمان کمک مالی و مادی و معنوی برساند! امیدواریم که خداوند، هم به آن ها کمک کند و خیر

۳. مصاحبه با مجله آینده سازان (۱۳۶۵/۰۷/۲۱)

۱. دیدار با وزیر و معاونین وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۰/۱۰/۲۵)

۱۳۳. دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور (۱۳۷۳/۰۴/۲۲)

۲. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته ی جوان (۱۳۷۷/۰۲/۰۷)

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹/۰۴/۱۹)

۲.۱. آسیب های فرهنگی

بیکاری عامل فساد و ضعف جوشش و شور و شوق برنامه اشتغال صحیح وقت دانش آموزان در تابستان نیز امر فوق العاده مهمی است. اغلب فسادها از بیکاری ناشی می شود و همین بیکاری است که آن جوشش و شور و شوق درونی انسان را که باعث پیشرفت او می شود، از بین می برد و یا ضعیف می کند.^{۱۳۷}

فقدان پدر به عنوان یکی از اساسی ترین نیازها

رسیدگی به وضع یتیمان، فقط یک ترحم شخصی و عاطفه ای معمولی نیست. کودکی که پدرش را از دست داده، انسانی است که یکی از اساسی ترین نیازهایش را از دست داده است و آن، نیاز به پدر است. باید به گونه ای جبران کنید. گرچه نمی شود جبران کرد، اما باید مواظب باشید که جوان، نوجوان یا کودک پدر از دست داده، ضایع نشود. «وَاللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْاٰیٰتِمْ فَلَا تُعْبُوْا اَنْفُسَهُمْ» مبدا بگذارید این ها گرسنگی بکشند! این طور نباشد که گاهی چیزی به این ها برسد و گاهی نرسد! «لا تغبوا» معنایش این است. از لحاظ وضع زندگی، به این ها برسید. «وَلَا یَضِیْعُوْا بِحَضْرَتِکُمْ» مبدا این ها ضایع بمانند و با بودن شما، مورد بی اعتنایی قرار گیرند. اگر حضور نداشته باشید، بی اطلاعید؛ اما مبدا حضور داشته باشید و یتیمی هر یتیمی مورد بی اعتنایی و اهمال قرار گیرد! نباید هر کسی فقط دنبال کار خودش باشد و کودک یتیم، تنها بماند.^{۱۳۸}

از دست دادن ایمان با افتادن در دام شهوترانی و اعتیاد

جوان وقتی دچار شهوت رانی می شود، ایمان خود را از دست می دهد؛ در اوایل کار حتی گریه می کند، اما به تدریج او را از راه به در می کنند. دشمنان، بچه های مدرسه ای و بچه های دبیرستانی و حتی راهنمایی ما را همین طور فاسد می کنند. یک نفر را پیدا می کنند مواد مخدر و عکس های وقیح را داخل مدرسه می برد و بین بچه ها پخش می کند.^{۱۳۹}

رواج اعتیاد و فساد اخلاقی کودکان در جوامع مدعی امنیت اجتماعی

همه روز شاهد فجایع و مفاصد فردی و اجتماعی جدید در میان جوامعی هستیم که در آنها سخن از امنیت اجتماعی کودکان به وفور رانده می شود؛ فجایعی همچون تعمیم اعتیاد و فساد اخلاقی و حتی جنسی به غنچه های پاک گلزار بشری و ایجاد خزان زودرس در آنان یا خرید و فروش کودکان معصوم ملتهای فقیر به وسیله ایادی کشورهای باصطلاح مرفعی و حتی اعمال وحشیانه تری که تصورش برای ملت ما دهشتناک است؛ چون فروش اعضا و اندام این اطفال بی گناه.^{۱۴۰}

کودک و نوجوان امروز در دسترس مراکز فرهنگی بیگانه

امروز کودک ما چه برسد نوجوان آگاهی و هوشیاری ای دارد که داده ی تردیدناپذیر جو و فضای انقلاب است. در گذشته این آگاهیها، این آزادیها و این روح استفهام و این میل به دانستن، نبود. دسترسی هایی هم وجود دارد که در واقع دسترسی کودک ما، یک منبع فرهنگی نیست؛ بلکه با دید درست، دسترسی مراکز هدایت کننده ی فرهنگ در سرتاسر دنیا برای القای مقاصد استعماری به کودک ماست. قضیه از این طرف مطرح است. وقتی که ما از یک متاع فرهنگی فاسد که از طرف دشمن کشور، دشمن مردم، یا لاقط یک بیگانه ی بی علاقه از اینکه دیگر کمتر نیست حرف می زنیم، بعضی خیال می کنند که ما از دسترسی های فرزندان خودمان ناراحت و نگران هستیم یا شکایتی داریم. می گویند: «آقا! جوانند، بگذارید بفهمند!» کانه ما می خواهیم جوانمان نفهمد! ما از دسترسی بیگانه به ذهن فرزند خودمان نگرانیم. قضیه از آن طرف، قابل مطالعه و بررسی است.^{۱۴۱}

۱۳۶. دیدار کارکنان وزارت آموزش و پرورش، «سازمان بهزیستی» و «سازمان تأمین اجتماعی» (۱۳۷۲/۰۴/۲۳)

۱۳۷. دیدار با مربیان امور تربیتی درسمینار امور تربیتی (۱۳۶۲/۰۳/۰۹)

۱۳۸. خطبه های نماز جمعه تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴ (۱۳۷۲/۱۲/۱۳)

۱۳۹. دیدار با روسای مناطق آموزش و پرورش و کارکنان رسانه های گروهی (۱۳۷۱/۰۵/۲۱)

۱۴۰. پیام به سمینار علمی و آموزش کودکان زیر ۶ سال (۱۳۶۶/۰۳/۱۲)

۱. دیدار با مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

تاثیر نگران‌کننده‌ی کالاهای فرهنگی بیگانه بر ذهن کودکان

بچه‌ی شما در آغوش شما، در مدرسه‌ی شما، در کتابخانه‌ی کانون و جلوی روی شماست و شما برای او فکری، آینده‌ای و امیدواری‌ای دارید. ناگهان مشاهده می‌کنید دسترسی یک نفر که حد اقل بیگانه است شما با این بچه خوشاوندید، شما معلمش، پدرش، یا مرتبش هستید؛ لیکن او بیگانه و بی‌علاقه به سرنوشت این بچه است به این بچه، از راه همین کالاهای فرهنگی متداول و رسانه‌های گوناگون خبری و فرهنگی، بیشتر از شماست! این، جای نگرانی است و امروز این وجود دارد؛ چه من و شما بخواهیم، چه نخواهیم!^{۱۴۲}

ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی هدفگیری فکری

امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوریهای جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آن‌ها می‌ریزند. باید در مقابل این‌ها ایستاد.^{۱۴۳}

۱.۳. وضعیت کودکان در جنگ‌ها

طاغوتها عامل آوارگی بیست میلیون کودک

در خبرها می‌گفتند بیست میلیون کودک بی‌پدر و مادر یا شبیه بی‌پدر و مادر آواره‌ی بدبخت و نیز صدها میلیون گرسنه در دنیا هست. طاغوتها هستند که انسانها را این‌طور دچار چنین بدبختی‌هایی می‌کنند. راه خدا، راه عزت، کرامت، آسایش زندگی و پرورش خوب نفوس طیبه است. این، راه خداست.^{۱۴۴}

سکوت مدعیان حقوق بشر در برابر کشتار کودکان

الآن در قبال وقایعی که در بوسنی هرزگوین اتفاق می‌افتد (همین نسل‌کشی و ورود مغمول وار نیروهای صرب به شهر سربرنیتسا که مع‌الاسف در حد اعلائی فاجعه‌آفرینی، در آنجا، در مقابل چشم دولتها و ملت‌های مادی غرب، اتفاق می‌افتد) هیچ عکس‌عملی مشاهده نمی‌شود. ادعا می‌کنند که از نقض حقوق بشر در منطقه‌ای از دنیا ناراحت می‌شوند! آیا این راست است؟! آیا کشته شدن هزاران زن و کودک و در معرض قتل عام قرار گرفتن یک شهر چند هزار نفری و ویرانه شدن خانه‌ها و آواره شدن خانواده‌ها، نقض حقوق بشر نیست؟!^{۱۴۵}

منظره‌ی پراحساس کشته‌ی کودک فلسطینی

قضایای فلسطین دل هر انسان غیرتمندی را و لو زیاد تدین هم نداشته باشد خون می‌کند و راحت و آرام را از او می‌گیرد. کیست که منظره‌ی حمل پراحساس کودک یکی دوساله‌ای را که کشته شده است، ببیند و بتواند راحت بخوابد؟!^{۱۴۶}

کودک‌کشی در فلسطین جلوی چشم همگان

الآن شما ببینید در فلسطین چه اتفاق می‌افتد! خانه را خراب می‌کنند، زن را می‌کشند، کودک را می‌کشند؛ جلوی چشم همه هم می‌کشند، اما این آقایان طرفدار حقوق بشر کمترین عکس‌عملی نشان نمی‌دهند. آن وقت می‌گویند ما در ایران دنبال حقوق بشر می‌گردیم!^{۱۴۷}

کشتار روزمره‌ی کودکان، واقعه‌ی عجیب تاریخی

امروز کشته شدن جوان، کودک، پیرمرد و پیرزن فلسطینی و غیر مسلح فلسطینی یک کار روزمره شده؛ این چیز عجیبی است؛ این حادثه‌ی بی‌است که واقعاً تاریخی است؛ این در تاریخ خواهد ماند.^{۱۴۸}

۱۴۲. همان

۱. دیدار با روحانیون (۱۷/۰۸/۱۳۸۵)

۲. دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲۶/۰۶/۱۳۷۶)

۱۴۵. دیدار فرماندهان و اعضای «نیروی انتظامی» به مناسبت «هفته‌ی نیروی انتظامی» (۲۱/۰۴/۱۳۷۴)

۱. دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید سعید فطر (۰۷/۱۰/۱۳۷۹)

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۲۴/۱۱/۱۳۸۲)

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۵/۰۸/۱۳۸۳)

حمایت از سیاست کودک کشی در غزه

این رژیم وحشی و گرگ صفت که سیاستش این است که با مشت آهنین، با بی رحمی و سنگ دلی با مردم رفتار بکند و آدم کشی و کودک کشی و حمله‌ی به مناطق و ویرانگری اصلاً برایش مهم نیست و انکار هم نمیکند، عاجز شدن و نابود شدن نیست.

یک منطقه‌ی کوچک، یک وجب زمین به نام غزه، این جور هواپیماها، موشکها، نیروی زمینی، تانکها [به آن حمله کنند]، انواع و اقسام آتش باری نسبت به این مردم صورت بگیرد؛ واقعاً چیز عجیبی است. این همه کودک کشته بشود، این همه خانه ویران بشود، زندگی مردم در خانه‌ی خودشان این قدر تلخ و همراه با زجر و شکنجه باشد، آن وقت حضرات از این حمایت کنند، از این دفاع کنند.^{۱۴۹}

کشتار کودکان لبنانی توسط صهیونیست های بچه کش

در درگیریهای اخیر در لبنان، قضیه اساساً از این هم بالاتر است. صهیونیستها، کودکی را در لبنان کشتند. مبارزان لبنانی به انتقام خون آن کودک، به اسرائیل حمله‌ای محدود کردند. ولی اسرائیل، دست به این حمله‌ی وسیع و همه جانبه زد. در همین حمله‌ی همه جانبه هم، باز چندین کودک کشته شده‌اند. الان بیشترین کشته‌های لبنان - آن طور که به ما خبر داده‌اند - کودکان هستند. صهیونیستهای بچه کش! ببینید فاجعه، چقدر آشکار و بین است! چقدر گناه، بزرگ است! چقدر حقیقت روشن است!^{۱۵۰}

حمله گرگ آدم خوار صهیونیست به «قانا»

الآن نزدیک یک ماه است که گرگ درنده‌ی وحشی آدمی خوار صهیونیست به جان مردم لبنان افتاده است؛ از «حزب الله»، مجاهد فی سبیل الله، تودهنی می خورد؛ ولی بر روی سر کودک مسلمان در «قانا» و در بقیه‌ی نقاط لبنان بمب می ریزد؛ با رزمندگان مجاهد فی سبیل الله نمی تواند مقابله کند؛ شکست می خورد؛ تلافی اش را سر مردم بی گناه، انسانهای مظلوم، کودکان، خانه‌های مردم، زیربناهای کشور، در می آورد. این، یک مصیبت بزرگ است!^{۱۵۱}

میلیون ها کودک بی سرپناه برزیلی

برزیل امروز هفتمین یا هشتمین قدرت اقتصادی دنیاست؛ اما در آنجا چند میلیون کودک وجود دارد که این ها نه پدر و مادر دارند، نه سرپناه دارند، نه مسکن دارند؛ شبها در کوچه‌ها می خوابند، در کوچه‌ها هم پرورش پیدا می کنند، در همان کوچه‌ها هم یا کشته می شوند و یا می میرند! ما نباید دنبال این زندگی برویم.^{۱۵۲}

۱.۳. الگوی های نوجوانان

انتخاب الگو در چهار چوب معارف اسلامی

فرض بفرمایید بعضیها یک هنرپیشه را الگوی خودشان قرار دهند. خوب؛ این خیلی منطقی نیست. مثلاً یک هنرپیشه خارجی را الگوی خودشان قرار دهند. این نمی تواند منطقی باشد. محیط او محیط دیگر و زندگی او زندگی دیگری است. یک انسان مسلمان؛ یک نوجوان مسلمان و ایرانی که برایش عزت ایران، سربلندی و آینده ایران و آینده نسل خودش، آن هم در چهار چوب معارف و احکام اسلامی مطرح است، نمی تواند خارج از این چهار چوب ها الگو انتخاب کند.^{۱۵۳}

خصلت های بالا در دوران پر مشقت کودکی و نوجوانی

یک نگاه اجمالی به زندگی پیامبر اکرم در دوران کودکی بیندازیم. پدر آن بزرگوار، بنا بر روایتی قبل از ولادتش، و بنا بر روایتی دیگر چند ماه بعد از ولادتش از دنیا می رود و آن حضرت پدر را نمی بیند. به رسم خاندانهای شریف و اصیل آن روز عربستان که فرزندان خودشان را به زنان پاکدامن و دلاری اصالت و نجابت می سپردند تا آن ها را در صحرا و در میان قبایل عربی پرورش دهند، این کودک عزیز چراغ خانواده را

۱۴۹. بیانات در دیدار دانشجویان (۱۳۹۳/۰۵/۰۱)

۱۵۰. دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش (۱۳۷۵/۰۱/۲۸)

۲. دیدار گروه‌های مختلف مردم به مناسبت میلاد باسعادت علی بن ابی طالب (ع) (۱۳۸۵/۰۵/۱۷)

۳. جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی (۱۳۷۷/۱۲/۰۴)

۱. گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان (۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

به یک زن اصیل نجیب به نام حلیمه‌ی سعدیه که از قبیله‌ی بنی سعد بود سپردند. او هم پیامبر را در میان قبیله‌ی خود برد و در حدود شش سال آن کودک عزیز و آن درّ گرانبها را نگه داشت؛ به او شیر داد و او را تربیت کرد. لذا پیامبر در صحرا پرورش پیدا کرد. گاهی این کودک را نزد مادرش جناب آمنه می‌آورد و ایشان او را می‌دید و سپس باز برمی‌گرداند. بعد از شش سال که این کودک از لحاظ جسمی و روحی پرورش بسیار ممتازی پیدا کرده بود جسماً قوی، زیبا، چالاک، کارآمد؛ از لحاظ روحی هم متین، صبور، خوش اخلاق، خوش رفتار و با دید باز، که لازمه‌ی زندگی در همان شرایط است به مادر و به خانواده برگردانده شد. مادر این کودک را برداشت و با خود به یثرب برد؛ برای اینکه قبر جناب عبد الله را که در آنجا از دنیا رفت و در همان جا هم دفن شد زیارت کنند. بعدها که پیامبر به مدینه تشریف بردند و از آنجا عبور کردند، فرمودند قبر پدر من در این خانه است و من یادم است که برای زیارت قبر پدرم، با مادرم به اینجا آمدم. در برگشتن، در محلی به نام ابواء، مادر هم از دنیا رفت و این کودک از پدر و مادر هر دو یتیم شد. به این ترتیب، ظرفیت روحی این کودک که در آینده باید دنیایی را در ظرفیت وجودی و اخلاقی خود تربیت کند و پیش ببرد، روز به روز افزایش پیدا کرد. ام ایمن او را به مدینه آورد و به دست عبد المطلب داد. عبد المطلب مثل جان شیرین از این کودک پذیرایی و پرستاری می‌کرد. در شعری عبد المطلب می‌گوید که من برای او مثل مادرم. این پیرمرد حدود صدساله که رئیس قریش و بسیار شریف و عزیز بود آن چنان این کودک را مورد مهر و محبت قرار داد که عقده‌ی کم‌محبته‌ی در این کودک مطلقاً به وجود نیاید و نیامد. شگفت‌آور این است که این نوجوان، سختیهای دوری از پدر و مادر را تحمل می‌کند، برای اینکه ظرفیت و آمادگی او افزایش پیدا کند؛ اما یک سرسوزن حقارتی که احتمالاً ممکن است برای بعضی از کودکان این طوری پیش بیاید، برای او به وجود نمی‌آید. عبد المطلب آن چنان او را عزیز و گرامی می‌داشت که مایه‌ی تعجب همه می‌شد. در کتابهای تاریخ و حدیث آمده است که در کنار کعبه برای عبد المطلب فرش و مسندی پهن می‌کردند و او آنجا می‌نشست و پسران او و جوانان بنی هاشم با عزت و احترام دور او جمع می‌شدند. وقتی عبد المطلب نبود یا در داخل کعبه بود، این کودک می‌رفت روی این مسند می‌نشست. عبد المطلب که می‌آمد، جوانان بنی هاشم به این کودک می‌گفتند بلند شو، جای پدر است. اما عبد المطلب می‌گفت نه، جای او همان جاست و باید آنجا بنشیند. آن وقت خودش کنار می‌نشست و این کودک عزیز و شریف و گرامی را در آن محل نگاه می‌داشت. هشت‌ساله بود که عبد المطلب هم از دنیا رفت. روایت دارد که دم مرگ، عبد المطلب از ابی طالب پسر بسیار شریف و بزرگوار خودش بیعت گرفت و گفت که این کودک را به تو می‌سپارم؛ باید مثل من از او حمایت کنی. ابی طالب هم قبول کرد و او را به خانه‌ی خودش برد و مثل جان گرامی او را مورد پذیرایی قرار داد. ابی طالب و همسرش شیرزن عرب؛ یعنی فاطمه‌ی بنت اسد؛ مادر امیر المؤمنین تقریباً چهل سال مثل پدر و مادر، این انسان والا را مورد حمایت و کمک خود قرار دادند. نبی اکرم در چنین شرایطی دوران کودکی و نوجوانی خود را گذارند.

خصال اخلاقی والا، شخصیت انسانی عزیز، صبر و تحمل فراوان، آشنا با دردها و رنجهایی که ممکن است برای یک انسان در کودکی پیش بیاید، شخصیت درهم‌تنیده‌ی عظیم و عمیقی را در این کودک زمینه‌سازی کرد. در همان دوران کودکی، به اختیار و انتخاب خود، شبانی گوسفندان ابی طالب را به عهده گرفت و مشغول شبانی شد. این‌ها عوامل مکمل شخصیت است. به انتخاب خود او، در همان دوران کودکی با جناب ابی طالب به سفر تجارت رفت. بتدریج این سفرهای تجارت تکرار شد، تا به دوره‌ی جوانی و دوره‌ی ازدواج با جناب خدیجه و به دوران چهل‌سالگی که دوران پیامبری است رسید.^{۱۵۴}

علیؑ الگوی نوجوانان جویای حقیقت

نوجوان های ده‌ساله و دوازده‌ساله و سیزده‌ساله می‌توانند به علی اقتدا کنند؛ او را الگوی خودشان قرار بدهند. چرا؟ چون او در ده یازده‌سالگی، اول کسی بود که اسلام را شناخت و پذیرفت و به دنبال پیغمبر راه افتاد. این، خیلی مهم است. یک کودک ده یازده‌ساله حقیقت را در میان آن همه دشمنی و انکار بشناسد و پای آن بایستد و برای آن سر از پا نشناسد.^{۱۵۵}

قاسم بن الحسن نوجوان نمونه‌ی تربیت شده‌ی اهل بیتؑ

قاسم بن الحسنؑ یکی از جوانان کم‌سال دستگاه امام حسین است. نوجوانی است که «لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُم»^{۱۵۶}؛ هنوز به حد بلوغ و تکلیف نرسیده بوده است. در شب عاشورا، وقتی که امام حسینؑ فرمود که این حادثه اتفاق خواهد افتاد و همه کشته خواهند شد و گفت شما بروید و اصحاب قبول نکردند که بروند، این نوجوان سیزده، چهارده‌ساله عرض کرد: عمو جان! آیا من هم در میدان به شهادت خواهیم رسید؟ امام

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۲۳/۰۲/۱۳۷۹)

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی بن ابی طالب (ع) (۰۶/۰۵/۱۳۸۶)

۲. زندگانی حضرت ابی عبدالله الحسین سیدالشهدا (ع)، تألیف ابوالقاسم سبحان، ص ۴۸۴

حسین خواست که این نوجوان را آزمایش کند به تعبیر ما فرمود: عزیزم! کشته شدن در ذائقه‌ی تو چگونه است؟ گفت: «أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ»^{۱۵۷}؛ از عسل شیرینتر است. ببینید؛ این، آن جهت‌گیری ارزشی در خاندان پیامبر است. تربیت‌شده‌های اهل بیت این گونه‌اند. این نوجوان از کودکی در آغوش امام حسین بزرگ شده است؛ یعنی تقریباً سه، چهارساله بوده که پدرش از دنیا رفته و امام حسین تقریباً این نوجوان را بزرگ کرده است؛ مرتبی به تربیت امام حسین است.^{۱۵۸}

دوران کودکی حضرت زهرا^{علیها السلام} در شرایط سختی و بایکوت پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم}

این بزرگوار^{۱۵۹}، در سال پنجم بعثت متولد شده است. یعنی در اوج و شدت دعوت پیغمبر؛ عین شدت و سختی و فشار. اینکه شنیده‌اید در ولادت آن بزرگوار، زنها نیامدند، خیلی معنی دارد! یعنی پیغمبر در حال مبارزه بود؛ آنچنان مبارزه‌ای که مردم مکه او را بایکوت کرده بودند. به کل، رابطه‌هاشان را بریده بودند، برای اینکه او را زیر فشار قرار دهند. و آن زن فداکار - خدیجه‌ی کبری^{علیها السلام} - استقامت کرد و به پیغمبر دلگرمی داد. بعد هم این دختر رسید.^{۱۶۰}

نوازش و زدودن غبار غم از پدر

این دختر، در حالی که بزرگ میشد و به پنج، شش سالگی میرسید، ماجرای شعب‌ابیطالب پیش آمد. در آن گرسنگی‌ها، سختی‌ها، فشارها، غربتها؛ در آن روزهای داغ از آفتاب و شبهای سرد از هوای آن منطقه. در حالی که بچه‌ها با شکمهای گرسنه و لبهای تشنه، جلو چشمشان پرپر میزدند. سه سال پیغمبر، در بیابانهای اطراف مکه اینطور زندگی میکرد و این دختر، در این دوران سخت، فرشته‌ی نجات پیغمبر بود. در همین دوران بود که خدیجه^(سلام الله علیها) از دنیا رفت. در همین دوران بود که ابوطالب از دنیا رفت و پیغمبر، تک و تنها ماند. در این حال، این دختر بود که نوازشش میکرد، از او پذیرایی میکرد، دلداری‌اش میداد و غبارغم و کدورت را از چهره‌ی او میزدود.^{۱۶۱}

کمال یافتگی فاطمه^{علیها السلام} در غمگساری و تحمل مشکلات

دختری که در کوره‌گداخته مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابیطالب یار و غمگسار پدر بود، دختری بود که حدود ۷-۸ سال یا یکی، دو سه سال (بنابر اختلاف روایات، کمتر یا بیشتر) سن داشت و در عین حال آن شرایط دشوار را تحمل کرد. در شرایطی که خدیجه از دنیا رفت، ابوطالب از دنیا رفت و پیغمبر تنها و بی‌غمگسار است و همه به او پناه می‌آورند، کیست که غبار غم را از چهره او بزاید؟ یک وقتی خدیجه بود که الان نیست، ابوطالب بود که الان نیست، در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگیها و تشنگیها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابیطالب (که از دورانهای سخت زندگی پیغمبر است) که در یک شکاف کوه با همه مسلمانان معدود در حال تبعید اجباری زندگی میکردند، در این شرایط این دختر مثل فرشته‌ی نجاتی برای پیغمبر، مثل مادری برای پدر خود و مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بر دوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینجاست آن چیزهایی که یک آدم را به کمال میرساند.^{۱۶۲}

ام ابیها و تکیه‌گاه پدر در فقدان مادر

این بزرگوار در دوران کودکی، آن وقتی که در شعب ابیطالب همه‌ی راههای عافیت بر مسلمانان و وجود مقدس نبی اسلام بسته شده بود؛ نه امکانات زیستی، نه امکانات رفاهی، نه آسودگی خاطر، دایم دغدغه‌ی تهاجم دشمنان، دایم خبرهای بد، صدای گریه‌ی کودکان از گرسنگی بلند، انواع ناراحتیهایی که در آن دره‌ی خشک وجود داشت و این عده خانواده مسلمان برای مدت سه سال مجبور به اقامت شده بودند، چه سختیها کشیدند و همه‌ی این سختیها هم از مبدأ یکایک این انسانها از کوچک و بزرگ حرکت میکرد و روی دوش پیامبر اسلام می‌نشست؛ چون رهبر بود. چون همه به او متکی بودند. همه دردها را پیش او می‌آوردند، همه‌ی فشارها را او حس میکرد. در یک چنین وضعیتی سرشار از سختی و محنت و فشار و ناراحتی ناشی از دعوت در راه خدا و صبر در راه خدا، اتفاقاً در همین ایام جناب ابیطالب هم از دنیا می‌رود، جناب خدیجه کبری^{علیها السلام} هم در مدت کوتاهی به رضوان الهی و لقاءالله میپیوندد و پیامبر تنهای تنهاست. آن وقت این دختر چند ساله - حالا بنا به اختلاف روایات، پنج ساله، شش ساله، هفت ساله، ده ساله - تنها کسی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه میکند. او مثل مادر از پدر

۳. الهدایة الکبری، ص ۲۰۴

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۷۷/۰۲/۱۸)

۱۵۹. حضرت زهرا (س)

۱۶۰. دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۱/۰۹/۲۵)

۱۶۱. همان

۱. دیدار جمعی از زنان (۱۳۷۱/۹/۲۵)

بزرگوار خود پذیرایی میکند که این قضیه فاطمه‌ی «ام‌ابیها»^{۱۶۳} مربوط به این جاست.

شهدا مدرسان شجاعت، صفا و طهارت به نوجوانان

نباید پنداشت که با گذشت دوازده سال از پیروزی و دو سال از پایان جنگ تحمیلی، خاطره‌ی شهدای عزیز انقلاب و جنگ، کمرنگ شده، از یادها زدوده خواهد شد. به عکس، آن چهره‌های مقدس، در حاله‌ی نور و طهارت، روز به روز باید در ذهن ملت ما با عظمت‌تر و چون چهره‌های اسطوره‌ای قهرمانان بزرگ، محبوب‌تر و رفیع‌تر گردد و نام آن‌ها و یاد آن‌ها به همه، مخصوصاً جوانان و نوجوانان، درس عظمت و شجاعت و تقوا و صفا و طهارت بدهد و خواهد داد.^{۱۶۴}

۱.۳. نوجوان ایرانی

نقش تعیین کننده‌ی نوجوانان در پیروزی انقلاب و بعد از آن

در پیروزی انقلاب اسلامی جوانان و نوجوانان ما نقش اساسی و تعیین کننده‌ی داشتند و محصلین مدارس در جمع انبوه ملت ما و در راهپیمایی‌های چند میلیونی و حوادث خونین انقلاب حضور فعال خود را به اثبات رساند.

نسل نوی ما رسالت خود را چه در دوران انقلاب و چه در حوادث دشوار پس از آن به انجام رساند.

آن روزی که دشمنان انقلاب و منافقین در سراسر کشور دست به آشوب و فتنه‌انگیزی زدند و همچنین در دورانی که جنگ از سوی دشمن متجاوز و با حمایت قدرتهای بزرگ بین‌المللی به ما تحمیل شد باز نقش جوانان در دفاع از آرمانهای انقلاب یک نقش درخشان و برجسته بود.^{۱۶۵}

شهادت طلبی نوجوانان ایرانی

افتخار سرداران بزرگ جنگ در جهان این است که با یک طرح دهها تانک دشمن را به دام انداخته و نابود کرده‌اند. لکن نوجوانان ما با روحیه شهادت طلبی خود بارها هنر خود را در این زمینه به منصفه ظهور رسانده‌اند.^{۱۶۶}

شهادت نوجوان برانگیزاننده‌ی طوفان در دل ملت‌های دنیا

دیدید نوجوانی را که در آغوش پدرش به قتل رسید؟!^{۱۶۷} این تنها مورد نبود؛ موارد دیگری هم وجود داشته‌است. عظمت این حرکت آن قدر زیاد است که این‌گونه فداکاریها به چشم خود آن‌ها بزرگ نمی‌آید؛ همچنان که در دوران جنگ تحمیلی، شما آن قدر فداکاری کردید که به چشم خودتان نمی‌آمد؛ اما فداکاریهای شما دنیا را خیره کرد. امروز هم ملت فلسطین همین‌طورند؛ به چشم خودشان نمی‌آید، اما دنیا را خیره می‌کند. یک شهادت مثل شهادت آن نوجوان در آغوش پدرش توفانی در دل‌های ملت‌های دنیا برمی‌انگیزد. این‌ها بسیار ارزشمند است.^{۱۶۸}

اسطوره‌ی شهادت زیبای نوجوان سیزده ساله

امروز «روز جوان و نوجوان» است و مناسبت آن هم شهادت یک نوجوان بسیجی شهید حسین فهمیده است. این از آن مواردی است که شخصیت‌های حقیقی، به نماد و به حقایق اسطوره‌گون تبدیل می‌شوند. ما در تاریخ خود از این موارد بسیار داریم. ای بسا حوادثی که امروز وقتی گفته شود، از بس عجیب است همه تصور کنند که اسطوره و افسانه است؛ اما حقیقت است. نمونه‌های آن را ما در زمان خودمان بارها و بارها دیده‌ایم و شنیده‌ایم و از جمله‌ی زیباترین آن‌ها، شهادت این نوجوان بسیجی است. او سیزده ساله بود؛ اما بارش، باشعور، باراده و مصمم، که کشور خود را می‌شناخت، امام خود را می‌شناخت، دشمن خود را می‌شناخت، اهمیت وجود و فعالیت خود را هم می‌شناخت و رفت این

۱۶۳. دیدار با فرماندهان و مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۶/۶/۲۶)

۲. پیام به خانواده‌های معظم شهدا (۱۳۶۹/۱۱/۱۸)

۱. پیام به دانش‌آموزان به مناسبت آغاز دهه دوم انقلاب اسلامی (۱۳۶۷۶۷/۱۱/۱۲)

۱۶۶. دیدار با اعضای کاروان وحدت اصفهان (۱۳۶۴/۴/۲۹)

۱۶۷. محمدالدوره نوجوان سیزده ساله فلسطینی

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی (ع) (۱۳۷۹/۰۷/۲۹)

سرمایه را تقدیم عزت کشور و آینده‌ی انقلاب و منافع و مصالح مردم کرد. جسم او رفت؛ اما روحش زنده ماند، یادش ابدی شد و خاطره‌اش به صورت اسطوره درآمد. این الگوست.^{۱۶۹}

محیط ایمانی برای پرورش ذهن پاک نوجوان

شما نوجوانان بدلیل ذهن پاکتان برای فراگیری اعمال نیک از خوشبخت ترین افراد جامعه هستید.

شما اکنون در محیط فساد تحصیل نمی کنید، بلکه در حکومتی مؤمن به خدا با اخلاق اسلامی و برابری و صلح و صفا زندگی کنید.^{۱۷۰}

۱.۳. وظایف نوجوان

نقش فوق العاده همت و اراده‌ی نوجوان در تربیت خود

وقتی ما می دانیم موضوع تربیت، انسان است^{۱۷۱}، پس دانش آموز می تواند مهمترین نقش را در تربیت خودش داشته باشد؛ زیرا اگر برای تربیت یک بوته ی گل، شرایط مناسبی از قبیل آب و کود و هوا فراهم کنند و بخار لازم را به او بدهند بدون اینکه خواست خود بوته‌ی گل تأثیر داشته باشد رشد خواهد کرد؛ اما در مورد انسان این طور نیست و فقط در دوران کودکی انسان که جنبه‌ی حیوانیش بیشتر است بدون خواست خودش تربیت می شود. لکن در آن هنگامی که انسان به عقل و اراده می رسد در آنجا اراده و خواست خود اوست که همه‌ی تلاش ها و فعالیت هایی که برای تربیتش می شود کمک می کند تا او را به یک رشد لازم برساند. بنابراین نقش محصل و دانش آموز در تربیت خودش یک نقش فوق العاده مهمی است و وظایفش در این رابطه این است که فکر کند، گوش بدهد، یاد بگیرد و عمل بکند و مهمتر از همه ی اینها همت بگمارد به این که آنچه به او داده می شود فرا بگیرد و این همت است که یادگیری و گوش دادن و تعقل کردن را در او به وجود می آورد.^{۱۷۲}

خودسازی فکری، اخلاقی و نظامی دانش آموزان در مدارس

دانش آموزان کشور باید خود را برای مقابله با دشمنان انقلاب در درازمدت آماده کنند و در مدرسه ها به خودسازی فکری، اخلاقی و نظامی مجهز شوند و شما بچه هایی که امروز جنایت دشمنان را به چشم می بینید، بعد از این نسل وظیفه مبارزه با دشمنان را بر دوش دارید. باید خود با همه قدرت برای حفظ انقلاب- که متعلق به شماست- به مقابله با دشمن پردازید. سهم دانش آموزان در انقلاب بسیار زیاد است و در هیچ جای دنیا نظیر ندارد.^{۱۷۳}

خودسازی روحی ایمانی والگوی نوجوانان عالم

آینده متعلق به شماست و باید خود را از لحاظ فکری روحی ایمانی و جسمی برای مقابله با دشمنان جهانی این انقلاب مقدس بسازید تا بتوانید خود، ملت، کشور و انقلاب اسلامی را در سطح شایسته ای قرار دهید و ان شاء... برای جوانان و نوجوانان عالم الگویی شوید.^{۱۷۴}

اسوهی جهانی شدن با کسب علم کمال و ایمان

در این مجال، با اشاره به عصیان جوانان و نوجوانان در نظام صنعتی کنونی جهان، ذکر این نکته بسیار مهم، ضروری می نماید که عصیان جوانان از دیدگاه ما واکنش فطرت و جوهره الهی و آرمانخواه و حقیقت طلب و جستجوگر جوانان و نوجوانان در نظام ناسالم غرب است که هرچند از کوره راه های غلطی می رود، اما ریشه در خشم فطرت انسانی در برابر انحرافات، ستمها، شهوت پروری ها، مال اندوزی های سردمداران مترف و مسرف و ظالم و ستمکار شرق و غرب دارد. نظام فاسد جهانی به نوبه خود برای سرکوبی ندای فطرت جوانان و نوجوانان، اوقات فراغت آنان را با شکل تجاری دادن به آن و با بهره گیری از حساسیت جنسی، به منظور تسری بدآموزی ها و تعمیم انحرافات اخلاقی پر می کند و این خیانتی عظیم به موجودیت انسانی این نسل خروشنده و بالنده است.

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۷۷/۰۸/۰۸)

۲. دیدار دانش آموزان ممتاز دبستان و مدرسه راهنمایی شهید باهنر (۱۳۶۰/۱۲/۳)

۱۷۱. س: با توجه به این که انقلاب اسلامی نهایتاً يك انقلاب فرهنگی ست و به تحول فرهنگی انسان ها می اندیشد و با توجه به رشد دانش آموز در آن ستین خاص که حساسیت های زیادی دارد، ابعاد تربیتی نظام و ویژگی هایی را که دانش آموز می بایستی طی کند تا به مراحل رشد در این نظام تربیتی دست یابد، بیان فرمایید.

۱. مصاحبه با مجله آینده سازان (۱۳۶۵/۷/۲۱)

۱. دیدار امام جمعه، دانش آموزان و نماینده مردم بیهقان در مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۲/۸/۱۳)

۲. پیام به دانش آموزان به مناسبت آغاز دهه دوم انقلاب اسلامی (۱۳۶۷/۱۱/۱۲)

در این جا وظیفه ای مضاعف در برابر دیدگاه نسل نوپای انقلاب اسلامی رخ می نماید که به سلاح علم و کمال و ایمان و اخلاق و اخلاص و ایثار مجهز شوند، تا اسوه نسل جوان در سراسر اقطارجهان باشند.^{۱۷۵}

تصمیم برای قرارگرفتن در زمره‌ی انسانهای بزرگ

ما امروز از دانش آموزان مان با توجه به نیازی که جامعه و آینده و تاریخ به وجود آنها دارد بیش از همه چیز این را می خواهیم که تصمیم بگیرند انسانهای بزرگ بشوند. هر کودکی یا نوجوان و یا جوانی در هر محیطی متولد شده باشد و در هر خانواده ای بزرگ شده باشد که امروز در یک محیط تحصیلی دارد کار می کند، باید با تلفیق به خودش امیدوار باشد یک شخصیت برجسته ای خواهد شد که نه فقط ایران و ملتش بلکه جهان را می تواند تحت تأثیر اراده خودش قرار بدهد. و همانطور که امروز دنیا روی اشارت و آری و نه رهبر ما حساب می کند و همه حرکاتش روی مسائل جهان تأثیر می گذارد، این شخصیت در یک خانواده متوسط در یکی از روستاهای خمین به دنیا آمده و شاید هیچ کس از جمله خود ایشان تصور نمی کرد که چنین آینده ای در انتظارش باشد. پس همه کودکان می توانند امیدوار باشند یک چنین آینده ای داشته باشند و ما از آنها می خواهیم همت گمارند و با انگیزه سعی کنند یک شخصیت برجسته ای شوند زیرا وقتی این نیت را کردند و به دنبال همت گماشتند و برای این کار آماده شدند، آن وقت یادگیری، فکر کردن، تعقل کردن، تکرار کردن درس و وقت گذاشتن همه اینها به دنبال خواهد آمد.^{۱۷۶}

خواستن آرزوهای بزرگ و کوچک از خدا

هر چه بخواهد عیبی ندارد؛ یعنی نوجوان، آرزوهایی دارد دیگر. گاهی آرزوهای انسان در یک اتاق خلاصه می شود در اتاق خودش که در خانه دارد، یا با خانواده اش زندگی می کند یعنی خیلی کوچک است؛ همان را هم از خدا بخواهید، مانعی ندارد. از خدا همه چیز بخواهید؛ یعنی هیچ چیز را نگویید کوچک است، یا بد است که از خدا بخواهیم همه چیز را می شود از خدا خواست.^{۱۷۷}

انس با نهج البلاغه و صحیفه سجادیه

عزیزان با نهج البلاغه انس پیدا کنید. نهج البلاغه، خیلی بیدار کننده و هوشیار کننده و خیلی قابل تدبر است. در جلساتتان، با نهج البلاغه و کلمات امیرالمومنین انس پیدا کنید. اگر خدای متعال توفیق داد و یک قدم جلو رفتید، آن وقت با صحیفه ی سجادیه - که علی الظاهر فقط کتاب دعاست؛ اما آن هم مثل نهج البلاغه، کتاب درس و کتاب حکمت و کتاب عبرت و کتاب راهنمای زندگی سعادت‌مندان ی انسان است - انس بگیرید.^{۱۷۸}

حضور آگاهانه در همه‌ی صحنه‌ها

نقش کارساز و انکارناپذیر جوانان و دانش آموزان کشور در پیروزی انقلاب اسلامی و سپس مقاومت آگاهانه در جهت حفظ دستاوردهای گرانبهای انقلاب، بر کسی پوشیده نیست. این نقش عظیم بخصوص پس از تجاوز رژیم عراق و شروع جنگ تحمیلی روز بروز آشکارتر گردید و آنان که با دلیری و سربلندی، انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانده بودند، در صحنه های دفاع از حریم وطن و دفع تجاوز دشمن و صیانت از انقلاب اسلامی نیز با قهرمانی مقاومت کردند و حماسه ها آفریدند. حضور دانش آموزان جوان که امید انقلاب اسلامی اند هم در صحنه نبرد با دشمن خارجی و هم در عرصه پیکار با ضد انقلاب داخلی، حضوری آگاهانه و خودجوش بوده و هست. آنان در همان حال که در مرزهای کشور با دشمن خارجی می جنگیدند، در محیط مدرسه نیز با عوامل ضد انقلاب سرگرم نبرد بودند. هوشیاری این جوانان حق طلب و خداجو، در همه صحنه ها، نقشه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب را خنثی کرده است و به حول و قوه الهی از این پس نیز خنثی خواهد کرد.^{۱۷۹}

۱. پیام به مجمع بررسی مسائل جوان و نوجوان (۱۳۶۶/۳/۱۹)

۱۷۶. مصاحبه با مجله آینده سازان (۱۳۶۵/۰۷/۲۱)

۱۷۷. گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان (۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

۲. دیدار با دانشجویان دانشگاه شریف (۱۳۷۸/۰۹/۰۱)

۱۷۹. دیدار با فرهنگیان (۱۳۶۶/۰۲/۱۳)

اسلامی کردن محیط مدارس با اخلاق و تدبیر انجمن های اسلامی

انجمنهای اسلامی را در همه جا می پسندم از جمله در مدارس، به خصوص در مدارس راهنمایی و دبیرستان و وظیفه عمده آنها را هم این می دانم که محیط مدرسه را یک محیط اسلامی کنند و این با اخلاق خوب و تدبیر و استفاده از مظاهر اسلامی بیشتر ممکن است تا با استفاده از زور و تلخگویی.^{۱۸۰}

انقلابی و اسلامی کردن محیط دبیرستانها

امروز خودتان را بسازید. دانشگاه ها را بسازید، محیط دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید. محیط دبیرستانها را هم همین طور. از هر چیزی که محل به یگانگی در راه خدا و انقلاب باشد پرهیز کنید تا بتوانید دانشگاهی بسازید که فردای ایران را تأمین، جمهوری اسلامی را در مقابل دشمنان و بدخواهان روسفید و ملت ایران را در مقابل دوستان و امیدواران عالم روسفید کند. محیط دبیرستانها هم همین طور.^{۱۸۱}

تلاش برای خود کفایی و ساختن ایران آزاد، متفق و قدرتمند

ما امروز برای حرف زدن با کودکان و نوجوانان دانش آموز هیچ مشکلی نداریم، انقلاب امروز نوجوانان ما را رشد داده و همه مفاهیم انسانی و انقلابی را بخوبی درک می کنند. ای سربازان شهید راه انقلاب و ای صاحبان اصلی جمهوری اسلامی، شما هستید که می باید پایه های این انقلاب و خود کفایی ملت را در آینده محکم کنید.

شما [دانش آموزان] آن نسلی هستید که در آینده دنیا متوجه شما خواهد بود و یک ایران آزاد و متفق و قدرتمند به دست شما عزیزان ساخته خواهد شد.^{۱۸۲}

قانع نبودن به پیشرفتهای علمی و معنوی

نوجوانان و جوانان در راه پیشرفت های معنوی و علمی نباید به هیچ حدی قانع باشند بلکه باید تلاش نمایند تا با موفقیت های علمی سهم بیشتری از دین بزرگ خود را اداء نمایند.^{۱۸۳}

احساس مسئولیت دانش آموزان تیزهوش در قبال رشد دانش کشور

امروز، کسانی که می توانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه مضاعف کنند؛ چون دشمن نمی خواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم. روی پای خود ایستادن، آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بجوشد و ما دست گدایی به سمت دشمنانمان دراز نکنیم. استعدادهای خوب و برجسته، دانش آموزان تیزهوش و کسانی که می توانند برای آیندهی کشور مفید باشند، بایستی خیلی احساس وظیفه و مسئولیت کنند. البته خیلی هم باید خوشحال باشند که علی رغم میل دشمنان، می توانند برای کشور و ملتشان مفید و مؤثر باشند.^{۱۸۴}

ساختن آینده با درس خواندن و کسب اندیشهی اسلامی عمیق

ما اگر چشم به فردای این انقلاب داریم به امید شما (دانش آموزان) است و شما فقط به درس خواندن نباید اکتفا کنید. درس خواندن کار اصلی شماست اما درس در کنار بینش درست، در کنار اندیشه اسلامی عمیق، در کنار روحیات و اخلاقیات صحیح و اسلامی. این چیزی است که شما را برای آینده به معنای حقیقی کلمه خواهد ساخت.^{۱۸۵}

تعلیم و تربیت دانش آموزان مشخص کنندهی آیندهی کشور

شما عزیزان پیام آور آیندهای روشن و امیدبخش برای انقلاب اسلامی هستید. شما پروردهی بهترین دورانهای این سرزمین می باشید.

۱۸۰. مصاحبه با مجله آینده سازان (۱۳۶۵/۷/۲۱)

۱۸۱. دیدار با دانش آموزان و دانشجویان (۱۳۷۱/۰۸/۱۳)

۱۸۲. سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی در یکی از جنوبی ترین مدارس تهران (۱۳۶۲/۰۷/۰۲)

۱. دیدار جمعی از دانش آموزان برگزیده المپیادها با رهبر انقلاب (۱۳۸۱/۰۸/۰۴)

۲. دیدار با دانشجویان و طلاب حوزه علمیه (۱۳۶۸/۰۹/۲۹)

۳. به مناسبت بازگشایی مدارس (۱۳۶۴/۰۷/۰۱)

شما عزیزان دانش آموز باید به این نکته توجه داشته باشید که تربیت و تعلیم شما تکلیف آینده این مملکت را مشخص خواهد کرد.^{۱۸۶} تأمین بهداشت، سلامت و تربیت کودکان وظیفه‌ای دینی و مقدس‌ترین کار در خانواده است. دوران کودکی به خاطر تأثیرپذیری شدید کودک در شش سال اول زندگی اهمیت ویژه‌ای در تکوین شخصیت افراد و نقشی سرنوشت‌ساز در زندگی دارد و از آنجا که کودکان موجوداتی مستعد و فطرتاً پاک می‌باشند، لازم است که حفظ سلامت و طهارت آنها در برنامه‌ریزی متولیان تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد. سن بلوغ، اساس ساختن و ساخته شدن و درخشنگی در آینده است لذا اسلام برای دوران نوجوانی ارزشگذاری مضاعفی نموده است. بنابراین ساختن آینده در گرو شناخت جایگاه و اهمیت تربیت کودک و نوجوان به عنوان بالاترین گنجینه‌های ملت می‌باشد. بر این اساس مقام معظم رهبری ضمن تبیین این ضرورت، اصولی را در تعلیم و تربیت کودک و نوجوان ذکر کرده اند که به طور خلاصه عبارتند از:

الف: نقش عوامل مادی در تربیت

ازدیاد نسل؛ از آنجا که در پیشرفت مادی و معنوی کشور وجود نیروی جوان و نوجوان تأثیری تعیین کننده دارد لذا علاوه بر تأکید بر تربیت صحیح نسل جدید ازدیاد نسل نیز در ساختن آینده حائز اهمیت است و نمی‌توان از آن غفلت کرد.

تغذیه با شیر مادر؛ تغذیه با شیر مادر به عنوان بهترین غذا و دارو برای کودک می‌باشد.

بهداشت؛ توجه به بهداشت و طب پیشگیری به خصوص در مورد اطفال مورد تأکید قرار گرفته است و به طور قطع زمانی تربیت صحیح اتفاق می‌افتد که جهات دنیایی تربیت نظیر غذا، ورزش، سیاحت و تفریح مورد غفلت واقع نشود.

ب. رشد فکری و روحی

پرورش؛ در اندیشه اسلامی پرورش اگر از آموزش مهم‌تر نباشد، کمتر نیست ذهن کودک لوح سفید و آماده‌ای است که نیازمند ساختن و پرورش می‌باشد که با تعلیم حاصل نمی‌شود لذا در پرورش روحی کودک و نوجوان شکل‌دهی هویت انسانی در آغاز کودکی، پرورش اخلاقی کودکان، تقویت روح اعتماد به نفس و باور به هویت خود حائز اهمیت است.

تقویت مبانی استدلالی؛ لازم است مبانی فکری و استدلالی دانش آموزان را از طریق آثار شهید مطهری و دیگر بزرگان تقویت شود.

توجه به تفاوت‌های فردی؛ سلامت و تربیت دو عامل مؤثر در حفظ کودکان به عنوان سرمایه‌های آینده به شمار می‌رود و در این مسیر از توجه به تفاوت‌های فردی در تعلیم و تربیت نباید غفلت کرد.

اعتماد به نفس؛ باید سعی کنیم که دانش‌آموزان ما از دوران مدرسه، روح اعتماد به نفس را و اینکه می‌توان با تحلیل و انگیزه و فهم خودی، مسایلی را حل کرد؛ در خود حفظ و تقویت کنند.

ذهن‌های مولد و مبتکر؛ برای تربیت ذهن‌های مولد و مبتکر، آماده‌سازی کودکان امری لازم و ضروری به شمار می‌رود و بطور خاص عادت دادن کودکان به تفکر از طریق تدریس فلسفه می‌تواند گامی مؤثر در این جهت باشد.

ج: نقش ادبیات در تربیت

آموزش ادبیات؛ آموزش صحیح ادبیات به کودکان باعث پیشبرد زبان فارسی در آینده می‌گردد.

قصه‌های خوب؛ با استفاده از ابزار ادبیات می‌توان اهداف تربیتی نظیر نهادینه کردن ایمان و ساختن شخصیت کودکان را با قصه‌های خوب دنبال کرد.

شعرهای حکمت‌آمیز؛ می‌توان مفاهیم حکمت‌آمیز را از طریق شعر به کودکان آموخت و حکمت‌های سیاسی و اسلامی را در اشعار کودکانه جای داد.

د: تربیت دینی

فطرت پاک و کمال‌جو؛ در تربیت معنوی کودکان توجه خاص به فطرت پاک و کمال‌جوی آنان امری ضروری است. اما نوع آموزش باید فراخور روح کودک باشد؛ در این راستا و به خاطر شرایط ویژه‌ی بلوغ بر مبلغین لازم است در جهت تربیت معنوی نوجوانان در مراکز آموزشی حضور یابند.

ایمان و عقاید؛ یکی از ابعاد تعلیم و تربیت، تربیت دینی می‌باشد که در آن ایمان الهی نقشی تعیین کننده دارد، چرا که عامل امنیت درونی و بیرونی و ثبات شخصیت و یکی از عناصر مؤثر در شکل‌گیری شخصیت‌های عظیم و مفید می‌باشد، به همین خاطر آبادی آینده‌ی کشور در گرو متدین‌بار آوردن کودکان امروزی است. در این راستا لازم است تقویت ایمان در نوجوانان از طریق بشارت و انذار صورت گیرد و عقاید به صورت

ساده به دور از استدلالات فلسفی ارائه گردد.

تقوا؛ بعد دیگر تربیت دینی، آموزش رعایت تقوا به کودکان و نوجوانان است. تقوا، به معنای پرهیز از خطا و گناه و اشتباه و آلودگی و ناپاکی و انحراف از راه و پیروی از هوسها و دل سپردن به خط مستقیم تکلیف و وظیفه می‌باشد و شرط توفیق در هر راهی است. لذا تقوای نوجوان؛ پرهیز از اشتباه و سرگرمیهای مغلّ در می‌باشد و روزه راه تمرین کسب تقوا در دوره‌ی نوجوانی و آغاز بلوغ است.

قرآن؛ راه رشد جامعه‌ی اسلامی فهم قرآن در کودکی است و انس با قرآن در کودکی نعمتی بسیار بزرگ به شمار می‌رود. فراگیری قرآن در نوجوانی و جوانی یک ذخیره‌ی مادام‌العمر می‌باشد. لذا در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه‌ی قرآن آشنا کرد و با ایجاد محیط‌های قرآنی زمینه ساز پیشرفت قاریان نوجوان شد. دوران نوجوانی زمانی مناسب برای حفظ قرآن است؛ مناسب است از طریق بر نامه‌های تشویقی، دانش آموزان را برای حفظ قرآن ترغیب نمود. بی شک جامعه‌ی اسلامی زمانی محقق می‌گردد که کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی یابد و آموختن و تدبّر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج گردد.

ه: خانواده

حفظ ایمان فرزندان؛ نقش خانواده و جامعه در تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک نقشی غیر قابل انکار و پراهمیت می‌باشد، دین مقدس اسلام وظیفه‌ی حفظ ایمان خانواده و فرزندان را بر عهده‌ی مرد قرار داده و فرزندان مؤمن را روشنی چشم و دل والدین در قیامت دانسته است. **سلامت عاطفی؛** تربیت کودک از بزرگترین کارهای آفرینش و تأمین سلامت عاطفی و روحی کودکان وظیفه والدین است.

ارزشگذاری کار مادر؛ تربیت صحیح همراه با عواطف و رعایت دقت وظیفه‌ی مهمّ زن و بهترین روش تربیت، آغوش پر مهر و محبت مادر است، به همین خاطر لازم است که بر کار زنان خانه دار که به خاطر تربیت فرزند از مشاغل بیرون منزل چشم پوشی می‌کنند ارزش گذاری شود.

و: معلمان و مربیان

شغلی با افتخار و عبادی؛ معلمان و مربیان در تربیت کودکان و نوجوان نقش تعیین کننده دارند. مربیگری کودک شغلی با افتخار و قداست، کاری اساسی و موجب رضای خداست و چقدر مقرون به صرفه است که انسان کارش، زندگی‌اش، شغلش چیزی باشد که هر لحظه‌ی آن می‌تواند عبادت باشد.

تأثیرگذار ترین نقش در تربیت؛ نقش تربیتی معلّم بر تمام عوامل تأثیرگذار در تربیت غلبه دارد حتی این نقش در هویت نسل جدید پررنگتر از نقش والدین می‌باشد. چشمه‌های استعداد در وجود انسانها به همت معلّم جریان پیدا می‌کند و منشاء عمیقترین احساسات، عواطف و حالات در افراد و تبدیل کننده‌ی کودک خام به انسان آگاه معلّم است و از همین رو دلسوزی و درست اندیشیدن معلّم در اصلاح جامعه تأثیر دارد.

منتقل کننده‌ی ویژگی‌های مثبت؛ دانش آموزان در دوران بلوغ و شکل‌یابی شخصیت در اختیار معلّم هستند لذا لازم است معلّمان با سخن، منش و رفتار خود ویژگی‌های مثبت را به دانش آموزان انتقال دهند.

نقش معلّم در تربیت معلمان و دانشمندان؛ مصلحان اجتماعی و دانشمندان برجسته تربیت شده‌ی معلّمانند و در واقع همه‌ی دستهای قدرت‌مندی که تاریخ را به حرکت درآورده‌اند، به دست معلّمان قدرت پیدا کرده‌اند؛ معلّمان بوده‌اند که آنها را کارآمد کرده‌اند. و در حال حاضر نیز حفظ سرمایه و تأمین آبروی کشور در گرو شگوفایی استعداد نوجوانان به دست معلّمان می‌باشد.

تأثیر صحبت معنوی معلمان؛ در فرهنگ اسلامی تزکیه و تربیت بالاتر از تعلیم است. صحبت معنوی معلّمان در ساختن شخصیت مطلوب از کودکان تأثیرگذار است و متدین‌بار آوردن بچه‌ها رضایت الهی را در پی دارد؛ لذا لازم است معلّمان از فرصتهای مختلف برای جایگزینی عقاید دینی در عمق ذهن دانش آموزان استفاده کنند.

در صف مقدم جهاد فرهنگی؛ تربیت کودک نوعی جهاد است و معلّم، در صف مقدم این جهاد قرار دارد. معلّم، پایه گذار توسعه‌ی فرهنگی و سیاسی در کودک است. این قشر با عزیزترین، آسیب‌پذیرترین و مؤثرترین اقشار یعنی خیل عظیم جوانان و نوجوانان مواجهند؛ و از آنجا که مبارزه با ظلم و جور و بی‌عدالتی را با هشیاری و ایمان کامل، با تلاش همه‌جانبه از سوی قشرهای مختلف مخصوصاً قشرهای جوان و نوجوان باید انجام داد؛ وظیفه معلّمین آن است که با تقویت ایمان، ایستادگی در برابر مطامع بیگانگان و دشمنان را به دانش آموزان بیاموزانند.

ز: وظایف متولیان تربیت

حفظ و مراقبت؛ کودکان تأثیرپذیرترین افراد از عوارض طبیعی و معنوی هستند و حفظ و مراقبت عمومی از گنجینه‌ی ارزشمند کودکان و رفع موانع رشد و اجرای صحیح اصول تربیت کودک از وظایف مسئولان واحد مردم می‌باشد

قانون گذاری؛ لازم است مسایل خاص مقاطع سنی کودکان در قانون گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد. و رسیدگی به امور تربیتی، روانی و

بهداشتی کودکان، مخصوصاً در سال‌های آغاز زندگی در صدر مسأله انسانی، مورد التفات و اهتمام مسؤولان و کارگزاران نظام باشد. به همین خاطر لازم است میزان تحقق اهداف اسلامی در امور تربیتی کودکان و همچنین عملکرد مسئولین از لحاظ همت و صداقت برای تقویت اقدامات آتی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

نقدی رسانه‌ها؛ از آنجا که رسانه‌ها بر ذهن کودکان تأثیری بلند مدت دارند و تکثیر محصولات رسانه‌ای در وضع کنونی باعث غرق شدن کودک و نوجوان در تهاجم فرهنگی می‌شود نقدی محصولات رسانه‌ای - مربوط به کودکان - در جهت اصلاح نکته‌های بدآموز و تولید محصولات بهتر، امری لازم است.

آموزش خانواده؛ آموزش مستمر خانواده‌ها در جهت تحکیم خانواده و فرزند پروری ضروری است. در این راستا باید شیوه‌های اسلامی پرورش کودک را در خانواده‌ها نهادینه کرد و خلأ تربیت خانوادگی را با ایجاد صبر و حلم در کودک ترمیم کرد.

تربیت نسلی باکفایت؛ آموزش و پرورش کلید اصلاح فرهنگ عمومی و تربیت نسلی باکفایت است و مسئولیت آن؛ پرورش کودک و نوجوان به عنوان ثروت اصلی یک ملت می‌باشد به همین خاطر جدی گرفتن امور تربیتی در این نهاد و احیای اعتقاد، عمل و اخلاق اسلامی در دانش آموزان امری لازم است.

انتقال تفکر اسلامی؛ باید توجه داشت که تعلیم حقیقی ساختن ذهن، فعال کردن مغز و ایجاد شوق می‌باشد پس انسان‌سازی و انتقال تفکر اسلامی و حفظ سلامت مدارس از بدآموزی‌های اخلاقی و تربیتی باید سرلوحه و محور برنامه‌ها قرار گیرد. **برنامه‌ریزی اخلاقی و اولویت بندی آموزشی؛** نوجوانی دوره‌ای حساس در زندگی است و نوجوانان بعد از انقلاب حساسترین نسل تاریخ می‌باشند لذا لازم است؛ اولاً برنامه‌ریزی اخلاقی برای نوجوانان توسط متخصصان انجام گیرد. ثانیاً این برنامه‌ها متناسب با زمان ولی فراتر از فضای مقطعی باشند. ثالثاً با تقسیم علوم، دانش آموزان را به سمت اولویتهای آموزشی سوق داد.

تدوین سیرهای مطالعاتی؛ یکی از بایدها برای برنامه‌ریزان مرتبط با نوجوانان تدوین سیرهای مطالعاتی متنوع و متناسب برای قشر نوجوان است.

آشنا سازی نوجوانان با انقلاب؛ آشنا سازی نوجوانان با انقلاب یکی از وظایف مسئولان است. که در این راستا برای ایجاد هیجان و آشنایی نوجوانان با انقلاب می‌توان تزئینات کوچه و خیابان دهه‌ی فجر را به نوجوانان سپرد

جذب وجهت دهی؛ هنر یکی از مقولات مورد توجه نوجوانان و موثر در آینده‌ی انقلاب و فرهنگسازی برای انقلاب می‌باشد لذا برای مقابله با برنامه‌های بلندمدت فرهنگی دشمنان لازم است وزارت ارشاد برای جذب وجهت دهی استعدادهای نوجوان اقدام کند.

ح: آسیب های فرهنگی واجتماعی

بیکاری عامل فساد و ضعف؛ امروز در جوامع مدعی امنیت اعتیاد و فساد اخلاقی کودکان شیوع دارد و در جامعه مانیز کودک و نوجوان در معرض آسیبهای فرهنگی زیادی هستند که در این میان بیکاری عامل فساد و ضعف جوشش و شور و شوق درونی می‌باشد.

فقدان ایمان؛ فقدان ایمان عامل افتادن در دام شهوترانی و اعتیاد به شمار می‌رود از طرف دیگر کودک و نوجوان امروزی در معرض تهاجم مراکز فرهنگی بیگانه قرار دارد و کالاهای این مراکز تأثیرات نگران کننده‌ای بر ذهن کودکان می‌گذارد.

آوراگی و کشتار کودکان؛ وضعیت کودکان در جنگها نیز به نوبه‌ی خود شایان توجه می‌باشد چراکه آوراگی بیست میلیون کودک در دنیا یکی از دستاوردهای جنگ طلبی و سلطه‌جویی طاغوت می‌باشد. امروزه در حالی که کودک کشی در لبنان و فلسطین یکی از سیاستهای رژیم صهیونیستی است؛ مدعیان حقوق بشر در برابر آن سکوت اختیار کرده‌اند.

ط: الگوهای نوجوانان

انتخاب بهترین افراد؛ یکی از نکات مهم در تربیت افراد انتخاب صحیح سرمشق والگو در زندگی است. یک انسان مسلمان؛ یک نوجوان مسلمان و ایرانی که برایش عزت ایران، سربلندی و آینده ایران و آینده نسل خودش اهمیت دارد؛ الگویی که برای خود انتخاب می‌کند باید، در چهارچوب معارف و احکام اسلامی باشد و نمی‌تواند خارج از این چهارچوبها الگو انتخاب کند. بهترین افراد برای الگو و سرمشق قرار گرفتن شخصیت‌های جامع ائمه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند.

خصلت های والای پیامبر صلی الله علیه و آله؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این جهت که با وجود زندگی پرمشقت در دوران کودکی دارای خصلتهای والای انسانی

هستند؛ الگویی مناسب برای همه و به ویژه نوجوانان می‌باشند.

علی (ع) **جوای حقیقت**؛ حضرت علی (ع) الگوی مناسبی برای افراد جویای حقیقت می‌باشند.

کمال یافتگی حضرت زهرا (ع)؛ کمال یافتگی حضرت زهرا (ع) با وجود سختیهای دوران کودکی و تکیه‌گاه بودن ایشان برای پیامبر در فقدان مادر بعضی از جهاتی است که می‌تواند به عنوان سرمشق مورد استفاده قرار گیرد.

شهادت مدرسان شجاعت؛ اگر بخواهیم از بین غیر معصومین الگویی برای نوجوان امروز بیابیم بی‌شک شهدا مدرسان شجاعت، صفا و طهارت می‌باشند.

ی: نقش و وظایف نوجوان ایرانی

تاثیرگذاری در پیروزی در انقلاب؛ نقش نوجوانان در پیروزی در انقلاب اسلامی و بعد از آن نقشی تاثیر گذار بوده است. و امروز «روز جوان و نوجوان» در جمهوری اسلامی شهادت یک نوجوان بسیجی یعنی شهید حسین فهمیده است.

فداکاری و شهادت؛ فداکاری و شهادت نوجوانان برانگیزاننده‌ی طوفان در دل ملت‌های دنیاست بعلاوه‌ی اینکه نوجوانان ایرانی با شهادت طلبی در دفاع مقدس باعث فتوحاتی شدند که در جنگ‌های دنیا از افتخارات سردان بزرگ می‌باشد.

خودسازی؛ نوجوانی دوره‌ای حساس در زندگی است و برای استفاده صحیح از این دوره نوجوانان وظایفی دارند که یکی از این وظایف خودسازی می‌باشد. خودسازی در نوجوانی اراده‌ی آنان را می‌طلبد. و باید توجه داشته باشند که با کسب علم، کمال و ایمان می‌توان در زمره‌ی انسانهای بزرگ قرار گرفت و اسوه جهانی شد، اما برای نیل به این اهداف از ارتباط با خدا، انس با نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و قانع نبودن به پیشرفتهای علمی و معنوی نباید غافل شد.

حضور آگاهانه؛ در بعد اجتماعی انجمن‌های اسلامی مدارس فرصت خوبی است تا دانش آموزان به وسیله‌ی آن محیط مدارس را اسلامی کنند. حضور آگاهانه در همه‌ی صحنه‌ها و تلاش برای خود کفایی و ساختن ایران آزاد، متفق و قدرتمند از دیگر وظایف دانش آموزان می‌باشد. **ساختن آینده‌ی کشور**؛ دانش‌آموزان تیزهوش در قبال رشد دانش کشور مسئولیت بیشتری دارند. چرا که ساختن آینده‌ی کشور با درس خواندن و کسب اندیشه‌ی اسلامی عمیق امکان پذیر می‌باشد.

۱- پاداش بارداری و شیردهی

قال رسول الله ﷺ: إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ، الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظْمَتِهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعَدْلِ عَتَقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا، وَقَالَ: اسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ؛ فَقَدْ غَفِرَ لَكَ؛

هنگامی که زن باردار می‌شود، به سان روزه دار شب زنده دار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می‌کند و هنگامی که باز بگذارد، پاداشی دارد که نمی‌دانی عظمت آن چه قدر است و هنگامی که شیر بدهد، در هر مَلک زدن، پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل برای اوست و آن گاه که شیر دادن تمام شود، فرشته‌ای بر پهلو او می‌زند و می‌گوید: عمل را از نو آغاز کن که بی‌تردید، آمرزیده شدی.

(الأمالی صدوق: ص ۶۹۴ ح ۸۷۶)

۲- خوردن رطب بعد از زایمان

قال علي (ع)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ النُّفْسَاءُ الرُّطْبَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَرْيَمَ: وَهَزِي إِلَيْكَ بِجُدْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا^{۸۷} قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَوْانَ الرُّطْبِ؟ قَالَ: سَبْعُ تَمَرَاتٍ مِنْ تَمْرِ الْمَدِينَةِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَسَبْعُ تَمَرَاتٍ مِنْ تَمْرِ أَمْصَارِكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَعِزِّي وَجَلَالِي وَعَظْمَتِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا تَأْكُلُ نُّفْسَاءُ يَوْمَ تَلِدُ الرُّطْبَ فَيَكُونُ غُلَامًا الْإِلَاحَانَ حَلِيمًا، وَإِنْ كَانَتْ جَارِيَةً كَانَتْ حَلِيمَةً؛ رطب، باید نخستین چیزی باشد که زائومی خورد؛ چرا که خداوند متعال به مریم [پس از تولد مسیح] فرمود: «وتنه درخت خرما را به سوی خود تکان ده، بر تو خرمای تازه فرو می‌ریزد.»

گفته شد: ای پیامبر خدا! اگر وقت رطب نباشد؟

فرمود: «هفت خرما از خرماي مدینه. اگر نبود، هفت خرما از خرماي شهرهايتان؛ چرا که خداوند عز و جل می‌فرماید: به عزت و جلال و عظمت و والایی جایگاهم سوگند، زائو، روز زایمان رطب نمی‌خورد، مگر این که فرزند او، پسر باشد یا دختر، بردبار خواهد شد.»

۳- سلامت نسل

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِذَا بُشِّرَ بِوَلَدٍ لَمْ يَسْأَلْ أَذْكَرُ هُوَ أَمْ أُنْثَى حَتَّى يَقُولَ أَسْوِيٌّ فَإِذَا كَانَ سَوِيًّا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي خَلْقًا مُشَوَّهًا؛

وقتی حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام را به ولادت مولودی بشارت میدادند، نمی‌پرسید پسر است یا دختر بلکه از اندام معتدل و ساختمان سالم او سؤال میکرد. چون خبر سلامتش را میشنید، میگفت خدای را شکر که از من خلق ناقص و ناسالمی نیافرید.

(کافی: ج ۶، ص ۱۲)

۴- غسل ۱۸۸

قال الصادق علیه السلام: غسل المولود واجب؛

غسل نوزاد، لازم است.

(کافی: ج ۳ ص ۲۰۴ ح ۲)

۵- لباس نوزاد

لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ الْحَسَنَ قَالَتْ لِعَلِيٍّ سَمِّهِ فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ رَسُولَ اللَّهِ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَخْرَجَ إِلَيْهِ فِي خُرْقَةٍ صَفْرَاءَ فَقَالَ أَلَمْ أَنْهَكُمُ أَنْ تَلْفُوهُ فِي خُرْقَةٍ صَفْرَاءَ ثُمَّ رَمَى بِهَا وَأَخَذَ خُرْقَةً بَيْضَاءَ فَلَفَّهُ فِيهَا؛

وقتی فاطمه علیها السلام حسن علیه السلام را به دنیا آورد، به علی علیه السلام گفت: برایش نامی برگزین! علی علیه السلام گفت: من در نامیدن وی به رسول خدا پیشی نمی‌گیرم. تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و علی علیه السلام را در پارچه‌ی زردی به نزدش برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مگر من به شما نگفته بودم، که بچه را با پارچه‌ی زرد نپوشید؟ سپس آن پارچه را کناری نهاد و بچه را با پارچه‌ی سفید پوشانید.

(وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۹۰۴)

۶- کام برداشتن کودک ۱۸۹

قال باقر علیه السلام: حَنِكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَبِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيمَاءِ السَّمَاءِ؛

کام فرزندان خود را آب فرات و تربت امام حسین بردارید و اگر دریافت نشد، کام آنان را با آب باران بردارید.

(کافی: ج ۶، ص ۴۲)

۷- نامگذاری ۱۹۰

قِيلَ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام؟ أَنَا نَسَبِي بِأَسْمَائِكُمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِكُمْ، فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِي وَاللَّهِ وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؛

در محضر امام صادق علیه السلام عرض شد ما فرزندان خود را به نام شما و پدرانتان نامگذاری می‌کنیم، آیا این عمل برای ما در پیشگاه الهی اجر و فایده‌ای دارد؟ حضرت فرمود: بلی، به خدا قسم، فایده دارد. مگر دین، چیزی جز مهرورزی است؟

(نورالقلین، ج ۱، ص ۷۲۲)

۸- اذان و اقامه

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَيُقِمِرْ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِضْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛

کسی که فرزندی به او داده شد (به دنیا آمد) در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید؛ زیرا این عمل، نوزاد را از شر شیطان حفظ می‌نماید.

(کافی: ج ۶، ص ۴۲)

۹- ولیمه

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عَدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ فَمَا الْعُرْسُ فَالتَّرْوِيجُ وَالْخُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَالِدِ وَالْعَدَارُ الْخِتَانُ وَالْوَكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَالرِّكَازَ الَّذِي يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ؛

جز در پنج مورد ولیمه نیست در عروسی، ولادت فرزند، ختنه کردن، خرید خانه و بازگشت از سفر حج.

(وسائل الشیعه: ج ۲، ص ۵۹)

۱۰- تراشیدن سر نوزاد ۱۹۱

عَنِ الرَّضَا علیه السلام فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَاءِ مَوْنٌ قَالَ: حَلَقُ رَأْسِهِ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُتَصَدَّقُ بِوَزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً؛

در روز هفتم، باید موهای سر نوزاد را تراشید و هم وزن آن طلا یا نقره صدقه بدهند.

(مکاتیب الأئمة: ج ۵، صفحه ۳۸)

۱۱- زمان عقیقه و تراشیدن مو ۱۹۲

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الصَّبِيِّ الْمَوْلُودِ، مَتَى يُذْبَحُ عَنْهُ، وَيُحَلَقُ رَأْسُهُ، وَيُتَصَدَّقُ بِوَزْنِ شَعْرِهِ، وَيُسَمَّى؟ قَالَ: كُلُّ ذَلِكَ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ؛

الكافی. به نقل از ابوالصباح کنانی: از امام صادق علیه السلام درباره نوزاد پرسیدم که: چه وقت برای او عقیقه کنند و سرش را بتراشند و به وزن مویش صدقه بدهند و بولونم بگذارند؟ فرمود: [وقت] تمام اینها، روز هفتم [تولد] است.

۱۸۸. استحباب غسل نوزاد هنگام تولد است و تأخیر انداختن در آن تا دو سه روز مانعی ندارد. العروة الوثقی ج ۲، ص ۷۵۱

۱۸۹. در روایات موارد دیگری برای کام برداشتن کودک گفته اند: از جمله آب گرم، خرما و غسل (حکمت نامه ی کودک ص ۶۶ ص ۶۷)

۱۹۰. در بعضی از روایات آمده نام نیکو را یکی از حقوق فرزند بر والدین ذکر کرده اند (کنز العمال: ۴۵۱۹) در روایات دیگر نامهای نیک مانند محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، جعفر، حمزه، عبدالله، عبدالرحمن، طالب، حارثه، همام، برای فرزند قبل از به دنیا آمدن یا روز هفتم تولد تأکید شده است. و از نامهای نکویده همچون شهاب، حباب، خالد، حارث و مالک و نامهای الهی چون حکم و ابوالحکم و حتی مبارک، نافع، بشیر و میمون نهی شده است

(حکمت نامه کودک ص ۶۸-۷۴)

۱۹۱. از امام صادق (ع) علت تراشیدن سر نوزاد سوال شد فرمودند: دلیل آن پاک کردن نوزاد از زوی درون رحم است. (من لایحضر الفقیه ج ۳ ص ۴۸۹)

۱۹۲. مستحب است برای پسرگوسفند نرو برای دخترگوسفند ماده عقیقه کنند. بهتر است عقیقه را بپزند و حداقل ۱۰ نفر از اهل ایمان را برای خوردن آن دعوت کنند. مستحب است استخوانهای گوسفند را نشکنند و پا و ران و بلکه یک چهارم آن را برای ماما بفرستند. برای پدر و مادر و عائله پدر خوردن از گوشت عقیقه مکروه است و اگر پدر و مادر عقیقه نکردند؛ مستحب است شخص پس از بلوغ برای خود عقیقه کند. (رجوع به حکمت نامه کودک ص ۶۰ و ۷۷)

۱۲- عقیقه دو قلوها

وُلِدَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ غُلَامَانِ جَمِيعاً فَأَمَرَ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ جُزْوَينَ لِلْعَقِيْقَةِ وَكَانَ زَمَنُ عَلَاءٍ فَأَشْتَرَى لَهُ وَاحِدَةً وَعَسْرَتْ عَلَيْهِ الْأُخْرَى فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ قَدْ عَسْرَتْ عَلَيَّ الْأُخْرَى فَتَصَدَّقْ بِشَيْئِهَا فَقَالَ لَا أَطْلُبُهَا حَتَّى تَقْدِرَ عَلَيْهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِهْرَاقَ الدِّمَاءِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ؛

امام باقر علیه السلام صاحب دو فرزند پسر شد. حضرت به زید بن علی دستور فرمود که برای عقیقه دو شتر بخرد. آن دوره روزگار گرانی بود. زید بن علی شتری خرید، اما توان خرید شتر دوم را نیافت. به آن حضرت عرض کرد: خریدن شتر دوم بر من دشوار گشته است، آیا می توانم قیمت آن را صدقه بدهم؟ امام فرمود: نه تلاش کن تا پیدا کنی زیرا خداوند ریختن خون قربانی و اطعام طعام را دوست می دارد.

(سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۶۶)

۱۳- زمان ختنه

قال أمير المؤمنين عليه السلام: اخْتَبِتُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ لَا يَمْنَعُكُمْ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَإِنَّهُ طَهْرٌ لِلْجَسَدِ؛

فرزندان خود را هفت روز پس از تولد ختنه کنید و سرما و گرما شما را از این عمل باز ندارد؛ زیرا ختنه کردن، عامل پاکیزگی بدن است.

(وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۴۲۴)

۱۴- با برکت ترین غذا ۱۳

قال علي عليه السلام: ما مِنْ لَبَنٍ يَرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَكْثَرَ بَرَكَاتٍ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛

هیچ شیری برای تغذیه کودک از شیر مادرش با برکت تر نیست.

(الكافي: ج ۶، ص ۱۰۴)

۱۵- مدت شیر دهی

قال صادق عليه السلام: الْفَرْضُ فِي الرِّضَاعِ أَحَدٌ وَعِشْرُونَ شَهْرًا فَمَا نَقَصَ عَنْ أَحَدٍ وَعِشْرِينَ شَهْرًا فَقَدْ نَقَصَ الْمُرْضِعُ وَإِنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ فَحَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ؛

واجب در شیردهی، بیست و یک ماه شیر دادن است. پس اگر از این مدت کمتر شیر داده شود، در کودک نقص پدید می آید. و اگر خواستند شیردهی را به طور کامل انجام دهند، باید دو سال تمام به کودک شیر دهند.

(الوسائل: باب ۱۰۷ من ابواب احکام الاولاد حدیث ۲)

۱۶- احترام به نوزاد

مكارم الأخلاق: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُؤْتِي بِالصَّبِيِّ الصَّغِيرِ لِيَدْعُوَهُ بِالْبَرَكَاتِ أَوْ يُسَمِّيَهُ، فَيَأْخُذُهُ فَيَضَعُهُ فِي حِجْرِهِ، تَكْرِمَةً لِأَهْلِيهِ، فَرُبَّمَا بَالَ الصَّبِيُّ عَلَيْهِ، فَيَصِيحُ بَعْضُ مَنْ رَأَاهُ حِينَ بَالَ، فَيَقُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَرْمُوا بِالصَّبِيِّ، فَيَدْعُهُ حَتَّى يَقْضِي بَوْلَهُ، ثُمَّ يُفْرغُ لَهُ مِنْ دُعَائِهِ أَوْ تَسْمِيَّتِهِ، وَيَبْلُغُ سُورُ أَهْلِهِ فِيهِ، وَلَا يَتَوَلَّى أَنَّهُ يَتَأَدَّى بِبَوْلِ صَبِيهِمْ، فَإِذَا انْصَرَفُوا غَسَلُوا نَوْبَهُ بَعْدُ؛

معمولاً نوزاد را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می آوردند تا برای او، دعا کند یا براو نام بگذارد. ایشان، او را می گرفت و به جهت تکریم خانواده اش، او را روی دامن خود می گذاشت. گاهی کودک به ایشان بول می کرد و برخی کسانی که هنگام بول کردن او را می دیدند، فریاد می کشیدند؛ ولی ایشان می فرمود: بول کردن او را قطع نکنید. از این رو، او را رها می کردند تا بول او تمام شود. سپس، دعا کردن برای او یا نام گذاری او را به پایان می برد و خانواده اش را به خاطر فرزندشان خیلی خوش حال می ساخت، [به گونه ای که] آنان مشاهده نمی کردند که ایشان از بول کردن کودکشان ناراحت شده باشد سپس، وقتی آنان می رفتند، لباس خود را می شست.

(مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۶ ح ۸۶)

۱۷- تغذیه کودکان

امام صادق عليه السلام: أَطْعَمُوا صَبِيَّانَكُمْ الرُّمَانَ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِسَبَابِهِمْ؛

به کودکانتان انار بخورانید که زودتر جوان شوند.

(بحار الانوار: ج ۶۶ ص ۴۶۱ ح ۷۴)

۱۸- رشد کودک

قال علي عليه السلام: يَشِبُّ الصَّبِيُّ كُلَّ سَنَةٍ أَرْبَعِ أَصَابِعٍ بِأَصَابِعِ نَفْسِهِ؛

قد پسر بچه هر سال به اندازه چهار انگشت خودش رشد می کند.

(كافي: ج ۱۱، ص ۱۰۴)

۱۹- گریه کودک

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لَا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَى بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ وَأَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ الدُّعَاءُ

۱۹۳- پیامبر اسلام بهترین غذا را برای کودک شیر مادر می دانند. (بحار الانوار: ج ۱۰۰، ص ۳۲۳) در حدیثی از حضرت علی (ع) نقل شده که شیر طبیعت را تغییر میدهد (بحار الانوار: ج ۱۰۳ ص ۳۲۳ ح ۱۰) وحدیثی به همین مضمون از امام باقر (ع) نقل شده و به همین دلیل برزیبایی و پاکیزگی دایه تاکید شده است. (الكافي: ج ۶ ص ۴۴ ح ۱۳)

لِوَالِدَيْهِ:

بچه هایتان را به خاطر گریه کردن نشان نزنید. چرا که گریه آن ها تا چهار ماهگی شهادت به «لا اله الا الله» است و چهار ماه [دوم] صلوات بر پیامبر ﷺ است و در چهار ماه [سوم] دعا برای والدین او می باشد.

(وسائل الشیعه: ج ۵۱، ص ۱۷۱)

۲۰- تربیت خوب

قال علی علیه السلام: اَکْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ؛

فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود. (مکارم الاخلاق: ص ۲۲۲)

۲۱- بوسیدن فرزند

قال رسول الله ﷺ: اَكْتَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْ لَدِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ؛

فرزندان خود را زیاد ببوسید، زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبه ای در بهشت فراهم می شود؛ در حالی که فاصله میان هر مقام، پانصد سال است. (وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۵۸۴)

۲۲- خوشحال کردن

قال رسول الله ﷺ: مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَانَ لَهُ حَسَنَةٌ، وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

کسی که فرزند خود را ببوسد، خدا برای او حسنه ای می نویسد و کسی که فرزند خود را خوشحال سازد، خدا در قیامت او را خوشحال می سازد. (کافی: ج ۱۱، ص ۸۴۴)

۲۳- مهر فرزند

قال صادق علیه السلام: إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَرَحِمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ؛

خداوند آدمی را به خاطر شدت محبت و دوستی به فرزندش مورد مهر خود قرار می دهد. (کافی: ج ۱۱، ص ۹۴۴)

۲۴- نیکی افراطی

قال باقر علیه السلام: شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبِرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ؛

بدترین پدران کسی است که نیکی [به فرزند] را به حد افراط برساند. (تاریخ یعقوبی: ج ۲، ص ۰۲۳)

۲۵- محبت افراطی

قال رسول الله ﷺ: لَا تَحْمِلَنَّكَ الشَّفَقَةُ عَلَى أَهْلِكَ وَوَلَدِكَ عَلَى الدَّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَالْحَرَامِ؛

به زن و فرزندت این قدر مهرورزی نکنید که وارد حوزه حرام شوند یا زمینه های گناه برایشان فراهم شود. (بحار الانوار ج ۴۷، ص ۸۰۱)

۲۶- ویژگی های خوب کودک

رسول الله ﷺ: أَحَبُّ الصَّبِيَّانِ لِخَمْسٍ: الْأَوَّلُ: أَنْتَهُمْ هُمُ الْبَكَاءُونَ؛ وَالثَّانِي: يَتَمَرَّعُونَ بِالتُّرَابِ؛ وَالثَّلَاثُ: يَخْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ حَقْدٍ؛ وَالرَّابِعُ: لَا يَدَّخِرُونَ لِعَدُوِّ شَيْئًا؛ وَالخَامِسُ: يُعْمِرُونَ ثُمَّ يُخَرِّبُونَ؛

کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می دارم: اول آن که بسیار می گریند، دوم آن که خاک بازی می کنند، سوم آن که دعوا کردن آنان همراه با کینه نیست؛ چهارم آن که چیزی برای فردا ذخیره نمی کنند، پنجم آن که می سازند و سپس، خراب می کنند. (دل بستگی ندارند)

(مواظظ العددیه: ص ۹۵۲)

۲۷- رفتار کودکانه

قال رسول الله ﷺ: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛

هر کس کودک داشته باشد باید با وی کودکانه رفتار نماید. (من لا یحضر الفقیه: ج ۳، ص ۳۸۴)

۲۸- سلام کردن به کودکان

قال رسول الله ﷺ: خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ، وَرُكُوبُ الْجِمَارِ مُؤَكَّفًا، وَحَلْبُ الْعَنْزِ بِيَدِي، وَلُبْسُ الصُّوفِ، وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ؛ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي؛

پیامبر خدا ﷺ پنج چیز است که تا هنگام مرگ، آنها را ترک نمی کنم: غذا خوردن روی زمین با بردگان، سوار شدن بردارزگوش پالان دار، پوشیدن شیر با دست خودم، پوشیدن لباس پشمینه و سلام کردن به کودکان؛ تا پس از من، سنت شود.

(الخصال: ص ۱۷۲ ح ۲۱)

۲۹- دوره های تربیت^{۱۹۴}

الإمام الصادق عليه السلام: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَالزِّمَّةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أفلَحَ، وَالْإفْلَاحُ مَنْ لَاحِرَ فِيهِ؛

فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند و در هفت سال [دوم] او را تربیت کن و هفت سال [سوم] او را با خودت همراه کن. اگر درستگار شد، چه خوب؛ در غیر این صورت، از کسانی است که هیچ خیری در آنها نیست.

(کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۲۹۴ ح ۳۴۷۴)

۳۰- قلب آماده

قال علی عليه السلام: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛
قلب کودک مثل یک زمین آماده به کشت است که هرچی در آن بیفشانند، قبولش می کند.
(بحارالانوار: ج ۱، ص ۳۲۲)

۳۱- یادگیری کودک^{۱۹۵}

قال علی عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ؛
کسی که در کودکی نیاموزد، در بزرگی سالی پیش نمی افتد.
(غررالحکم ودرر الکلم: ص ۹۴۶)

۳۲- سه ویژگی لازم در تربیت

قال رسول الله ﷺ: أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛

فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن.

(الکافی: ج ۶، ص ۱۰۴۱ و ۱۴۱)

۳۳- حقوق خردسالان

قال سجاد عليه السلام: وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَتَثْقِيفُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسُّرُّ عَلَيْهِ وَالرَّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ وَالسُّرُّ عَلَى جَرَائِرِ حَدِيثِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَ الْمُدْرَأَةُ لَهُ وَتَرَكَ مُمَاحَكَتَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ؛

و اما حق خردسال، مهربانی با اوست و پرورش و آموزش او و گذشت از او و چشم پوشی براو و نرمی با او و کمک به وی و پرده پوشی بر لغزشهای کودکانه اوست که موجب توبه او شود، و کنار آمدن با او و اجتناب از تحریک کردن او؛ زیرا این (روش) به رشد وی نزدیکتر است.
(الخصال: ص ۷۵، ح ۱)

۳۴- حقوق فرزند^{۱۹۶}

قال سجاد عليه السلام: وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُتَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ عَلَيْهِ؛

و اما حق فرزند تو این است که بدانی او پاره ای از وجود توست و در نیکی و بدی خود در این دنیا به تو وابستگی دارد و تودر تربیت و ادب آموزی و خداشناسی او مسئولیت داری و باید او را در اطاعت فرمان خدا، در آنچه مربوط به تو و اوست، کمک رسانی. در احسان به او پاداش می گیری و در بدی به او کیفر می بینی.
(بحارالانوار: ج ۱۷، ص ۵۱)

۳۵- جدایی محل خواب کودک از والدین

قال رسول الله ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَيْقِظٌ يَرَاهُمَا وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً؛

سوگند به کسی که جانم در دست او است، اگر مردی با همسر خود بیامیزد و در خانه، کودکی بیدار باشد و ببیند یا سخن و صدای نفس کشیدن آن ها را بشنود، هرگز درستگار نمی شود و سرانجام به زنا آلوده خواهد شد؛ چه پسر باشد و چه دختر.
(وسائل الشیعه: ج ۲، ص ۳۳۱)

۳۶- احترام به والدین

۱۹۴. در این زمینه روایات متنوعی وجود دارد که به عنوان نمونه سه مورد از آنها ذکر می شود: علی (ع)؛ کودک را باید تا هفت سالگی آزاد گذاشت و پس از آن در مدت هفت سال باید به تربیت و ادب او اهتمام نمود (بحارالانوار: ج ۱۰، ص ۹۶) امام صادق (ع)؛ پسر هفت سال باید بازی کند، هفت سال آموزش قرآن ببیند و هفت سال حلال و حرام را یاد بگیرد (کافی، ج ۶، ص ۴۷) رسول الله (ص)؛ فرزند هفت سال سرور است، هفت سال خدمتکار و هفت سال وزیر و دستیار. اگر تا بیست و یک سالگی از کمکی که به او کرده ای راضی بودی (و تربیت نتیجه داد) که خوب، وگرنه به شانه او برن (و دیگر به حال خود رهایش کن) و تودر باره او نزد خداوند معذوری. (مکارم الاخلاق: ج ۱ ص ۴۷۸ ح ۱۶۴۹).

۱۹۵. در این زمینه روایت دیگری نیز وارد شده است: حکایت کسی که در کودکی می آموزد، همانند نقش گندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگی سالی می آموزد، همانند کسی است که بر آب می نویسد. (کنز العمال: ج ۱۰ ص ۲۴۹ ح ۲۹۳۳۶)

۱۹۶. در روایتی دیگر آموختن سواد شنا و تیر اندازی و روزی حلال و طیب از جمله حقوق فرزند بر پدر ذکر شده است. (نهج الفصاحه: ص ۴۴۷)

قال صادق عليه السلام: في قوله تعالى: «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ ۱۹۷ لَا تَمْلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرِقَّةٍ، وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا، وَلَا يَدَّكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا، وَلَا تَقْدَمْ قَدَمَهُمَا»؛

درباره سخن خداوند متعال و از سر رحمت، بال فروتنی بر آنان بگستر: چشمانت را جز با مهربانی و دلسوزی از نگاه به آنان، پُر ممکن و صدایت را بالاتراز صدای آنان و دستت را بالاتراز دستان آنان، بلند ممکن و برگام های آنان، پیشی مگیر.

(الكافي: ج ۲ ص ۸۵۱ ح ۱)

۳۷- حق پدر بر فرزند^{۱۹۸}

قال رسول الله ﷺ: لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ: لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْسِيهِ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ، وَلَا يَسْتَسْبِهُ لَهُ؛

پیامبر خدا ﷺ هنگامی که از ایشان، درباره حق پدر بر فرزند، پرسیده شد. او را به نام صدا نزند، جلوی او راه نرود، پیش از او ننشیند و برای او دشنام خواهی نکند

(الكافي: ج ۲ ص ۸۵۱ ح ۵)

۳۸- جلب رضایت پدر

قال رسول الله ﷺ: إِذَا كُنتُمْ وَدَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهَا فَيَقُولُ أَرَفَعُهَا إِلَيَّ حَتَّى أُسْتَجِيبَ لَهُ فَإِنَّا كُمْ وَدَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ؛

از نفرین پدر بر حذر باشید، زیرا آن از ابرهای آسمان بالاتر می رود و خداوند بر آن نظری افکند و به ملائکه می فرماید: ای فرشتگان، بالا آورید آن را به سوی من که می خواهم آن را برآورده سازم. پس از نفرین پدر و مادر بپرهیزید که از شمشیر، تیزتر و برنده تر است.

(وسائل الشیعه: ج ۷، ص ۸۲۱)

۳۹- عواقب نفرین در حق فرزند

قال صادق عليه السلام: أَيُّمَا رَجُلٍ دَعَا عَلَى وَلَدِهِ أَوْرَثَهُ الْفَقْرَ؛

هر مردی که به فرزندانش نفرین کند خداوند خودش را به فقرا نازد.

(عدة الداعي: ص ۹۸)

۴۰- حق معلم^{۱۹۹}

قال الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمُ لَهُ، وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ، وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ، وَالْإِقْبَالُ عَلَيْهِ، وَالْأَتْرَفُ عَلَيْهِ صَوْتِكَ، وَلَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُكَ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ، وَلَا تُحَدِّثْ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا، وَلَا تُغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسَوْءٍ، وَأَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَتُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ، وَلَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَلَا تُعَادِي لَهُ وَلِيًّا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدْتَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ عِزَّوَجَلَّ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ، وَتَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ اسْمُهُ لِلنَّاسِ؛

حق سرپرست علمی تو، بزرگ داشتن او، نگه داشتن احترام مجلس او، خوب گوش دادن به او و توجه به اوست و این که صدایت را براو بلند نکنی و به کسی که از او سؤال می کند، پاسخ ندهی تا این که او خود، پاسخ دهد، در مجلس او با کسی سخن نگویی و نزد او غیبت هیچ کس را نکنی، و این که وقتی نزد تواز او به بدی یاد شد، از او دفاع کنی، و این که اشتباهاتش را بپوشانی و خوبی هایش را آشکار سازی و با دشمن او همنشین نشوی و با دوست او دشمنی نکنی. پس هرگاه چنین کردی، فرشتگان خدا برای تو شهادت می دهند که توبه خاطر خدای عزوجل، نزد او رفته ای و دانشش را فرا گرفته ای، نه به خاطر مردم.

(الخصال: ص ۷۶۵ ح ۱)

۱۹۷. سوره ی اسراء، آیه ۲۴

۱۹۸. در روایتی دیگر حضرت علی (ع) می فرماید: که حق پدر بر فرزند این است که از او در هر کاری جز معصیت خدا، فرمان برداری کند. (نهج البلاغه: الحکمة ۳۹۹ (ود روایتی دیگری فرماید به پاس گرامی داشت پدر و معلم خود به یا خیز هر چند فرمانروا باشی) (عززالحکم: ح ۲۳۴۱) همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است پدر و مادر، سه حق بر فرزند دارند: سپاس گذاری از آنان در همه حال؛ فرمان برداری از آنان در هر آنچه به او امر و نهی می کنند، غیر از نافرمانی خدا؛ و خیرخواهی برای آنان، در نهان و آشکار (تحف العقول: ص ۳۲۲)

۱۹۹. گفته شده که پیامبر خدا فرمود: «کسی که به فردی مسئله ای بیاموزد، اختیاردار او شده است.» گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا می تواند او را بفروشد؟ فرمود: «نه؛ ولی می تواند به او، امر و نهی کند.» (عوالی اللالی: ج ۴ ص ۷۱ ح ۴۳ منية المرید: ص ۲۴۳ نحوه)